

۷
دو ماهه
حقیقت
سال دوم، شمارهٔ اول، ربیع الاول،ربیع الثانی ۱۴۳٦هـ ق، جدی-دلو ۱۳۹۳هـ ش
۲۰۱۴م ذلیل ترین سالِ اشغالگران و مزدوران آنها
پە افغانستان کې دامریکایې ښکېلاک جنایتونو ته لنډه کتنه
نگاهی به زندگی و کارنامه های شهید مولوی محمد جان مخلص (رح)
توهین به مقدسات یعنی عبور از خط سرخ!
نیاکان ما چرا با روسها جنگیدند؟
د خیبر عملیاتو ژمنی بهیر څرنگه روان دی؟
چارلی ابدو یکبار دیگر قلوب امت مسلمه را جریحه دار ساخت
ششم جدی؛ یادآور روزهای تلخ!
ربیع الاول بهار دلها!

حقیقت





دو ماهه

علمی فرهنگی جهادی

سال دوم، شمارۀ اول، ربیع الاول- ربیع الثانی ۱۴۳٦هـ ق جدی دلو ۱۳۹۳هـ ش، دسمبر۲۰۱۴-جنوری ۲۰۱۵م

صاحب امتیاز :

کمیسیون امور فرهنگی

امارت اسلامی افغانستان

مدیر مسؤل:

احمد تنویر

معاون :

عبدالله شهید

هیئت تحریر:

حسن مبشر — جمال زرنجی

سعید بدخشانی — سید سعید

سعادت کامران — سمیع الله زرمتی

دیزاین :

زلمی افغان

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسنده‌گان دست باز دارد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندۀ آراء و نظریات نویسنده آن میباشد. ادارۀ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ

آنچه در این شماره میخوانید:



سپر ز دست مینداز که جنگ است هنوز

این روزها که دشمنان صلیبی و نیروهای اشغالگر کفری در پریشانی و سراسیمگی فرار و شکست به سر می برند؛ بسیاری از سران استکبار و حتی عساکر خارجی با این سوال جدی روبرو هستند که آیا واقعا بعد از گذشت نزدیک به یک و نیم دهه از جنگ افغانستان، آنها توانسته اند در افغانستان به امیال و اهداف خود برسند و آیا آن چیزی که در ابتدای تهاجم شوم و نامیمون شان در جنگ افغانستان مطرح کرده و مقصد جنگ پنداشته بودند به حقیقت و واقعیت پیوست و سران کفر جهانی به آنچه که می خواستند رسیدند؟؟؟

حقیقت اینست که دشمنان صلیبی در جنگ افغانستان شکست خورده اند و هیچ راه توجیه برای شکست تلخ خود ندارند؛ اما با این وجود شکی در این نیست که جنگ افغانستان همچنان بر قوت خود باقیست گرچه دشمنان صلیبی از یک طرف بانگ فرار را بلند کرده و شعار ترک افغانس تان را می دهند؛ ولی بازهم بسیاری از پایگاهای قوی نظامی دشمن، و بسیاری از دفاتر آنان که اهداف و پلان های شوم دشمنان را تعقیب و اجراء می کنند کماکان ثابت و پا برجاست و ادارهٔ جدید و فاقد صلاحیت کابل نیز به سلسلهٔ پروگرام های غلامی همچنان نسبت به داعیهٔ برحق ملت شریف، شجاع و قهرمان افغانستان در دفاع از آزادی، استقلالیت ارضی و ایجاد نظام اسلامی، بی تفاوت مانده و در مسیر منویات شوم دشمنان گام بر می دارد که این موارد خود باعث تداوم جهاد مقدس فعلی علیه بقایای قوّت های اشغالگر بیرونی و ادارهٔ مزدور و بی صلاحیت کابل می شوند؛ و همانگونه که در جریان سالهای گذشته، جهاد مقدس ادامه داشته بازهم فرزندان رشید و باغیرت افغان این سلسلهٔ شهامت طلبی اجداد و نیاکان شان را ادامه داده و با افتخار و سربلندی در این راستا از هیچ نوع قربانی و فداکاری دریغ نمی ورزند.

با توجه به تداوم اشغال نامرئی و غیرمستقیم غربیها و قرارگاه های درازمدت شان بر ماست که همچنان نسبت به فریضهٔ مقدس جهاد متعهد بمانیم و تا خروج آخرین سرباز کافر از خاک اسلام، دست از مبارزه نداریم.

بعضی ها فکر می کنند که بعد از اعلان پایان جنگ از سوی امریکا دیگر ضرورت به جهاد و مبارزه مسلحانه نیست و باید مجاهدین بدون قید و شرط اسلحه برزمین بگذارند؛ ولی باید هوشیار باشیم که اعلان پایان جنگ از سوی اوباما فقط و فقط یک مانور تبلیغاتی است چراکه عملا غربیها هنوز هم در حال جنگ اند، و می بینیم که بیشتر از ده هزار نیروهای اشغالگر در پایگاههای مستحکم مستقر هستند، کارمندان و پرسونل استخباراتی، طیارات بدون سرنشین و قوات هوایی کماکان آماده جنگ اند، عملیات شبانه به تازگی یک بار دیگر به اجراء درآمده است و در عرصه های سیاسی، تعلیمی، تقنینی، تبلیغاتی و فرهنگی فعالیت های اشغالگران بیگانه کما فی السابق در جریان اند؛ این چنین شرایط را ما چطور میتوانیم پایان جنگ و مبارزه توجیه کنیم .

نتیجهٔ جنگ افغانستان را تاکنون همه درک نموده اند که برگشت آسایش و امنیت کامل و سرتاسری به خانه های افغانها به جز خالی شدن این وطن از لوث وجود اشغالگران و بقایای شکست خوردهٔ آنان و خاتمه یافتن تمام پروگرام های ضد اسلامی و ضد آزادی ملت مسلمان افغانستان به هیچ وسیله و طریق دیگر ممکن نیست و دشمنان این مرز و بوم چه حال و چه چند سال بعد باید این حقیقت را عملا بپذیرند که ملت افغانستان و طبیعت ظلم ستیز و کفرشکن این سرزمین پر افتخار در طول تاریخ، هیچگاهی با غلامی، بی دینی، بی عدالتی، فساد، ظلم و ستم سازگار نبوده و در آینده نیز نخواهد بود پس بهتر آنست که دشمنان وطن با پذیرفتن حقیقت تلخ شکست، بدون چون و چرا و بدون دخالت در امور مردم افغانستان از این سرزمین بروند و بعد از خود نیز هیچگاه به بقایای داخلی خود بهاء نداده و امیدوار نباشند که آنان راه شکست خورده را بتوانند تکمیل کنند؛ چرا که افغانستان همانگونه که برای اشغالگران مکان امن و مناسب نبوده هرگز برای غلامان و مجریان پلان های کفری دشمنان نیز مکان امن شده نمی تواند؛ و زمانی افتخار آزادی نصیب ملت مومن و با شهامت افغان می شود که افغانستان عزیز از هر حیث آزاد و سربلند باشد و تا وقتیکه آرزوی دیرینهٔ هر افغان آزاده و مسلمان که همانا روی کار آمدن نظام مستقل اسلامی است برآورده نشود این جهاد و این سلسلهٔ مبارکِ غیرت و فداکاری علی رغم انف دشمنان به فضل و یاری الله جل جلاله ادامه خواهد داشت.

ششم جدی؛ یادآور روزهای تلخ!

محمود احمد نوید

سی و پنج سال پیش در چنین روزی ششم جدی 1358 هجری شمسی، خاک افغانستان تحت اشغال و سیطرهٔ نیروهای سرخ اتحاد جماهیر شوروی (روسیه) قرار گرفت و ملت شریف افغانستان روزهای سخت و بسیار تلخی را در زندگی شان تجربه نمودند؛ خیلی ها شهید شدند، خیلی ها معلول و معیوب شدند، تعداد زیادی از هموطنان، خانه و کاشانهٔ شان را از دست دادند، بسیاری یتیم شدند، پدر و مادرهای بی شماری در غم و عزای فرزندانِ جگرگوشهٔ شان نشستند، و هزاران درد و مکافات با هجوم استکبار شوروی سراغ خانه های افغان ها را گرفتند.

سرانجام پس از یکدهه مبارزهٔ جانانه و دلیر مردی، غیرت ایمانی و حس وطن دوستی ملت قهرمان و شجاع افغانستان، عساکر متجاوز روسی در افغانستان تا زمستان سال 1367 بیشتر نتوانستند به تجاوز شوم خود ادامه بدهند و پس از دست دادن هزاران عسکر خود مجبور شدند تا از تاریخ بیست و ششم دلو همان سال روند خروج و فرار ذلت بار خویش را آغاز نمایند و اینگونه ملت حماسه ساز افغانستان پوزهٔ استکبار شوم شوروی را به خاک ذلت مالید و به روس ها چنان درسی داد که تا دنیا دنیاست کشور روسیه و تاریخش، درس ماندگاری که افغانها بدانها دادند را فراموش نخواهند کرد و به یقین اگر تاریخ به عقب برمی گشت و روسها شناخت بعد از جنگ افغانستان را می داشتند هرگز به سرزمین افغانستان تجاوز نمی کردند و هیچگاه دست به آن حماقت جبران ناپذیر نمی زدند.

جای افسوس اینجاست کسانی که آن روزها قیادت جهاد را به دوش می کشیدند و سنگ استقلال و آزادی را به سینه زده و شعار اسلام خواهی و نجات کشور از زیر یوغ استکبار شوروی را سر می دادند خود زمانی که در امر تشکیل حکومت اتحاد ملی و ایجاد نظام مستقل اسلامی ناکام ماندند تمامی فداکاری های ملت شریف افغانستان را از یاد برده و به خانه جنگی و برادر کُشی روی آوردند و به اسم احزاب اسلامی، جهاد و مجاهدین؛ اساس فتنه، شر و فساد را گذاشتند؛ و باز زمانی که الله جل جلاله به فضل و مرحمت خویش و برکت خون شهدای راه اسلام و وطن، نظام مستقل امارت اسلامی (که از متن مردم شریف افغانستان و خصوصا علمای کرام و طلبای علوم دینی برآمده بود) چون تحفهٔ ارزشمند نصیب ملت و وطن عزیز افغانستان گشت، همانا که روزی می گفتند بخاطر نفاذ شریعت و رسیدن به همچون نظام صد فی صد اسلامی در مقابل شوروی و تجاوزکاران جهاد کرده و قربانی داده بودند متاسفانه سر مخالفت برداشتند و تا مدت زمانی مانع نفوذ و پیشرفت مجاهدین امارت اسلامی شدند؛ اما وقتی که هدف الله جل جلاله و رضای او باشد؛ الله متعال خود نصرت های غیبی خود را شامل حال دوستان خود می کند و مجاهدین امارت اسلامی در مدت بسیار کم 95 فیصد خاک وطن را از دست جاه طلبان و معامله گران نجات دادند و بیرق سفید نفاذ شریعت مقدس اسلامی در جای جای وطن به اهتزاز در آمد و حرکت مجاهدین (طالبان) چهرهٔ بسیاری از مُدّعیان جهاد را در همان زمان آشکار ساخت و همان هایی که روزی مدعی تمام قد قیادت جهاد علیه شوروی بودند خود بی باکانه و افتخارکنان بخاطر حصول مال و منال دنیا، مقام و چوکی و منصب، دست به دامن شوروی و هم پیمانان شوروی در منطقه شدند و از آنجا علیه نظام مستقل امارت اسلامی بنای توطئه چینی و دسیسه را گذاشتند، تا اینکه پیشرفتهای مجاهدین امارت اسلامی در امر نظام اسلامی و ایجاد حکومتی بر اساس قرآن و دین اسلام به مزاق دشمنان داخلی و خارجی خوش نیامد؛ و دشمنان اسلام و در راس آنها امریکای خونخوار به بهانه واهی مبارزه علیه تروریزم؛ و در واقع جنگ مستقیم صلیب بر اسلام، با همراه کردن قریب به پنجاه کشور کفری دیگر و مساعدت بی دریغانهٔ مجاهد نماهای دیروزین، به خاک عزیز افغانستان تجاوز نمودند و این میهن شیران را تحت سیطره و اشغال خود در آوردند؛ ولی با اینکه تهاجم امریکا و شُرکای بین المللی (در سال 2001 م) از هر جهت با تهاجم شوروی (در سال 1358 هش) تفاوت داشت و با اینکه کسانی که تا دیروز ندای کفر ستیزی و اشغال ستیزی را سر می دادند در اثر توجهات خاص امریکایی ها و دالرهای بی حساب و کتاب آنها فریب نفس اماره خویش را خورده و وسوسه شدند و طوق غلامی را بر عزت و استقلال ترجیح داده و در کنار امریکایی ها قرار گرفتند؛ اما بازهم فرزندان واقعی وطن و سلحشوران جان فدای دین، جانانه سرهای خود را بلند کرده و تجاوز امریکا را تجاوز دانسته و قیام و جهاد در مقابل امریکا را چون قیام و جهاد در مقابل اشغال روسها از روی قرآن و شریعت فرض عین دانستند و جهاد خستگی نا پذیرشان علیه قوای صلیبی را آغاز نمودند گرچه بظاهر بضاعت و آمادگی شان بسیار اندک از گذشته بود اما با ایمان های قوی و عزم فولادین خود در مدت سیزده سال گذشته چنان شجاعانه مبارزه نمودند که امروز تمام ملت مسلمان افغانستان و سایر مسلمانان جهانِ را به شکست قاطع و حتمی یک خونخوار دیگر سخت امیدوار نمودند؛ و جهان به زودی شاهد شکست حتمی امریکایی ها و دیگر شُرکای بین المللی آن در حمله و تجاوز به افغانستان خواهند بود و به فضل و مرحمت الله جل جلاله، مبارزه خستگی ناپذیر مجاهدین غیور و همکاری همه جانبهٔ ملت با ایمان و سلحشور افغان یکبار دیگر روز شکست اشغالگران و حامیان آنها را در خجسته بهار آزادی جشن خواهند گرفت و دست آخر روسیاهی را برای کسانی خواهند گذاشت که در سه و نیم دهه از زمان تجاوز شوروی جز مکر و فریب با ملت مظلوم افغانستان دیگر هیچ غرض خیرخواهی و نیت نیک نداشته اند و تاریخ درخشان این سرزمین رُسوایان وطن فروش را از فرزندان واقعی آن در خوب ترین شکل ممکن از همدیگر تفکیک و جدا خواهد نمود. ان شاء الله



در همه جا آشنا بیگانه به نظر میرسد!

ابو طیب جوزجانی

کفر و باطل چون سیلاب مدهش با موج های متلاطمش در حریم پاک اسلام مقدس در حالی سرازیر میگردد که جم غفیری از تکه داران اسلام در هالهٔ از ابهام قرار گرفته موقف نظاره گری را بخود انتخاب نمودند سردمداران دول اسلام در اریکهٔ قدرتشان تکیه کنان در برابر تنوع بی انصافی های غرب که هر روز در برابر نوامیس اسلام صورت میگیرد از بی وسعی ویا هم از جهت بی تفاوتی در یک سکوت کامل قرار دارند تأسف در اینجاست که عدهٔ از روءسای کشور های اسلامی با غفلت و کور دلی در ردیف کفار با همگرایی وهمسویی شعار پوچ وبی اساس غربی ها را بر زبان آورده با آنها همصدا وهمنوا گردیدند و بخاطر حفظ و ادامهٔ مواقف ننگین شان فقط جز بازیگران و پیش آهنگان آنها دیگر هیچ چیزی نیستند و به وعده های فریبندهٔ غربی ها در اقیانوس تجملات و هوس رانی های نا پایدار مادی غرقاب هستند همین بود که دنیای کفر و الحاد با استفاده از این فر صت طلایی جرأت پیدا کرد در سلول های بنیادی کشور های اسلامی نفوذ نموده نخست پایه های زیر بنایی واساسی آنها را تصاحب نماید از آن جمله:

اول: مداخلهٔ آشکا ر وعلنی آنها در سیستم های سیاسی ، اداری ، فرهنگی و مالی کشور های اسلامی.

دوم: ایجاد اختلاف بین احزاب و نهضت های اسلامی که نیرو و قوت های خود را علیه یکدیگر استعمال نموده فرصتی نیست که توجه خود را بسمت وسوی خود معطوف داشته در مداوای زخم های خود نسخهٔ یک طبیب حاذق را تطبیق نموده آسیب شناسی نمایند.

سوم: با استفاده از ضعفیکه ناشی از ناهماهنگی مسلمانان است یکعده عناصر زبون و پست فطرت و بی احساس را از بین مسلمانان انتخاب نموده اولا با زهر های پالیسی شان جان و تن آنان را آلوده ساخته بعدا بشکل نمایندهٔ واقعی شان در رده های بالا و کلیدی ادارات ممالک اسلامی میگمارند از این طریق به سهولت تام میتوانند هر لحظه کابوس آرمان های انتقام جویانهٔ شانرا ببینند واین دسته از عناصر اوباش را جهت سر کوبی حرکت های آزادی خواه استعمال بنمایند این حقایقیست که همینک در کشور های خاور میانه و قفقاز و افغانستان مشاهده می شوند.

چهارم: در جهت تضعیف و فاسد ساختن اخلاق و احساسات فطری جوانان امت مسلمه همه ابزار و وسایل انحرافی و مبتذل را به اشکال مختلف در نهاد های خانوادگی، مدنی وسایر مجتمعات وارد نموده تعداد زیادی از جوانان ما را به اعتیاد فلاکت بار عیاشی در گیر نمودند و از این گزینه توانستند طبقهٔ که آینده ساز کشور بودند در گنداب جهالت در حالت جمود و خمود سر بالا کرده نتوانند.

پنجم: با استفاده از ظرفیت ها ی فوق توانستند منابع مالی و دارایی های طبعی دول اسلام را طور مرموزی بغارت ببرند و یا هم زیر بنا های اقتصادی این ممالک را تخریب نموده در نتیجه توبره های سوال گری را در گردن های شان انداخته طور دایم دست های شان سوی غربی ها دراز باشد.

خلاصه با این روش های پلید توانستند بر گلوی دو میلیارد مسلمان خنجر زهرآلود شان را گذاشته حالا بداد و فغان کردن هم نمیگذارند یکی از علایم بارز وبدیهی اتحاد ملل کفر علیه اسلام همین بود که در مورد مردار شدن جنایت کاران فرانسوی همهٔ کفار در فرانسه جمع شده حمایت قاطع شان را از عمل زبون و غیر انسانی شار لی ابدو لعین اعلام داشته و آینده در ادامه همچو اعمال قبیح تأکید نمودند چنانچه عکس العمل دیوید کامرون با قیافهٔ وقیحانه اش در برابر سخنرانی پاپ که میگفت زیر سوال نمودن یک دین و توهین و تحقیر نمودن عقاید دیگران جزء آزادی بیان شمرده میشود، الاسف ای معشر المسلمین آیا باری هم بتاریخ زرین شگوفانی اسلام نظر کرده اید؟

تاریخی که در آن گفته شده یکی از خلفای اسلام این جرأت را داشت که به ابریکه از بالایش بدون بارش عبور میکرد بگوید: "امطری حیث شأت فان خراجک سیحمل الینا" ای ابر هر جائیکه میخواسته باشی بارش کن البته خراج تو از آن ماست، امروز حاکمان اسلام در جایکه قهرمانی ها، غیرت، فداکاری ها، سطوت و سیطره، تمدن، عدل و انصاف اهل اسلام را در تاریخ زرین شان جستجو کنند تمام توجه شان را بسوی همهمه ها و فرهنگ عاری از حقیقت غرب مبذول داشتند در تمام امور سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی شان از آنها الهام میگیرند، جائیکه شریعت اسلامی که دستور و قانون بی بدیل و کامل ومکمل است دستور کار شان باشد هرزه گویی های غربی ها را بخود مقتدی، طرز العمل ومنهج زندگی شان قرار دادند حالا که دشمن خود را با دست خود باین موقف رساندیم که علنا به مقدسات دینی و مذهبی ما جسورانه زبان درازی بکند باید امت مسلمه با دراکت وهوشیاری در فکر علاج آن قد علم نموده و فریضهٔ الهی را که جهاد است از ذمهٔ شان ساقط نمایند و در فکر تحکیم و استوار ساختن دوبارهٔ بنیاد و شالودهٔ ناب اسلامی و قدرت اسلامی شده، غفلت و سهل انگاری های خود را جبران نمایند، این وقتی امکان پذیر است که مسلمانان دنیا نخست همهٔ مسایل اختلافی شان را در طاق های نسیان گذاشته، قاطبهٔ توجه شان را بسمت دفاع و جلوگیری از تهاجم ظاهری و باطنی دشمن مبذول بدارند.

دوم: عوامل وعلل ضعف ونا توانی سیاسی و نظامی تشخیص و نقطه گذاری شده در اسرع وقت علت های آن بر داشته شود و نگذاریم که دشمن بما نظریه پردازی نموده آسیب شناسی نماید.

سوم: طبقهٔ جوان که ستون فقرات جامعه را تشکیل میدهند با انگیزه های موالات با یکدیگر ومعادات با کفر و الحاد تربیه و با گزینه های رزمی علیه کفار تعلیم داده شوند تا که بتوانند در برابر مشت دشمن عکس العمل بالمثل را انجام بدهند، و دیگر برای مبارزین ومجاهدین که عملا در صحنهٔ مقاومت قرار دارند کمک و معاونت همه جانبه اعم از سیاسی، نظامی و مالی نموده روحیه و مورال شان را تقویت ببخشند، و در ضمن خلاء و نواقصات آنها را شناسایی نموده مشوره های سالم داده شوند البته این همه که گفته شد شمهٔ از اسباب ومقدمات نصرت وکمک الهی است و اینکه تفاوءل نصرت عین مقدمهٔ نصرت پنداشته می شود. وما ذالک علی الله بعزیز به امید بیداری امت مسلمه

چارلی ابدو

سعید بدخشانی

یکبار دیگر قلوب امت مسلمه را جریحه دار ساخت

این یک حقیقت مسلم است که یهودیان وحشی و درنده صفت، نصرانیان کینه توز ودشمنان بشریت به اساس طبایع فاسد و مزخرف شان قوّت، شوکت و عزت مسلمانان را در جهان تحمل کرده نمیتوانند، لذا هر وقت مؤمنان پاک طینت را رنجانیده و نمی گذارند که نفس راحت بکشند، گاهی اسلام را مورد تاخت و تاز قرارداده، اهانت میکنند و گاهی قرآن کریم کتاب مقدس و دستورالعمل بشریت را توهین نموده به آتش می کشانند وگاهی هم به نشر و پخش کاریکاتور پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وسلم قلوب امت مسلمه را جریحه دار میسازند.

برادران مسلمان! این یک امرمبرهن و واضح است که دین مقدس اسلام به نسبت تمام ادیان دیگر دین أمن بوده و در این دین جان، مال، عزت و آبروی همه اهل ادیان ومذاهب محفوظ ومصؤن میباشد، و اسلام عزیز به هیچ فردی حق اهانت و تحقیر به دیگران را نمیدهد، با وجودیکه اسلام عزیز از همه ادیان پیشتر و مقدم تر مخالف تروریزم است، اما متأسفانه کشورهای کفری وگستاخان آنها با بسیار بی باکی وجسارت برای اهانت مقدسات ومعتقدات مسلمانان پیهم می کوشند، قابل یادآوریست که این اعمال وحشیانه آنان یک عمل تصادفی نیست، بلکه یهودیان ونصرانیان و به عنوان دیگر غربیهای مغرور طبق یک پلان تصویب شده انجام داه ومیدهند، و هر روز برای چنین طرزالعمل وعمل کردهای نا مشروع بودیجه وپول های هنگفتی را تخصیص میدهند.

غربیها واتحادیون ضد اسلامی شان همواره تکاپو می ورزند که مطابق پلان وسیع و گسترده ای، اسلام ومقدسات اسلامی را مورد اهانت قرار بدهند، همین است که نمونه همه وحشت ها وگستاخی هایشان را در مدت چند سال متوالی به نمایش گذاشتند.

قابل توجه! چندین سال میشود که نیروهای اشغالگر غربیها دست تجاوز را به کشورهای آسیا دراز نمودند، لذا در عمل کردهای ضد اسلامی شان افزایش داده، اسلام، قرآن و رهنمای عظیم بشریت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را به عناوین وحیله های گوناگون مورد تاخت و تاز و توهین قرار دادند، و روزانه سعی می کنند که اعمال طرح شده خود را پیاده نمایند، و در رأس اهداف نارواي طرح شده آنان نشروپخش کاریکاتور منسوب به رسول معظم اسلام بوده، و به نشر آن قلوب میلیونها مسلمان را مجروح ساختند.

این طواغیت وجباران تاریخ در اواخر سال میلادی کاریکاتورهای نا مشروعی را آماده وبنشرسپردند، باز متعاقباً در سال برای بار دوم روزنامه ها و جراید متعصب مسیحی ناروی پخش کرد بعداز آن دنمارک تقریباً در روزنامه و در تمام کشورهای اروپایی تقریباً درحدود روز نامه کاریکاتور ساخته خود را به نشر رسانیدند ودر سال میلادی دنمارک متمرد بازهم کاریکاتور خودساخته را باز نشر نمود، که در همه آنها به نبی کریم صلی الله علیه وسلم توهین صورت گرفته بود، درجمله فیلم های ساخته شده یک فیلمی دیگر را بشکل یک انسان جور کرده و در بالای عمامه آن بم ها را ترسیم نموده چنان وانمود کردند که گویا مسلمانان عامل این همه انفجارات وکشتارها میباشند زیرا پیامبر شان به آنها دستور داده است که مرتکب چنین اعمال شوند، همزمان با نشر فیلم و کاریکاتور در دنمارک رهبر حزب استقلال خواهان هایلند یک فلم دقیقه ای را در انترنیت داخل کرد که در آن اهانت به آیات قرآن کریم، کاریکاتورهای رسول معظم اسلام، حملات استشهادی مجاهدین، حملات بر مرکزتجارت جهانی ودیگرعملیات هانیز درج وشامل بود، وهمچنان برای استدلال این آیه قرآنی را نقل نمودند»وأعدّوالهم مااستطعتم مِن قُوت ومن رباط الخیل ترهبون به عدوّالله وعدوکم «انفال) وآماده کنید برای جنگ با آنها آنچه میتوانید جمع کنید از نیرو و اسبهای تربیت یافته که بیم واقع شود، باآنها بردشمنان خدا ودشمنان شما.

گویا که مسلمانان هراس افگن وتروریست هستند، و این هراس افگنی ازدین آنهاست و برای آنها ازطرف دین شان امرمیشود که شما در دنیا چنین خراب کاری و وحشت را پخش کنید.

این جاهلان نمی فهمند که کشورهای کفری چقدر اسلحه ذرّوی وشمیاوی ساخته اند و بازهم می سازند و بر مسلمانان مظلوم و مستمند استعمال می کنند و برای آزمایش و امتحان اطفال، زنان و ریش سفیدان مسلمانان را هدف قرار میدهند پس معلوم شد که هراس افگن وتروریست اصلی در جهان کفارهست، همچنان در بعض کشورها چنان اوراقی را پخش کردند که در آنها نویشته شده بود خداوند(جل جلاله)کجاست؟ همچنان قرآن کریم را به زبان فارسی بدون الفاظ عربی نشرکردند، وکلمه طیبه را در توپ های فوتبال نویشتند وچند سال قبل در بازارهای کویت، افغانستان وپاکستان چپلی وپاپوش های را عرضه نمودند که در زیرآن کلمه طیبه نویشته شده بود، علاوه ازین ها درغرب چقدر اسلام مورد اهانت قرار داده میشود.

درسال های گذشته درشهر بال سویس برای بوزینه وشادوها جاهای مشابه به مساجد مسلمانان ساختند، در بروکسل آیات سوره مبارکهٔ مریم و سوره مبارکهٔ بقره را درسینه بندهای زنان فاحشه نوشته کرده بودند.

همینگونه درماه نهم سال دشمنان مغرض ومتعصب یعنی آمریکایهای مغرور وناعاقبت اندیش بنشر و پخش کاریکاتور رسول الله صلی الله علیه وسلم تعصب خود را علیه هادی بشریت ومسلمانان ظاهر نموده و دل های مسلمانان رامجروح ساختند، همچنان اینبار دراواخیر واوایل میلادی مجله شارلی ابدو(هفته نامه شارلی) در پاریس فرانسه بطور مکرر کاریکاتورهای توهین آمیز برحریم پاک پیامبر بزرگ اسلام را نشر وبا این عمل زشت، حقد وعداوت خود را در برابر رهبر بشریت، دین مبین اسلام ومسلمانان اشکار نموده یکبار دیگر برزخم مسلمانان نمک انداختند.

این همه جنایات دشمنان کینه توزاسلام زنگ خطر است در راستای نابودی دین مقدس اسلام ولی باز هم مسلمانان از خواب غفلت بیدار نمیشوند، افسوس برحال چنین امت خواب برده! پس این امت چه وقت بیدار خواهند شد؟

آیا بعد از نابودی اسلام ومعتقدات اسلامی؟

زمانیکه اسلام خدای نخواسته ازبین برود، معتقدات و مقدسات نابود ساخته شود باز ازدست ما چه ساخته خواهد شد؟

بلی! به جز حسرت و ندامت دیگر چیزی ببار نخواهد آمد و این هم هیچ زخمی را مداوا کرده نمیتواند.

پس ای محبان وعاشقان صادق و پاک باز رسول الله صلی الله علیه وسلم بیائید بخاطر انتقام از گستاخان رسول الله، حب مال واولاد را دور گذاشته در ردیف برادران مجاهد خود ایستاد شده بر دشمنان رسول الله چنان ضربات کوبنده ای را وارید نمائید که در تاریخ برایشان پند و عبرت باشد، قسمیکه شیفتگان پیامبر بزرگ اسلام در داخل دفتر مجله شارلی برکارکنان و توهین کنندگان این مجله چنان حملات کوبنده وضربات کشنده ای نمودند که این درس عبرتناک هیچ گاه ازیاد گستاخان نخواهد رفت، چنین حملات به دشمن هشداراست که رسول معظم اسلام چنان شاگردانی دارد که در راه دفاع از محبوب شان حتی از سرهایشان هم دریغ نخواهند کرد.

پیامبر بزرگ اسلام می فرماید: شما تا زمانی مؤمن کامل نخواهید بود که من از پدر، فرزند و تمام مردم برای تان محبوب تر نباشم «پس ما وشما بخاطر دفاع از آبرو وعفت خود و خویشاوندان خود در صورت تجاوز حتی از جان های مان می گذریم و کسی را نمی گذاریم به حریم ما اهانت کند لذا رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار لائق وشایسته است که از حریم مقدس شان دفاع کرده شود و لو که به دادن سرهم باشد.

شاعری در رابطه به عواقب خطرناک گستاخان می فرماید:

بَذر گستاخی کسوف آفتاب　شدعزازیلی زجرأت ردباب

هرکه گستاخی کند در راه دوست　رهزن مردان بود نامرد اوست

هرکه گستاخی کند اندر طریق　باشد اودرلجهء حسرت غریق

بی ادب تنها نه خود را داشت بد　بلکه آتش در همه آفاق زد

د خیبر عملیاتو

ژمنی بهیر څرنګه روان دی؟

حبیب مجاهد

د اسلامي امارت د مشرتابه لخوا اعلان شوي د خیبر جهادي عملیات چې د روان کال له پسرلي څخه پیل شول، تراوسه د هیواد په ټولو ولایاتو کې په پوره شدت جریان لري چې په برکت یې هره ورځ د هیواد سیمې د یرغلګرو او د هغوی د ګوډاګیانو له وجود څخه پاکیږي.

خیبر عملیات لکه څنګه چې یې اټکل کیده د امریکایي یرغل په خلاف د جهاد په تیر دیارلس کلن بهیر کې تر ټولو د ډیرو سوبو، لاسته راوړنو او ددښمن د تلفاتو عامل ثابت شول، دغه عملیات لکه څنګه چې په لومړۍ ورځ په کمي او کیفي لحاظ په قوت سره پیل شول، تداوم یې هم توپاني او له فتحو مالامال و.

د عملیاتو په لړ کې د انتخاباتو د ورځو غونډې په ځینو مشخصو وختونو کې د بریدونو ګراف له پنځه تر لس چنده اضافه شو، دغه راز داسې مرحله هم راغله چې په پلازمینه کابل کې فدایي تهاجمي عملیات د ورځې خبره وګرځیده چې له امله یې په بهرنیو اشغالګرو چې پخوا یې ښارونه د ځان لپاره امن بلل له ښارونو څخه هم تیښته ګډه شوه او حتی د بلجیم غونډې ځیني هیوادونو خپلو سیاسي نمایندګیو یا سفارت ته قلفونه وراچول.

په دې لیکنه کې د خیبر عملیاتو په اوږده او توپاني بهیر رڼا نه اچوو بلکې یوازې د یخ په موسم کې چې دهیواد زیاتره سیمې د واورو تر پوښښ لاندې دي او د تودوخې کچه صفر نقطې ته رسیږي د خیبر عملیاتو ژمني بهیر ته ځغلنده کتنه کوو.

د روان کال په پسرلي او اوړي کې به چې کله دمجاهدینو بریدونو دښمن له رسوایي او تلفاتو سره مخامخ کړنو ددښمن ویاندویانو او صاحب نظرانو به ویل چې دا د طالبانو جنګي موسم دی ددوی په باور هرکال د طالبانو جنګي فصل له جوزا څخه پیلیږي او ترمیزان پورې دوام کوي، په دې موسم کې که مجاهدین دښمن ته هرډول قوي ضربه ورکړي دښمن ورته په مطبوعاتو کې دا دلیل وړاندې کوي چې دا محدود جنګي فصل دی نو ځکه باید دغسې تلفات نادر ونه بلل شي.

اما اوس چې ګورو په ژمي کې چې دشمن یې له خپل جانبه د تهاجم او عملیاتو فصل بولي د مجاهدینو تاوده عملیات په درست هیواد کې جریان لري او دښمن یې کاملا تیښتې او دفاع ته مجبور کړی دی.

که د تیرې جنورۍ میاشتې مهم خبري سرټکي راګورو نو دا عناوین په کې وینو.

د کندز په خان اباد کې د مجاهدینو په عملیاتو کې ۱۲ اربکیان مړه ۱۲ زخمیان ۷ لوی کلي فتحه او لوی مقدار وسلې او مهمات مجاهدینو غنیمت کړې.

خوست کې د پولیسو په اکادمۍ فدایي برید ۲۵ تنه پولیسو ته مرګ ژوبله واړوله، دهلمند په نوزاد کې نفوذي مجاهد د امنیه قومندان او دکشف امر په شمول د ولسوالۍ ټول کارکوونکي ووژل ،د لغمان په مرکز او علیشنګ کې د اربکیانو دمشر قومندان اسد په شمول ۱۵ تنه اربکیان مړه او ژوبل شول.



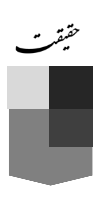
په لښکرګاه کې د عامه نظم د عسکرو په کاروان فدايي برید ترسره شو چې په نتيجه کې يې دډښمن ګڼ موټرویجاړ او ۱۸ تنه افرادو ته يې مرګ ژوبله واوښته،د کابل ښار دهوايي ډګر سرک ته څېرمه د قصبې په سيمه کې چيرته چې دبهرنيانو هستوګنځايونه دي د موټربم فدايي بريد په پايله کې ګڼ شمير خارجی ملکي او نظامی کارکوونکو ته مرګ ژوبله واوښته،د فارياب په قيصار کې په دوه ورځنيو عملياتو کې پراخې سيمې له دښمن څخه تصفيه او ۱۷ عسکر او اربکيان له منځه لاړل ،د کابل په هوايي ډګر کې د احسان الله په نوم نفوذي مجاهد په امريکايانو بريد وکړ درې تنه يې ووژل او څلور نور يې زخميان کړل، د ننګرهار په نازيانو ، غني خيل او لعل پوره ولسواليو کې داربکيانو ګڼ شمير پوستې فتحه او پراخې علاقې يې له تسلط څخه خلاصې شوې ، په دې عملياتو کې اربکيانو ته درنه مرګ ژوبله هم رسيدلې، دغه راز د کندهار ښار د څلورمې او نهمې حوزې د پوليسو په مرکزونو په فدايي بريدونو کې ۲۵ ته ګوډاګې عسکر له منځه لاړل.

دغه مهم عمليات چې په هر يوه کې دښمن ته درانه تلفات رسيدلي زياتره د روان ميلادی کال د جنورۍ په وروستۍ نيمايي او د فبرورۍ په لومړنۍ هفته کې ترسره شوي دي.

دې عملياتو ته که وګورو دا رامعلوميږي چې د خيبر په نوم سږني جهادي عمليات لا هم د پسرلنۍ مرحلې غونډې تاوده روان دي، چې ساړه موسم او ژمنيو مشکلاتو يې په څرنګوالي او څومره والي اغيز نه دی کړی.

په لوړو څو بيلګو کې دا خبره هم روښانه شوه چې جهادي عمليات د پخوا غونډې په درست هيواد کې په برابر شکل روان دي،چې له دې څخه ددشمن دهغو تبليغاتو دروغوالی معلوميږي چې وايي دمجاهدينو عمليات په محدودو ساحو کې جريان لري او هيواد شموله نه دي.

خيبر عمليات چې په پايله کې د هيواد له زياترو سيمو د خارجي يرغلګرو تېغر ټول شو، ګڼ شمير ولسوالۍ په کې فتحه شوې،جهادي عمليات په خاص ډول د مقناطيسي ماينونو چاودنې د هيواد پلازمينې او نورو ښارونو ته ورسيدلې تردې چې د دشمن لوړپوړي کسان يې سخت وويرول او دهرات ښار غونډې په لويو ښارونو کې يې د موټرسايکلو ګرځبنديز ته مجبور کړل، يوه بله لاسته راوړنه يې دا وه چې په ژمي چې دښمن پخوا د خپل استراحت موسم باله هم يې دشمن د ارام خوب ته پرينښود ، بلکې د پخوا غونډې وربانډې بريدونه، فدايي عمليات،چاودنې او توغنديزوارونه جاري پاته شول.



زندگانی و شخصیت

رحمه الله تعالی

امام فخر رازی

نوشته

آصف رخشانی

از آنجائیکه دین مبین اسلام آخرین و کاملترین ادیان است و پیامبر اسلام به عنوان خاتم پیامبران مبعوث شده و بعد از ایشان دیگر پیامبری نخواهد آمد، لذا خداوند متعال در هر زمان مجددان و شخصیتهایی والا در میان مردم می آفریند تا راه و رسم زندگی اسلامی را به مردم ابلاغ نموده و پاسداران حقیقی دین اسلام باشند.

از لابلای اوراق تاریخ، ظهور و حیات شخصیتی بارز متجلی است که فخر زمان، امام المتکلمین، فخرالدین رازی نام دارد. وی ابوعبدالله محمد بن عمر بن حسین رازی الهروی ملقب به "فخرالدین رازی" و معروف به "شیخ الاسلام هرات" می باشد.

امام رازی در سال 544 هـ ق چشم به جهان گشود و دروس ابتدایی را نزد پدر بزرگوار خود شیخ ضیاء الدین فرا گرفت. پس از وفات والد گرامی، به شهر ری سفر نموده و نزد "کمال سمعانی" رفت و او را به عنوان مرشد و استاد خود برگزید. پس از مدتی جهت تکمیل دروس، به "مراغه" سفر نمود وعلم کلام و حکمت را نزد استاد "محمد جیلی" آموخت.

هنگامی که از فراگیری علم در تمام زمینه های علوم عقلیه و نقلیه فارغ گشت ومهارت کافی را حاصل نمود به "خوارزم" رفت و مدتی در آنجا رحل اقامت گزید و به علت بحث و مباحثه های کلامی و اعتقادی از خوارزم به ماوراء النهر و نهایتاً به هرات رفت. امام رازی در هرات مورد اکرام و احترام سلاطین "غوری" قرار گرفت وسلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری (متوفی599) مسجد جامع بزرگ و مدرسه جامع هرات را جهت تدریس و تشکیل مجالس پند و اندرز در اختیار امام قرار داد.

در طول مدت اقامت ایشان در خراسان، علمای بسیاری از نقاط مختلف ممالك اسلامی جهت فراگیری علوم نزد ایشان می آمدند و از محضر ایشان کسب فیض می نمودند. در مجلس ایشان از هر طیف و گروه و از هر مذهب حضور می یافتند ورفع اشکال می کردند، حتی بسیاری از طرفداران فرقه باطله کرّامیه به وسیله ایشان هدایت شده و به مذهب اهل سنت و جماعت گرویدند.

امام رازی هروی بنابر تبحر علمی خود، تصانیف بسیاری دارند، خصوصاً در زمینه تفسیر، خداوند به ایشان استعداد فوق العاده ای عنایت نموده بود و "تفسیر الکبیر" ایشان دارای ارزش والایی نزد اهل علم می باشد. از جمله تصانیف دیگر ایشان به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

۱ـ البیان والبرهان فی رد اهل الزیغ والطغیان.
۲ـ نهایة العقول
۳ـ المطالب العالیه
۴ـ المحصول فی علم الاصول
۵ـ المعالم
٦ـ الملخص
۷ـ شرح عیون الحکمه
۸ـ شرح مفصل زمخشری
۹ـ شرح الوجیز امام غزالی
۱۰ـ المحصل

امام رازی علاوه بر تبحر علمی، واعظی قوی نیز بود و در زمینه شعر هم تبحر خاصی داشت، اشعار ذیل بخشی از قصیده های ایشان است:

اشعار به زبان عربی:

نهاية أقدام العقول عقال
و أكثر سعى العالمين ضلال
وأرواحنا في وحشة من صبومنا
و حاصل دنيانا أذى ووبالٌ
ولم نستفد من بحثنا طول عمرنا
سوى أن جمعنا فيه قيل و قال

اشعار به زبان فارسی:

کنه خردم درخور اثبات تو نیست
وآرامش جان جز به مناجات تو نیست
من ذات تو را به واجبی کی دانم
داننده ذات تو بجز ذات تو نیست

عقیده ابن‌خلدون درباره امام فخر

ابن خلدون (در گذشته ۸۰۸ه.ق) مورخ و فیلسوف نامدار تونسي در کتاب بسیار نفیس خود مقدمه تاریخ، فصلي مشبع و مفید در علم کلام آورده و پس از دقت و موشکافي و اظهار نظر درباره این علم و مسائل آن مي‌گوید: تا دوره امام الحرمین ابوالمعالي جویني، مباحث کلامي با مطالب فلسفي درهم آمیخته بود تا اینکه امام

سپس مي‌گويد: و نخستين كس كه در اين راه، به طور مستقل و با دقت نظر كتاب نوشت و توانست اصل بالا را در تأليفات خود رعايت كند، امام ابوحامد غزالي بود و تنها كسي كه پس از او به طرزي صحيح از او پيروي كرد امام فخرالدين رازي معروف به ابن خطيب بود.

اما پس از وی باز چندی اين اختلاط و آميزش پيش آمد، چه بيش‌تر عالمان به فلسفه مشغول شدند و يا اصطلاحات كلامي را در فلسفه و اصطلاحات فلسفي را در كلام وارد ساختند. در صورتي كه مباحث اين دو علم از هم جداست. متكلم، در حقيقت حارس و نگاهبان اصول عقايد مردم است و مي‌كوشد اصول عقايد را از نظر گاه دين و با اتكاء به عقل تحكيم كند، اما فيلسوف ب حقايق اشياء نظر دارد و صحبت از اين دارد كه ما كجا بوده‌ايم و كجا هستيم و چرا هستيم و به كجا مي‌رويم؟ و هيچ الزامي ندارد كه از دين و مبادي ديني پيروي كند و چون اين مباحث مخلوط شده است از اين رو، رد نوشتن بر معارضان و مخالفان دين مشكل شده، ليكن هر كس بخواهد بر فيلسوفان و مخالفان اسلام رد بنويسد، لازم است كه به كتابهاي امام محمد غزالي و امام فخر رازي بنگرد و در معناي كتابهاي اين دو تعمق كند. زيرا اگر چه در اين كتابها مخالفتهايي با اصطلاحات قديم دانشمندان كلام - كه مصطلحات و مسائل آنها محدود و قليل بوده- به چشم مي‌خورد اما از اختلاط مسائل و اقتباس موضوعات خبري نيست و مسائل كلامي به مطالب فلسفي آميخته است.

مخالفان امام فخر رازي

گفتيم امام در سخنوري و ايراد خطابه بسيار زبردست بود و سخنان او از چاشني كلام و صوفيگري و فلسفه و اشعار شاعران بزرگ خالي نبود و نيز گفتيم كه وي در فروع دين، مذهب شافعي داشت. از اين رو، روزگار او مجالي بود براي پيشرفت كار شافعيان و رواج عقايد ايشان.

امام فخر با مايه فراوان علمي و نيروي بيان و وابستگي به ديوان براي مدعيان مذاهب ديگر مجالي براي عرض عقيده و بيان حقايق ايماني خود نمي‌داده است. ولي آنها نيز بيكار نمي‌نشستند و او را آزار مي‌رسانيدند. يكي از اين گروه، كراميان بودند كه سرانجام از دست زبان او به تنگ آمدند و در طعامش زهر ريختند كه به نظر گروهي، امام به سبب همين مسموميت درگذشت. از داستانهاي عجيب كراميان يكي اين بود كه: نامه‌هايي چند پر از دشنام و بدگويي نوشتند و بر منبر او نهادند و چندين بار اين كار را تكرار كردند. امام سرانجام از اين كار سخت برآشفت و نامه‌اي را بر فراز منبر براي شنوندگان خود خواند آن گاه در جواب كراميان گفت:

در اين نامه‌ها به پسر من نسبت بدكاري داده و زنم را و غلامم را نيز بدكاره قلمداد كرده‌اند. اگر اين نسبتها درست باشد بايد بگويم: پسرم جوان است و جواني شعبه‌اي از ديوانگي است ولي اميدوارم از آن كار بد باز آيد و توبه كند؛ اما زنان و غلامان را امانت كمتر باشد مگر خداي آنها را از بدكاري نگاه دارد. با وجود همه اينها در اين نامه از پسر يا زن يا غلام من‌طلبي نيامده بود دال بر اينكه بگويند: خدا جسم است و يا او شبيه آفريدگان خويش است و يا خدا دست و پا و خواهش نفساني دارد، شما انصاف دهيد كه كدام يك از ما راه يافته‌تر است!

برهان قاطع بر گلوي فخر رازي!

اسماعيليان يا باطنيان از او دلخون بودند و از نيش زبانش به تنگ آمده بودند تا اينكه امام چند روز پيايي در درس خود اظهار كرد كه: اين ملاحده براي دسترسي عقايد خود برهان قاطعي ندارد. يك اسماعيلي مأمور شد و به حلقه درس و به گروه شاگردان امام پيوست و پيوسته در تقرب مي‌افزود. روزي به امام گفت: سؤالي محرمانه دارم و امام را به كتابخانه خصوصي برد و او را به چالاكي تا بالاي سر برداشت و بر زمين نهاد و كاردي از لاي كتاب بركشيد و بر گلوي پيرمرد امام نهاد و گفت: اين برهان ماست! ترا نمي‌كشم، اما بايد قول بدهي كه پس از اين از اسماعيليان بدنگويي... امام با منت پذيرفت و از فردا در بحث جانب احترام و مماشات پيش گرفت. روزي يكي از شاگردان از امام پرسيد:

- مگر در اصول عقايد استاد در باب اسماعيليان تغييري حاصل شده است؟

امام گفت: البته زيرا برهان قاطع آنها را در دستشان ديده‌ام!

سند علمی امام رازی

سند علمی امام رازی بعد از ده استاد به امام شافعی رحمه الله می رسد. بطوريكه ايشان علوم را از پدر خود و او از ابومحمدحسين و ايشان از قاضی حسين مروزی و او از قفال مروزی و ايشان از ابو زيد مروزی و ابوزيد از ابو اسحق مروزی و وی از ابو العباس شريح و ايشان از ابوالقاسم انماطی و او از ابراهيم مزنی و ابراهيم مزنی شاگرد امام شافعی رحمه الله بود.

سرانجام اين خورشيد علم وعمل روز دوشنبه يكم شوال المكرم سال 606در روز عيد فطر در شهر عارفان – هرات – درگذشت و در جوار كوه "مصاقب" در روستای "مرادخان" دفن گرديد.

وی هنگام مرگ اين رباعی را زمزمه می كرد:

هرگز دل من زعلم محروم نشد
كم ماند ز اسرار كه مفهوم نشد
هفتاد و دو علم درس خواندم شب و روز
معلومم شد كه هيچ معلوم نشد

منابع:

تاريخ اسلام/ ج۲۱
طبقات شافعيه/ ج۲
سير اعلام النبلاء/ ج۲۱
وفيات الاعيان/ج۴
المفسر والمفسرون/ج۱
شذرات الذهب/ ج۵





گرداننده مصاحبه: اداره

توضیح: خوانندگان گرامی! در بیست و یکم ماه اکتوبر سال ۲۰۱۴ میلادی، خبری به نشر رسید که یک جوان مجاهد با موتر مازدای خود سه تن امریکایی را در عزیزآباد ولسوالی شیندند ولایت هرات به زیر گرفت که در نتیجه دو تن امریکایی جابجا کشته شدند و یکتن شان هم بعدا از شدت جراحات وارده هلاک شد؛ بعد از انجام موفقانۀ عملیات، آن جوان قهرمان نیز موفق به فرار شد؛ اما در حین حمله، از ناحیۀ پا به شدت زخمی شد که منجر به قطع یک پای شان گردید، چند روز پیش به خانۀ یکی از دوستان دعوت بودیم که نسبت قرابت با آن غازی قهرمان داشت و ایشان را هم فراخواند، ما هم از فرصت استفاده کرده و برای خوانندگان عزیز مجلۀ حقیقت مصاحبۀ ذیل را با ایشان ترتیب دادیم، ان شاء الله که مورد پسند الله متعال و تمام دوستان واقع شود.

اداره: برادر عزیز جناب غازی مجاهد بسیار از دیدارتان خوشحال شدیم اگر ابتداء برای خوانندگان محترم مجلۀ حقیقت خود را معرفی نمائید؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم نام من محمد عوض ولد حاجی میرخان باشندۀ عزیزآباد ولسوالی شیندند از ولایت هرات می باشم.

اداره: جناب غازی صاحب از کار و بارتان بگویید تا قبل از انجام عملیات در کدام وظیفه مصروفیت داشتید؟

جواب: : بنده یک جوان غریب کار هستم و با یک موتر مازدا خاک کشی می کردم و از طریق همان موتر به دنبال کسب رزق حلال برای خانه و خانواده ام بودم و بعد از انجام عملیات اینک شما می بینید پای من قطع شده و ان شاء الله در آینده هم تصمیم دارم خود را وقف جهاد و امور جهادی کنم.

اداره: چه انگیزۀ سبب شد که شما دست به این اقدام شجاعانه بزنید و چنین یک کارنامۀ درخشان و پر افتخار برای خود و تاریخ وطن تان رقم بزنید؟

جواب: حقیقتش این کار من چندین عوامل داشته است که باعث انگیزه در من شد که این عملیات را انجام بدهم، یکی ظلم و جنایت های فراوان امریکایی ها درسرتاسر وطن ما بود، یکی جنایت فراموش نشدنی امریکایی ها در عزیزآباد شیندند بود که دها تن افراد بی گناه و مظلوم را به طرز فجیع و بی نهایت بی رحمانه بمباران کردند و مردم مظلوم ما را شهید ساختند، دیگر اینکه دشمن برای خود افراد جلب و جذب می کرد و بسیاری از جوان های ما را به خدمت و غلامی دعوت می داد، بارها همانطوریکه خود شما بهتر خبر دارید به پیامبر عزیزما توهین کردند و همچنین به قرآن شریف بی ادبی ها کردند و هزاران جنایت که انسان از بیان همه آنها عاجز است، این چیزها باعث شد که من یک کار علیه امریکایی ها انجام بدهم.

اداره: جناب غازی صاحب از چند وقت این تصمیم را گرفتید که این عملیات را انجام بدهید و آیا به تنهایی تصمیم گرفتید و یا با مشوره؟

جواب: من از یکسال می شود که این تصمیم را داشتم که یک عملیات بالای نیروهای خاص امریکایی انجام بدهم و همیشه با خود فکر می کردم که این کار را چگونه بکنم تا هم من موفق بشوم و هم امریکایی ها ضربه ببینند تا اینکه یکبار که با موتر خاک کشی خود مشغول کار بودم و از سرک عزیزآباد رد می شدم دیدم که نیروهای امریکایی در کنار سرک ایستاده و موتران را تلاشی می کنند و به موترهای که مشکوک می شوند دست تکان می دهند، با خود گفتم بسیار یک موقعیت برابر است که با موتر مازدای خود آنها را به زیر بگیرم شاید آنها هرگز انتظار یک همچین کاری را از هیچ کسی نداشته باشند، بالاخره با یکی دو تن از دوستان خود گفتم حتی با برادران مجاهد نیز در جریان گذاشتم همهٔ آنها گپ مرا باور نکرده و قبول نکردند و گفتند که این کار تو خیلی خطرناک است حتی به من می گفتند مگر تو دیوانه شده ای قبل از آنکه حتی یکی از آنها را بکشی تو را از بین می برند چرا که موقعیت آنجا شدیدا هم توسط امریکایی ها و هم توسط اردوی ملی حفاظت می شد اگر امریکایی ها غرض نگیرند حتما اردوملی تو را از بین می برند برادران مجاهد می گفتند باشد یک پلان برای تو جور می کنیم ولی من مطمئن بودم که ان شاء الله حتما یک کار می شود.



اداره: محمدعوض جان! به ما بگوئید چرا این عملیات را بالای نیروهای خاص امریکایی نقشه کشیدی و چرا این کار را بر نیروهای اردوی اجیر ملی انجام ندادی مگر موقعیت نبود یا کدام مسئله دیگر وجود داشت؟

جواب: الله متعال می داند که من غرض اصلی بالای نیروهای امریکایی داشتم و اردوی ملی را هدف نداشتم وگرنه اردوی ملی را بارها اینطور یک موقعیت جور بود که حتی بهتر از امریکایی ها همین عملیات را بر آنها انجام بدهم و حتما آنها بیشتر تلفات می دیدند؛ اما بیشتر خشم و ناراحتی من از کافران بود گفتم که خوب است این جان شیرین من در راه خدا در مقابل سرسخت ترین دشمنان خدا یعنی امریکایی ها فدا شود، از این خاطر امریکایی ها به مقصد من بود.

اداره: جناب غازی صاحب، شما فکر نکردید که خطر این حمله بسیار زیاد است و شاید حتی قبل از انجام عملیات دشمن شما را به شهادت برساند و شما در کار خود موفق نشوید؟

جواب: من خوب می دانستم که صد فی صد این کار شهید شدن است و یک فیصد هم احتمال زنده ماندن نمی دادم از خطرش نمی ترسیدم چون من به نیت فدایی (استشهادی) این کار را می کردم ولی از خدا می خواستم من را نصرت بدهد و بسیار آرزو داشتم که خداوند جان ناچیز مرا در راه دین خود قبول نماید و امید شهادت داشتم اما تقدیر الهی چنین رفته بود که این کار بشود و من بازهم زنده بمانم.

اداره: بسیار خوب محمد عوض جان! اکنون می خواهیم از زبان شما جریان عملیات را بشنویم که چگونه این کار بزرگ را انجام دادید؟

جواب: الله متعال از ما و همه مجاهدین، خدمت های جهادی را قبول نماید و ما را توفیق بیشتر نصیب کند، قبل از بیان ماجرای خود باید بگویم هدف من از بیان این واقعیت، خدای نخواسته نام و نشان نیست این کار را برای رضای خدا انجام دادم اما بخاطر اینکه شاید همین سخن ها را یک برادر دیگری بشنود و در او انگیزهٔ جهاد و غیرت پیدا شود می گویم، یک روز که خاک کشی می کردم با موتر خود چند کارگر که همرای من بودند به آنها گفتم امروز اگر خدا بخواهد امریکایی ها را به زیر موتر می کنم، آنها به من گفتتند این کار هیچ ممکن نیست و بی فائده است و شما نباید این کار را بکنید اما من به آنها گفتم در تصمیم خود قاطع استم وقتی برای بار کردن موتر مازدا در محلی که خاک بار می کردیم ایستاد شدیم من از کارگرها گوشه شدم و رفتم دعاء کردم که خدایا! من این تصمیم را دارم من را یاری کن و بسیار دعاء نمودم، تا ماشین خاک بار شد، با کارگرها موتر را حرکت دادیم آن روز در سرک دیدم که موقعیت بسیار مناسب است گفتم بخاطر آنکه موتر را خوب تر چلانده بتوانم باشد که خاک ها را خالی کنم و کارگرها را هم پیاده نمایم، بعد از آنکه بار را به مقصد خالی کردم و کارگرها پائین شدند موبایل ام را برداشتم و اول به برادرهایم که آنها نیز الحمدلله مجاهد هستند زنگ زدم که من را حلال کنند که می خواهم فدایی کنم، آنها اول فکر کردند شوخی می کنم و حرف من را باور نکردند اما من دوباره سخنم را تکرار کردم، همچنین به پدر و مادرم زنگ زدم و از آنها حلالیت طلبیدم که من را ببخشند و برای من دعاء کنند که پیروز شوم، کتابچهٔ من که در آن حساب ها داشتم به یکی از کارگرها دادم که اگر شهید شدم این کتابچه را به خانواده ام بدهند تا بعد از من حساب های من با آنها معلوم باشد، با کارگرها خداحافظی کردم خیلی احساس خوبی داشتم در موتر مازدایم نشستم و خدا را یاد کردم و خوب یک مَیدانی گرفتم و موتر را به طرف سرک آنجایی که امریکایی ها و اردو ملی ایستاده بودند حرکت دادم، سرعت را زیاد کردم وقتی به نزدیک هدف رسیدم چندین جا بالای اردوملی خوب موقعیت داشتم که از امریکایی ها هم بیشتر کشته می شدند اما قصدم فقط امریکایی ها بود، دیدم یکجا پنج تا امریکایی ایستاده بودند گفتم همین خوب برابر است اما ناگهان بچه های خورد سال و طفلان را دیدم که نزدیک امریکایی ها در کنار سرک اند، از این هم منصرف شدم چرا که احتمال داشت یکی دو تا از طفلکان هم به ناحق شهید شوند و کارم خراب شود، بالاخره یکجا دیدم سه تن امریکایی بسیار مناسب ایستاده اند و مشغول گپ زدن هستند و هیچ متوجه نبودند؛ بالای همان ها گاز دادم و سرعتم را زیاد کردم، تا اینکه هر سه نفر آنها به هدف من برابر آمدند دو نفر شان که بالکل زیر موتر رفتند و یکی شان هم بشدت به سپر موتر خورد و افتید اما آن دو نفر تا مقدار زیادی از راه احساس می کردم که زیر چرخ های موتر قرار دارند و چون وسائل کوله پشتی آنها زیاد بود احتمالا همان ها به لای چرخ های موتر گیر کردند که از سرعت موتر نیز کم شد؛ بعد از اینکه من آنها را هدف قرار دادم از چند جانب بالای من فیرافیر شروع شد از کلاشینکوف گرفته تا دهشکه، بعدا معلوم شد که موترم را عین غربال سوراخ سوراخ کردند فضل الله پاک که مرمی ها به جان من نمی خورد و همچنان به سرعت خود ادامه می دادم در مسیر سرک که می رفتم قرارگاه علاقه داری اردوملی نیز بود، از آنجا با فیر دهشکه من را هدف قرار داند، به گمانم امریکایی ها مشغول کشته ها و زخمی خود شدند اما اردوملی دست از سر من بر نمی داشتند و زیاد بالای موترم فیر می کردند که ناگهان یک مرمی دهشکه از جانب بغل موتر به پایم اصابت کرد و تمام استخوان پایم را جدا نمود که فقط به گوشت بند مانده بود، از شدت درد و خون ریزی زیاد دلم سست می شد و موترم نیز نزدیک یک جوی آب به یک دیوار رسید و به بن بست خورد، در حالیکه نیروهای اردو ملی می توانستند من را اسیر و یا شهید کنند اما جرئت نکردند نزدیک موتر بیایند خودم را لنگان لنگان از موتر چند متری دور کشیدم و فوری موبایل خود را کشیده و نمبر برادر و مجاهدین را گرفتم که من حالم خراب است به کمکم بیایند در آن لحظه از خدا یک آرزو داشتم که به دست آن کافرها و اردو ملی اسیر نشوم و شهید شوم، یک خانه را در نزدیکی مشاهده کردم فریاد زدم اگر کسی هست به دادم برسد یک سیاه سر (زن) بیرون شد و من را دید اما گفت اینجا هیچ مردی نیست دوباره از شدت خونریزی بی حال شدم و صدای آن سیاه سر می آمد که گویا می گوید من مرده ام دوباره به هر زحمتی که بودم سرم را بالا گرفتم که من زنده ام فقط به کمک احتیاجی دارم این دفعه آن سیاه سر چندین نفر را آواز داد که به کمک من بشتابند، خدا خیرشان بدهد من را از موقعیت دور کردند و خیلی طول نکشید که برادران مجاهد با یک موتر کرولا به آنجا رسیدند و من را برداشتند در حین حرکت کرولا دومرتبه فیرافیر دشمن شروع شد اما لله الحمد با موفقیت خود را از صحنه دور کردیم.

اداره: غازی صاحب از اینکه اکنون پای خود را از دست داده اید ولی در عوض به هدف خود رسیدید چه احساسی دارید؟

جواب: واقعا من احساس خوشحالی می کنم و درحالیکه سرم را با خدا معامله کرده بودم ولی الله متعال از عوض سر پای من را قبول کرد و خوشحالم که پای من فدای دین خدا شد و توانستم به توفیق الله جل جلاله دو امریکایی را کشته و یکی را شدید زخمی نمایم که البته آن زخمی هم از شدت جراحات بعدا معلوم شد که مرده است، این واقعا فضل و لطف الله پاک بود، چرا که من یک فیصد امید زندگی نداشتم و صد فی صد فکر می کردم که شهید شوم اما آنچه که خدا بخواهد همان می شود.

اداره: غازی صاحب بعضی مردم گمان می کنند که این چنین کارها شاید به علت کدام درماندگی از زندگی باشد یا که از پدر و مادر قهر باشد و یا کدام مسئله دیگر، شما بفرمائید چه جوابی به این قسم مردم دارید؟

جواب: نه شکر خدا من اینکار را محض رضای خدا انجام دادم مکررا می گویم که حتی از ترس آنکه ریاء نشود خوش ندارم زیاد این موضوع را یادآوری کنم، و نه هم از خانه خدای نخواسته ناراحت و یا خفه بودم، بلکه می توانم بگویم آن روز احساس می کنم هم پدرم از من خیلی خوش و راضی بود و هم مادرم، و نه هم کدام تکلیف مریضی و یا کدام مشکل مادی، فقط هدف من ضربه زدن به دشمنان ناپاک دین خدا بود که خدا را شکر می کنم از من در این راه خدمت گرفت.

اداره: غازی صاحب استقبال مردم شیندند از واقعهٔ شما چگونه بود؟

جواب: بی نظیر! تا جایی که من می شنوم و شنیدم زن و مرد خوشحال بودند و حتی به کار من افتخار می کردند، حتی شنیدم که در اردو ملی هم جوان هایی خوش حال شده بودند که چنین یک عملی را انجام دادم و تعجب می کردند که چگونه زنده بیرون شدم، مردم شیندند بسیاری حتی برای من دعاء کردند و برای سلامتی من نیز دعاهای زیادی کردند، خلاصه مردم از این کار بسیار خوش شده بودند.

اداره: جناب محترم غازی صاحب به عنوان آخرین سوال، پیام شما به ملت شریف افغانستان چه می باشد؟

جواب: پیام من به تمام ملت قهرمان افغانستان و مخصوصا جوان ها اینست که بیایند در جهاد سهم بگیرند، کنار مجاهدین ایستاد شوند و به دشمنان خدا امریکایی ها و دیگر اشغالگران ضربه بزنند، مرگ و اجل دست خدا است اگر خدا بخواهد آدم را بکشد در بستر نرم و آرام هم می کشد ولی اگر اجل نرسد و مرگ وقتش نرسیده باشد مثل من که هیچ امید زندگی نداشتم و از هر جانب فیر مرمی مثل بارش باران بر سر من می بارید، که خدا بخواهد انسان را هیچ چیز نمی شود، خدا کند این صحبت های من اینطور برداشت نشود که من بخاطر خود گفتم بلکه فقط بخاطر تشویق جوان ها به جهاد و سهم گرفتن آنان در این فریضهٔ مقدس الهی بوده است.

اداره: بسیار تشکر بردار عزیز!

جواب: از شما هم تشکر ، خیر بینید!

غوسه څنګه وزغمو؟!

(۱) د غوسې د زغملو او درملنې لومړۍ طریقه (اعوذ بالله) ویل دي، یعني په الله جل جلاله سره له شیطانه پناه غوښتل، دا د غوسې ختمولو ښه او غوره لاره ده، او په تجربو سره ثابته او ازمویل شوې ده، لکه قرانکریم وايي: که چرته شیطان وسوسه دراچوي نو له الله نه پناه وغواړه، بېشکه هغه اوریدونکی او پوه دی. ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [فصلت: ۳۶].

په حدیث کې راغلي: عبدالله بن مسعود رضي الله عنه وايي رسول الله صلی الله علیه وسلم وفرمایل: که ستاسو کوم یو غوسه شي او (اعوذ بالله من الشیطن الرجیم) ووایي غوسه به یې ختمه شي. عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لو يقول أحدكم إذا غضب: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم؛ ذهب عنه غضبه. المعجم الصغير للطبراني۳/ ۱۵۷، برقم: ۱۰۱۷.

(۲) د غوسې دویم علاج (چوپتیا) ده، کله چې انسان غوسه شي باید چوپ پاته شي، هیڅ خبره دې نه کوي، د غوسې زغملو دا طریقه که څه هم یو څه سختې او زور غواړي خو اغېز یې بیخي زیات او ګټوره ده، ستونزه او بدې پېښې عموما له خبرو پیل کیږي او د غوسې نیولي کس خبره د شر مقدمه وي، او په خبرو سره غوسه زیاتیږي نو که خوله پټه ونیسي له شر نه به خوندي او غوسه به یې کنترول کړې وي، امام ابن رجب -رحمه الله تعالی وايي: چوپتیا د غوسې لویه دوا ده، ځکه کله چې د غوسې نیولي انسان غوسه ختمه شي بیا د غوسې د مهال په هره خبره سخت پښېمانه وي.

لکه په حدیث کې راغلي: عبد الله بن عباس رضي الله عنهما وايي رسول الله صلی الله علیه وسلم وفرمایل: خلک پوهـ کړئ، اسانتیا غوره کړئ سختي مه کوئ، او که ستاسو کوم یو غوسه شي نو چوپ دي شي. عن ابن عباس -رضي الله عنهما- عن النبي -صلى الله عليه وسلم- أنه قال: علموا، ويسروا ولا تعسروا، وإذا غضب أحدكم، فليسكت. مسند أحمد۵/ ۶۱، برقم: ۲۰۲۹.

له نن ټکی اسیا نه په مننه

قسمت هفتم

اسلام و نظریات سیاسی

نویسنده

مفتی محمد تقی عثمانی

مترجم

عبدالله گل ریان

ادامه تیوکراسی در عیسویت

بعد از رفتن عیسی علیه السلام، پیروان او مدتی زندگی مظلومانه داشتند که درتاریخ مسیحیت آن دوره بنام دوره ابتلاء یاد میگردد و مدت ۳۰۰ سال دوام داشت . درین مدت واقعا پیروان مسیح علیه السلام زندگی پرمشقت وبا پریشانیها سپری نمودند. درین ایام شاهانی زیادی بالای آنها مسلط گردیده و آنها را کشتند .

ممکن شنیده باشید که، این جمله شاه رومی، نیروجس مشهور است که میگفت :

روم سوخت و نیروی بانسری محفوظ ماند .

بعد از آن حمله نمود و آنها را تارومار کردند .

بعد از سه صد سال، قسطنطین اعظم، مسیحیت را قبول نموده و آنرا دین رسمی اعلان نمود. که از آن به بعد، اساس دولت مسیحی گذاشته شد وبرای مدت مدیدی همه دنیای مسیحیت تحت فرمان سلطنت روم قرار داشت و بادشاه تابع فرمان کلیسا بود. اما در آخر، سلطنت عیسایی به دوبخش تقسیم گردید و کلیسا نیز دوگانه شد :

یکی آن، کلیسای غربی ودیگری شرقی .

مرکز روم غربی، پایتخت حالیه ایتالیا، روم بود و پاتیخت سلطنت روم شرقی، قسطنطنیه، استانبول حالیه گردید.

درین تقسیمات اختلافات سیاسی، نژادی وعقیدتی نقش داشت.

به هرحال، دو کلیسا به وجود آمد، یکی در روم ودیگری درقسطنطنیه. اولی را کلیسای مغربی ودومی رامشرقی میگفت، اسماء هر دو نیز ازهم تفاوت داشت.

کلیسای روم، بنام کلیسای رومن کاتولیک و کلیسای قسطنطنیه بنام کلیسای مقدس ارتودوکس یاد گردید. معنای ارتودوکس راسخ العقیده میباشد، یعنی کلیسای مردم راسخ العقیده .

سربراه کلیسای رومی بنام پاپ (پوپ) وسربراه کلیسای ارتودوکس بنام پیتریارک (عربي : بطریرک) یادمیگردید.

زمانیکه سلطان محمد(عثمانی) قسطنطنیه رافتح نمود و درآن جاحکومت مسلمانان قایم گردید، بازهم سربراه کلیسا ارتودوکس خود را پیتریارک قسطنطنیه عظمی میگفت.

بین این دوکلیساها جنگهای خونینی بوقوع پیوست که درتاریخ بنام شقاق بزرگ - – The greet schismیاد میگردد.

بعد از آن، زمانی رسید که از اثر این انشقاق و جنگها، فسادها شروع گردید. مغفرت نامه ها فروخته میشد. ترجمه انجیل منع قرار داده شد.

اگر کسی خلاف این مفاسد، صدا بلند مینمود، درملاءعام سوختانده میشد که نمونه های آن، جان هس وجیروم میباشند.

تا آنکه خلاف کلیسا تحریک آغازگردید، شخص اولیکه درین تحریک کامیاب گردید، مارتین لوتر(Martin Luther)بودکه موسس فرقه پروتستانت میباشد.

لفظ پروتستانت (Protestant)مشتق ازپروتست (Protest)است که به معنی احتجاج واعتراض میباشد . این نام از آن خاطر به آنها گذاشته شد که خلاف کلیسای رومی (غربی) تحریکی را براه انداخت ومیگفتند که کلیسا، هرکه را مخالف نظریه کلیسا تشخیص دهد، بنام بدعتی یاد مینماید و به سزای سخت که اعدام است محکوم می نماید. حال آنکه در اصل بدعت کاران اهل کلیسا میباشند . زیرا این چیزها را جدیداً داخل دین نموده که هیچ اصلی ندارد. ما اصل بائبل (انجیل) راقبول داریم وچیزهای را که شما ایجاد نموده اید قبول نداریم .

فرقه پروتستانت، بعضی چیزها را انکار نمودند که، یکی آن عشاء ربانی میباشد .عشاء ربانی جز مهم عبادات کلیسای کاتولیک است، اما پروتستانها از آن انکا ر ورزیدند .

اصلاً عشاء ربانی (Ucharist)آنست که، طبق روایت انجیل، طعام آخرعیسی علیه السلام، قبل ازعروج وی میباشد .

به روایت انجیل بعد از خوردن آن، عیسی علیه السلام به صلیب کشیده شد - درین طعام نان وچیزی شبه شوربا بود - بعد ازخوردن آن گفت :

(برای یادگارمن چنین نمائید.)

کلیسای کاتولیک روم، درتشریح این جمله مي گويد:

بالای ما ضروری است تاچنین رسمی را با طعام بجا آوریم .

این رسم چنین است که تکه نان را به کدام قسمت پادری درتماس نموده که طبق عقیده آنها، به گوشت مسیح علیه السلام تبدیل شود واگرکدام سالن میباشد آن به خون وی مبدل میگردد. هدف از اجرای این رسم اینست که گویا ما به کفاره مسیح هستیم .

مارتین لوترمیگفت که این رسمی است که در دین اصل ندارد.

فرق دومیکه فرقه پروتستانها با کاتولیک ها دارد اینست که این فرقه ازبعضی کتابها منکراند.

بائبل (انجیل) که بنام کتاب مقدس یاد میگردد، به باور مسیحیان مجموعه کتابهای میباشد که ازموسی علیه السلام تا عیسی علیه السلام واز آن به بعد بالای حواریون نازل گردیده است.

درین مجموعه پنج کتاب اول: پیدایش، خروج، استثناء، شمار و احبار را تورات می گویند. ازآن به بعد که به انبیاء بنی اسرائیل صحایف نازل گردیده است که درآن زبور و امثال سلیمان علیه السلام نیز شامل است، مجموعاً ۳۸ کتاب است وقبل ازبعثت عیسی علیه السلام موجود بود، آنها راعهد قدیم میگویند .

اناجیل چهارگانه، که بالای عیسی علیه السلام نازل گردیده و به متی، مرقس، لوقا و یوحنا منسوب است، تاریخ حواریون که بعدازعیسی علیه السلام به میان آمده وهم چنین خطوط پولس، همه را عهد جدید می نامند که مجموعا بنام بائبل (انجیل) یاد میگردد.

دربین آنها ۱۳ جلد را رومن کاتولیک قبول دارند ولی پروتستانت ها از آنها انکارمیورزند. آنها را بطور الهام نیز نمی پذیرند، آنها را کتابهای مشتبه میگویند. آنهای را که Apcrpha می نامند پروتست ها قبول ندارد .

پس نتیجه چنین می براید که اناجیل کاتولیک ها و پروتستانتها ها ازهم جدا اند. کاتولیک ها که کتاب بائبل راقبول دارد ۱۳کتاب Apocrphaدرآن شامل اند و در بائبل پروتستانها این ۱۳ کتاب شامل نمیباشد.

فرق سوم بین این دو فرقه اینست که : این مردم به مطلق العنان بودن پاپ قایل نیستند. میگویند که حق تشریح وتعبیر بائبل منحصر به پاپ نمیباشد بلکه هرکسی که دارای علم باشد او دارای این حق است .درین فرقه بین علماء آن درجه بندی نیست که کاتولیک ها به آن قایلند.

سربراهان فرقه پروتستانها باهم یکجا گردیده وتحریکی را براه انداختند تاکه شاه بریتانیا، هنری هشتم از آنها پیروی نمود. به قسطنطنیه آمد ونظریات مارتن لوتر را پذیرفت که درنتیجه، این فرقه مستقل وتوانمند شدند.

حالا اگرچه دردنیا کاتولیک ها دارای اکثریت اند، اما در برصغیر(جنوب شرق اسیا) پروتستانها اکثریت میباشند.

خلاصه اینکه فرقه پروتستانت ها دارای حق آزادی رای هستند که این حق درقدیم فقط برای کلیسای کاتولیک حاصل بود.
یک سبب آزادی فکر این بود.

سبب دومیکه برای آنها حق آزادی رای و نظر حاصل گردید، جنگهای صلیبی بوده که بین مسلمین ومسیحیان واقع گردید.

سلطان صلاح الدین ایوبی وعمادالدین زنگی با آنها به کمال رشادت جنگیدند که صلیبیون شکست خورده و بعد ازهشتاد سال، بیت المقدس از تسلط آنها برآمد و مسلمین آنجا مسلط شدند. درین دوران، بین مسلمین ومسیحیان رفت وآمد زیاد بوده از آزادی ایکه مسلمین برخوردار بودند، آنها نیز به آن پی بردند.

از طرف دیگر، بعد از شکست مسلمانهای اندلس، علوم آنان به مسیحیون منتقل گردید که دربسیاری ازمسیحیان جذبه تحقیق وتفتیش درآن پیدا گردید و درنتیجه آن، آنها درعلوم وفنون ارتقا نمودند و این دوره رابنام نشأة ثانیه یا رینسانس((Renaissanceمیگویند.

این ازخاطریکه آنها میگفتند قبل ازاین که کلیسا به آزادی فکر قیودات وضع نموده بود، دوره تاریک (العصور الظلماء (- Dark Agesنامیده میشود؛ مانند عهد جاهلیت که قبل از اسلام بود، برای دنیای جدید غرب دوره جاهلیت همان عصر قبل ازرینسانس است.

مسیحیان همان دوره را برای تاریخ تمام انسانیت تاریک می گویند، اما چنان نبوده بکله همان عصر- عصرعروج مسلمانان میباشد. دوره ترقی مسلمین درعلوم و فنون بود.

به هرحال، در دوره رینسانس آنها صدای عقلانیت را سرداده و دعوی نمودند که ما هر چیز را باعقل خود می سنجیم و تهداب گذاری می نماییم و آن را دوره عقل پسندی (Rationlism)میگویند ، تا جائیکه مذهب را نیز به اساس عقل برابرنمودن شروع نمود که درنتیجه این عقل پسندی، یک تصور به میان آمد که هرکس درفکر وعمل بالکل آزاد است هرشخص حق دارد که هرگونه میخواهد فکر نماید و آزاد است که کدام عقیده داشته باشد یاخیر، هرچیزیکه بخواهد قبول نماید واگر نخواهد قبول ننماید و درزندگی انفرادی چیزیکه میخواهد بکند.

این را بنام وسیع المشربی، آزاد خیالی ولبرالیزم گویند، مطلب آن آزادی فکر وعمل است. درنتیجه، آزادی فکر به حدی رسید که گفتند ما همه چیز را با فکر خود سنجیده و باعقل خود برابرعمل می نماییم و هرچیزیکه بخواهیم آن راعملی می سازیم تا که از وجود خداوند نیز انکار نموده و گفتند که بنام خدا چیزی نیست. (العیاذ بالله)

این بود نقشه عیسائیت وتاریخ فکري اروپا.

یادداشت:

درسلسله مضامین گذشته، از تورات وانجیل یاد آوری گردید، برای آگاهی بهتر از آنها، مضمون علامه سید سلیمان ندوی رحمه الله را، از اثر ارزشمند ایشان، ارض القرآن، عنوان ادبیات اسرائیله را ترجمه می نمایم . مطلب پرمحتوی، جالب و کوتاه میباشد که بی فایده نخواهد بود.

مجموعه ادبیات اسرائیلی، کتبیم، توراة، نبئیم ، ترگوم، مدراش و تالمود (تلمود) میباشد.

توراة لفظ عربی بوده و به معنی شریعت و قانون است، اطلاق این کتاب به پنج کتاب میشود که عبارت اند از:

۱- سفر تکوین: درباره ابتداء خلقت کاینات وذکر آدم، حوا، نوح، ابراهیم ، اسحق، اسمعیل، یعقوب و یوسف علیهم السلام میباشد.

۲- سفر خروج: در ذکر موسی علیه السلام، فرعون، بنی اسرائیل و تفصیل قانون است.

۳ - سفرالاحبار: موضوع آن شریعت و قانون، حلال وحرام است .

۴- سفر العدد: درباره یاد آوری سرشماری بنی اسرائیل، وقت خروج ازمصر، غزوات موسی علیه السلام وبعضی احکام شریعت است.

۵ – سفرالاستثناء: درباره قوانین واحکام شریعت است.

نبییم به قاعده زبان عربی جمع نبی میباشد که باضم نمودن -ی- و- میم- کلمات جمع میگردد، نبییم درعربی نبیین میباشد.

نبییم مجموعه کلام و واعظ انبیایی بنی اسرائیل و مرثیه ها میباشد، ضمن آن، واقعات تاریخي زیادی نیز آمده است، خصوصاً سفر یوشع، سفر القضاة، سفرسموال، سفرالایام، سفر الملوک که درآن فقط واقعات تاریخی میباشد، دراکثر اوقات مطلب ازتوراة، مجموعه توراة ونبییم میباشد که بعضی ها آنرا کتبیم (کتابها) نیز میگویند.

ترگوم یاترجوم به معنی ترجمه وبیان میباشد، ترگوم کار تفسیر و توضیح توراة و نببییم به زبان ارامی است که ربیون (ایمه یهود) آن را از روایات شفایی انبیاء، از سال ٦٠٠ قبل المیلاد تا سال ۱۰۰عیسوی ترتیب نموده است.

مدراش معادل حدیث دردین اسلام است، لفظ مدراش (مدراس) ودرس زبان عربی باهم یکی میباشد.

تالمود (تلمود) فقه اسرائیلی میباشد، که اساس آن کتب سابق بوده و به باب ها تقسیم شده است، لفظ تلمود درعربی تلمیذ است که به معنی تعلیم وعلم می آید.

این همه کتاب ها نزد یهود مستند میباشد، اما نصاری (پیروان مسیح علیه السلام) فقط توراة کتبیم ونبییم را می پذیرد و این مجموعه راعهد عتیق مي گویند...

ازاسرائیلیاتی که در کتب اسلامي از آن یاد آوری میگردد، ماخوذ از ترگوم، مدارس وتلمود میباشد. (ارض قرآن صفحات : ٢٦ -٢٧)

ادامه دارد ...



ذلیل ترین سالِ



ابو صهیب حقانی هراتی

با پایان سال 2014 م و نگاهی گذرا به یکسال گذشته بر روند فعالیت های مجاهدین علیه اشغالگران و مزدوران آنها، به درستی به این حقیقت دست می یابیم که سال 2014 یکی از سالهای بد دوران اشغال برای اشغالگران بود و مزدوران آنها بدترین سال زندگی شان را تجربه نمودند

؛ 2014 م که از روزهای نخست آن، مجاهدین فداکار و با غیرت، حملات بسیار مهم و عمده ای را علیه مواضع اشغالگران و اجیران حلقه به گوش آنها ترتیب دادند خوشبختانه بطور عموم بسیار خوب مثمر ثمر واقع شد و (مجاهدین) با روحیهٔ قوی و مورال جنگی مناسب ضربات سخت و سنگینی را بر پیکر فرسودهٔ دشمنان دین و وطن وارد نمودند که (دشمنان) خواسته یا نخواسته به پیشرویهای نظامی مجاهدین در بعضی ولایات افغانستان اعتراف نموده و به ضعف ادارهٔ فاقد صلاحیت کابل در جلوگیری و ممانعت از پیشروی مجاهدین باورمند گردیدند.

2014 که پیشتر از آمدن آن دشمنان خارجی حداقل برای دست پروده های اجیر خود روزهای خوشی را امیدوار بودند و فکر می کردند در غیاب آنها، این نیروهای اجیر می توانند مانع نفوذ و رسوخ مجاهدین بشوند لله الحمد علی رغم انف دشمنان به جای آنکه برای اشغالگران و اجیران آنها یک سال مطلوب و پردستاورد باشد بالعکس برای مجاهدین سربلند و فداکار، به یک سال سرشار از فتوحات و موفقیت ها در عرصه های مختلف از جمله میدان های نظامی تبدیل گردید و در جاهای بسیار زیادی مجاهدین دستآوردهای کلان نظامی را به دست آوردند و گاهی چنان جسورانه و متهورانه به پیشرویهای نظامی و حملات استشهادی و سایر تاکتیک های جنگی روی آوردند که با جرئت می توان گفت که لرزه بر اندام اشغالگران و غلامان آنها افکنده شد و حتی در مواردی دشمنان به صراحت زنگ سقوط و شکست حتمی ادرهٔ کابل را به صدا در آوردند؛ و این همه به فضل و مرحمت الله جل جلاله، اخلاص و للهیت مجاهدین، شهامت و غیرت مسلمانان و پشتوانهٔ ملت شجاع و قهرمان افغان بود که الحق و الانصاف در امر مبارزه با دشمنان دین و وطن چون نیاکان پر افتخارشان جانانه به دفاع و قیام پرداخته و با استفاده از تمام داشته های ممکن خود به نصرت فرزندان مخلص وطن پرداختند و لحظه ای از همکاری و همراهی با مجاهدین فروگذاری نکردند.

در کنار سائر رسوایی های اشغالگران و درامه بازان آنها در سال 2014 به اسم انتخابات، به راستی که حمله های جانانه و حماسه آفرین مجاهدین بسیار مناسب و به موقع، طرح و عملی گردیدند طوری که دشمنان، در سال 2014 گویا در دو سنگر هدف هجمه قرار گرفتند؛ از یکسو انتخابات نام نهاد آنها به افتضاحات تاریخی در آمیخت که تا کشیدن نیروهای اجیرشان از باتلاق انتخابات، جان شان در آمد و تمام توان نقشه کشی و دسیسه بازی آنها به هدر رفت و دست آخر با رسوایی هرچه تمام تر اساس یک ادارهٔ فاقد صلاحیت با اشتراک دو رئیس اجیر را گذاشتند؛ و از سوی دیگر در میدان های نظامی وقتی که روحیه بالای مجاهدین را دیدند از شدت ترس به خود پیچیدند و از بسیاری بیس ها و مراکز جنگی شان پا به فرار نهادند و در مناطقی که اشغالگران بطور کامل نیروهای شان را کشیده بودند و جای خود را به عساکر وطن فروش افغانی داده بودند نیز شاهد شکست ذلت بار عساکر افغانی بوده و با حسرت و افسوس فراوان می دیدند که چگونه مناطق تحت کنترول نظامیان اجیر افغانی یکی پس از دیگری به تصرف مجاهدین در آمده و نیروهای اجیر تحت فرمان شان چگونه بدون هیچ استقامتی یا کشته می شدند، یا فرار می کردند، یا اسیر شده و یا هم به مجاهدین تسلیم می شدند؛ تا جائی که اشغالگران برخلاف تعهدات خویش دوباره با شدت بخشیدن به حملات هوایی و بمباردمان های غیر هدفمند شان به کمک مزدوران شان شتافته و حداقل تا مدت زمانی مانع سرعت گرفتن پیشرویهای مجاهدین می شدند؛ اما باز هم هرگز موفق نشدند که مجاهدین را مثل سالهای گذشته ضربهٔ کاری بزنند و خوشبختانه بدترین و بیشترین ضربه ها را خود اشغالگران و یا غلامان آنها متحمل شدند.

در سال 2014 م حملات پیاپی مجاهدین فدایی بر مرکز و سایر کلان شهر ها نیز بیش از هر زمانی دیگر دشمنان خارجی و ایادی اجیر آنها را سخت وارخطاء ساخت طوریکه شدت حملات مجاهدین فدایی حتی ادارهٔ کابل را در معرض سقوط حتمی قرار داد و تحلیل گران و مبصران سیاسی و نظامی اوضاع حکومت اجیر را بسیار نامساعد خوانده و آیندهٔ آن را بسی ناگوار، تاریک و نومید کننده توصیف نمودند و به قوّت گرفتن و نفوذ و رسوخ مجاهدین در شهرها و همچنین نظم و نسق منسجم آنها در هدف قرار دادن مواضع خاص اشغالگران و اجیران، باورمندانه اظهار نظر نمودند و حکومت اجیر کابل را ضعیف تر و ناکام تر از آن چیزی به تصویر کشیدند که اشغالگران تصور می نمودند؛ همچنین حمله های خودجوش، ایمانی و دلیرمردانهٔ عساکر با احساس در صفوف دشمن و در میان تودهٔ ملت قهرمان افغان نیز روحیهٔ دشمنان را بیش از حد تضعیف کرد که جا دارد در اینجا به عنوان مشتی نمونه خروار از حملهٔ حماسی جوان قهرمان رفیق الله که بالای جنرالدوستارهٔ امریکایی به اسم "هارولد گرین" در غرقهٔ کابل فیر نمود و او را به هلاکت رسانید؛ و همچنین در یک واقعهٔ دیگر یک دختر افغان (به اسم نازنین) در ولسوالی بگرام ولایت پروان چندین اشغالگر امریکایی را به ضرب مرمی کشته و مجروح ساخت، یاد نمائیم.

به همین ترتیب باید فرار اشغالگران بریتانیایی و امریکایی از کمپ باستین و مراکز شان در ولایت هلمند، فرار ذلت بار بسیاری از کشورهای اشغالگر از افغانستان و بالاخره پایان یافتن ذلیلانهٔ ناتو در سال 2014 را از جمله خصوصیات این سال دانست که چگونه دشمنان تا دندان مسلح اسلام و وطن، بالاخره با دادن تلفات هنگفت نیروی انسانی و مصرف میلیاردها دالر با شکست و ذلت مجبور به ترک افغانستان شدند و با خفت و خواری عملا ندای شکست را سر دادند؛ و البته حماسهٔ تاریخی که شیران فدایی در شوراب خلق نمودند در نوع خود بی نظیر بود و ضرباتی را که آن مجاهدین قهرمان به دشمنان وارد نمودند هرگز فراموش شدنی نیستند.

پیشرفت های قابل ملاحظهٔ نظامی مجاهدین در سال 2014 در چند ولایت حساس از دیگر خصوصیات این سال می باشد؛ طوریکه دشمن از بدخشان تا فاریاب، از سنیگن هلمند تا شیندند هرات، از ولایت ننگرهار تا فراه و سرپل، از دانگام کنر تا ولسوالی های مختلف ولایت قندهار و ... سنگین ترین تلفات جانی و مالی را متحمل شد و در مناطق یاد شده با وجود آنکه دشمن از پشتیبانی قوای هوایی برخوردار، و با تجهیزات مدرن نظامی روز مجهز بود؛ اما باز هم در مقابل حملات صف شکن و دلیرانهٔ مجاهدین زمین گیر شدند.

2014 همچنین سالی با دست آوردهای کلان نظامی و سیاسی برای مجاهدین بود که بدون شک پردازش به همهٔ آنها از حوصلهٔ این مجال مختصر بیرون است و نباید فتح سیاسی که منجر به آزادی شیران گوانتانو از زندان جهنمی امریکا در تبادله با عسکر امریکایی (بو بریگدال) شد را فراموش نمائیم؛ و این همه به برکت جهاد مستمر مجاهدین مخلص، دعای بندگان مظلوم حق سبحانه و تعالی و پشتیبانی ملت نجیب افغانستان بود که شامل حال هموطنان عزیز و گرامی ما شد.

به امید فرا رسیدن روز نجات کل وطن از شر دشمنان و غلامان حلقه به گوش آنها.

ربیع الاول بهار دلها

یادی از پیامبر فرمانده

بقلم هروی

وقتی ماه مبارک ربیع الاول حلول می کند تاریخ بشریت نگاه بشریت را به یاد شرف بشریت و الگوی انسانیت می اندازد ؛ روزهایی که "سیدولدآدم" سرورو‌سالار انبیاء - علیهم السلام - پا به عرصه هستی می گذارد و برق حیات بشریت در افق کرامت روشن شده و پشت اهریمن و جهل و طاغوت روزگار به لرزه در می آید ؛ تولد پیامبر - صلی الله علیه وسلم- درواقع تولد عزت ، کرامت ، عشق ، معرفت ، محبت ، انسانیت ، اخلاص و صداقت بود که دنیا هرگز مثل آن مولود شریف به خود ندیده و هرگز نخواهد دید .

ماه ربیع الاول بهانه ی خوبی برای یادکردن فضایل نبی مکرم اسلام - صلی الله علیه وسلم - و مطالعه سیره پرافتخار آن ابرمرد تاریخ است که مسلمانان فرصت می یابند تا از ایشان بخوانند و بگویند و بدانند ؛ ماه ربیع الاول بهار دلهاست ، بهار عشق است ، بهار مصطفی است ؛ ربیع الاول ماه شنیدن تاریخ زرین عمر انسانیت است ؛ ربیع الاول یادآور کارنامه درخشان انسانیت و مایه فخرو مباهات الله - جل جلاله - در پیشگاه فرشتگان است ؛ ربیع الاول ماه ظهور حق علیه باطل و برچیده شدن بنیاد ظلم وستم است ؛ ربیع یادآور بهار عدل وانصاف و خزان ظلم وطغیان است و ...

وقتی در این برهه از زمان سخن از سیرت پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - می شود بیشتر مردم پیامبر را به عنوان نبی رحمت ، نبی داعی ، نبی مصلح ، نبی خیرخواه و صلح دوست ، نبی دلسوز و ...... می شناسند در حالیکه واقعا نبی مکرم اسلام - صلی الله علیه و سلم- در همه صفات فوق ، فوق العاده بودند و جای هیچ شکی وجود ندارد اما که در کنار صفات مذکور ایشان نبی جهاد و فرمانده شجاع معرکه های حق علیه اباطیل زمان نیز بودند که متاسفانه نسبت به قسمت زندگی مجاهدانه پیامبر- صلی الله علیه وسلم-، کمتر پرداخته شده و آن طور که باید در زمینه کمتر گفته و نوشته شده و طبعا عموم مسلمانان معلومات و شناخت اندکی در این باب دارند و کمتر کسانی ایشان را بعنوان پیامبر فرمانده می شناسند ؛ آری ! همان پیامبری که در قرآن شریف بعنوان الگوی بشریت معرفی شده "ولقد کانت لکم فی رسول الله اسوه حسنه ....." و اخلاق ایشان به عنوان برترین اخلاق انسانیت تعریف شده " و انک لعلی خلق عظیم ..." و رحمت خاص الهی برای عالمیان دانسته شده " و مارسلنک الا رحمه للعلمین ..." و در دها آیه دیگر که دها عنوان زیبای دیگر به ایشان داده شده ؛ همان پیامبر در بسیاری از آیه های قرآن مجید مامور به امر جهاد می شود مثل این " یاایهاالنبی جاهدالکفار والمنافقین واغلظ علیهم ..." ؛ یعنی باید برضد کسانی که برضد دین خدا طغیان می کنند و از مسیر انسانی عدول می کنند و امنیت جانی و مالی بندگان خدا را به مخاطره انداخته و آنها را از حریت به غلامی فرا می خوانند جهاد بشود تا زمانی که تمام زمین خدا پر از عدل الهی گردد ؛ آنهاییکه دوران مکی زندگی پیامبر را به یاد می آورند که پیامبر - صلی الله علیه سلم - به چه سختی امر دعوت به یگانه پرستی و ترک کفر و شرک و بت پرستی را به پیش می برد و چقدر در آن زمان قربانی داد ؛ نباید از دوران زندگی پیامبر در مدینه غافل بشوند که چگونه با عزت و غرور ایمانی ، شمشیر به دست گرفت و با چه ایمان و غیرت مثال زدنی از رگ اربابان باطل خون کشید ؛ اگرپیامبر - صلی الله علیه وسلم - بعنوان یک انسان شریف ، در کوچه پس کوچه های مکه ومدینه و در بازار واجتماع مردم آن دیار یادِ می شود ؛ نباید فراموش کرد آن لحظه های زیبا وبی نظیرِ پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - در میدان های بدر ، احد ، حنین ، خندق و تبوک که در شکل یک فرمانده فهیم ، آگاه به مسایل نظامی نمودار می شدند و شجاع تر هررزمنده ی در خط مقدم علیه طاغوت زمان می رزمیدند ؛ اگر پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - در محراب مسجد مقدس مدینه باعجز وزاری دست به دعا می شد و از الله جل جلاله هدایت بندگان را می خواست ؛ باز همین پیامبر در میدان های جنگ و سنگرهای حق علیه باطل ، با غیرت وشجاعت و با شهامت وصف ناشدنی دست به شمشیر می برد و گردن دشمنان سرسخت دین حق را هدف قرار می داد و شر آنها را ازصفحه روزگار محو می ساخت ؛ اگر پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - در بدو ورود به مدینه مصلحت سازش با یهود را در نظر گرفت و از دوراندیشی ، وسعت دید و سعه صدر آن بزرگمرد تاریخ حکایت می کرد ؛ باز در فتح خیبر آنگاه که صحابه ی تحت فرمان خویش را علیه خبث باطنی و حیله های شیطانی یهود ، بسیج کرد و در برخورد با بنوقریظه که بزرگان خاین آنها را همه در یکجا گردن زد ؛ این عمل از فهم بالا ودرک واقعی ، از عدل برحق ایشان و هیبت اسلام حکایت می کند و این پیام تاریخی همان شخصیت الهی برای پیروانش هست که "اخرجواالیهود من جزیره العرب !!!"

پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - خصوصیات بی شماری داشتند اما یکی از مهمترین آنها این بود که آن حضرت همیشه صاحب هدف برتر بودند و هیچگاه در زندگی بی هدف و بدون مقصد گام بر نداشت ؛ مقصد برتر و نهایی ایشان هدایت مردم بسوی الله و ترک ماسوی الله و اجرای فرمان های الهی روی زمین خدا بود و با کسانی که با این چیز مشکل داشتند و در مقابل خدا طغیان می کردند تا آخرین قطره حیات مبارزه می نمودند و برای اعتلاء و حکم کلمه الله شمشیر می کشیدند.

در زندگی هرگز پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - به احدی جز الله کرنش نکرده و هرگز از احدی جز الله نترسیده و هرگز کاری جز رضای الله جل جلاله انجام نداده است ؛ و آنگاه که مشرکین تصمیم گرفتند با پیشنهادات جاه طلبانه و حیله گرانه شان مسیر دعوت و هدف مقدس پیامبر را منحرف ساخته و از ایشان خواستند که حداقل ممکن از آنجه که می گوید و می خواهد تغییر موضع بدهد و کمترین تنزل را بنماید ؛ ایشان آن جمله تاریخی که بجاست با آب طلا نوشته گردد را ایراد فرمودند : "والله لووضعواالشمس علی یمینی و القمر علی یساری ما انا بتارک هذالدین الا ان یهلک اواهلک دونه " که سوگند به خدا سرسوزنی از هدفم به خواست دشمنان خدا تنزل نمی کنم ... و برای همیشه مشت محکم در دهان بدخواهان اسلام کوبید و در طول تاریخ اسلام همه ی قربانی های مسلمانان بخاطر خدا ودین مقدس ، روی همان موضع ثابت و شفاف پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - اتفاق افتاده است ؛ از اینرو دشمنان کینه توز اسلام و مسلمانان در هرزمانی طبق شرایط خاص آن زمان با راه اندازی هزاران ترفند و حیله در میادین مختلف بر سر پیکار آمده و تا امروز این نبرد همچنان برقوت خود جریان دارد ؛ یهود ونصاری ، منافقین و مشرکین و هزاران دشمن دیگر با وسایل و ابزار روز از جنگ گرم تا جنگ سرد از اشغال مرزها تا اشغال مغزها از تهاجم نظامی و سخت افزاری تا تهاجم فرهنگی و نرم افزاری به میدان آمده که الحمدلله در هر زمانی فرزندان برحق اسلام و پیروان صادق محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - باشور شهادت وشوق اعتلاءکلمه الله باغیرت و شجاعت به مقابله و مبارزه بادشمنان شتافته اند و همچنان این حرکت اسلام گستر و کفر شکن ادامه دارد .

... و امروز که فرزندان به حق اسلام و امت باغیرت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در افغانستان ، منطقه وجهان باغیرت و شجاعت برضد مواضع دشمنان و استکبار طاغوتی زمان یورش می برند ؛ از همان قافله آشنا " محمد رسول الله والذین معه اشداءعلی الکفار رحماء بینهم ....." هستند و تا وقتی که دشمنان " یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم ..." باشند ؛ این مجاهدین جان نثار اسلام با تقدیم کردن قیمتی ترین سرمایه های زندگی و جان های شیرین خود فدای اسلام می شوند تا " ... والله متم نوره ولو کره الکافرون (و) ولیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون" تحقق یافته و مصداق بخشد .

آری ! در زمانی که شخصیت عظیم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - امنیت ندارد و توسط یکعده انسانهای بزدل و کینه توز بطور هدفمند هرچند وقت یکبار در اشکال جدید جنگ نرم هتک حرمت می شود فرزندان سلحشور اسلام ، آب وخاک و مرزو دیار نمی شناسند و در کمال شجاعت و باافتخار بر مواضع دشمنان حمله می برند و فرقی نمی کند که دشمن در پایگاه شورآب افغانستان باشد یا در سفارت بنغازی لیبی ! مهم ؛ آنست که به عشق رسول - صلی الله علیه وسلم - و دفاع از حرمت ایشان ، جان شیرین جوانان اسلام فدا می شود و دشمن نیز هرکجا همان دشمن است .

به امید شناخت کامل زندگی پر افتخارپیامبر عزیز اسلام - صلی الله علیه وسلم - در همه جوانب و عمل به سیره پاک آن حضرت و آرزوی پیروزی امت رسول الله در هرکجا ! ان شاءالله

نگاهی به زندگی و کارنامه های شهید قهرمان

مولوی محمد جان مخلص

نویسنده: عبدالرؤف حکمت

مترجم: حسن مبشر

تولد و مراحل اولیهء زندگی :

مولوي محمد جان (مخلص) که به مولوي احمدجان هم شهرت داشت ، فرزند حاجي عبدالرؤف 43 سال قبل از امروز در سال 1349 هـ ش در زمین آبائی خویش در یک خانوادهء دیندار و مجاهد در قریهء برلی ولسوالی قره باغ ولایت غزنی دیده به جهان گشود.

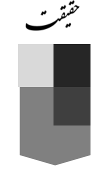
نامبرده بخاطر تولد در یک خانوادهء دین دوست از همان دوران کودکی بسوی تعلیم و فراگیری دروس دینی تشویق گردیده و تعلیمات ابتدائی را از نزد ملا امام مسجد فرا گرفت.

بعد از ان تا سن پانزده سالگی در نزد استاد خویش مولوی عبدالحی یزدانی در حال یاد گیری دروس دینی بود، و برای تعلیم عالیه به مناطق قبایلی پاکستان سفر نمود، و در مدرسهء تعلیم القرآن در منطقهء کریکوت در وانهء وزیرستان جنوبی مشغول دروس ثانویه گردید، بعد از مدتی تعلیم در مدرسهء مذکور به مدرسهء دارالعلوم مجاهد نزد شهید قاری آغامحمد غزنوی در منطقهء ورسک وزیرستان جنوبی رفت. در سال 1366 به مدرسهء مظهرالعلوم در دیره اسماعیل خان رفت و بعد از آن در مدرسهء تعلیم القرآن در منطقهء توره وری در ضلع هنگو به فراگیری دروس ادامه داد، بعد از مدتی تعلیم در مدرسهء مذکور در سال 1367 هـ ش در مدرسهء منبع العلوم قائد جهاد مولوی جلال الدین حقانی صاحب در شهر میرامشاه در وزیرستان شمالی شامل گردید و زندگی جهادی اش از همین مدرسه آغاز یافت.

جهاد بر خلاف کمونیزم :

مولوی جان محمد در دوران جهاد بر علیه کمونیزم تازه به سن نوجوانی رسیده بود، برای بار اول در عملیاتهای تعرضی در ولایت خوست شرکت نمود، نامبرده همراه با دیگر مجاهدین مدرسه حقانی صاحب در حملات و عملیاتهای مختلف جبهات جهادی در ولایت خوست شرکت می نمود، و بعد از انجام عملیات در قرارگاه مشهور حقانی صاحب در منطقهء بری در مربوطات ولایت خوست با مجاهدین دیگر بود و باش داشتند.

معرکهء ۱۷ روزهء فتح ولایت خوست تحت قیادت حقانی صاحب بر ضد کمونیزم یکی از کارنامه های مهم جهادی خوانده می شود، مولوی محمد جان صاحب در این جنگ شرکت داشت. و زمانیکه شهر خوست فتح گردید و حقانی صاحب بر مرکز پکتیا شهر گردیز حملات تعرضی را آغاز نمود، مولوی محمد جان صاحب نیز در نزدیکی شهر گردیز در منطقهء مهلن در قرارگاه حضور داشت، و نامبرده تا ختم نظام کمونیستی در تشکیلات جهادی حقانی صاحب حضور داشت.



دوران تنظیم ها و دفاع از بیت المال :

قاری ضعیف یکی از دوستان مولوی محمد جان، می گوید که بعد از فتح گردیز مولوی جان محمد صاحب با دیگر همسنگرانش در ریاست بریشنای شهر گردیز اتاق گرفت ، در این زمان گروه ها و افراد مسلح خود سر، چور و چپاول تاسیسات عامه را آغاز نموده بودند، اما مولوی محمد جان صاحب از برکت غیرت و شجاعت خویش امنیت مناطق سپرده شده ء چهار اطراف ریاست بریشنا و مناطق اطراف را تامین نموده بود و از از چور و چپاول آن جلوگیری نمود.

قاری ضعیف می گوید که در کنار ریاست ما ریاست فوائد عامه بود که تعداد زیادی از موترها و وسایط حکومتی در انجا بودند، و تاکنون بدست چپاولگران نرسیده بود، یک روز مشاهده کردیم که یکی از گروه های مسلح به ساختمان امدند و خواستند که این ساختمان را قبضه کنند، و وسایط و موتر ها را چور نمایند، وقتی مولوی محمد جان از امدن انها با خبر شد، آنها را از انجا فراری داد.

بعد از مدت کوتاهی تعداد کثیری از افراد مسلح و تفنگ سالاران به محل امدند و میخواستند که بزور به ریاست وارد شدند.قاری ضعیف می گوید که من نیز از ساختمان ریاست بیرون شدم و دیدم که مولوی جان محمد در حالیکه راکت در دست داشت و امادهء فیر مرمی بود با انها جنجال داشت، و آنها را اخطار می داد که اگر بازپس نروند با خطر مرگ روبرو خواهند شد، قوماندان تفنگ سالار افراد مسلح گفت که به ما گفته شده که در این ساختمان طالبان هستند و طالبان افراد خوبی هستند و بروید با انها صحبت کنیدو با نرمی موضوع را حل کنید، اما مولوی جان محمد در جواب برایش گفت که هرکس به شما طالبان افراد خوبی هستند، کار غلطی کرده است، ما در نگه داری و حفاظت بیت المال به هیچکس احترام و توجه ای نداریم و نه هم به کسی اجازه خواهیم داد که دارائی های عامه را چور و چپاول نمایند.

این افراد که شکل و رنگ انها به افراد دزد و چپاولگر می ماند، می گفتند که از تنظیم محاذ ملی هستند و می خواهند در ساختمان ریاست فواید عامه پوسته ایجاد کنند، مولوی جان محمد گفت که از کدام راه که امده اید باز گردید و ما به هیچکس و گروه اجازه نمی دهیم که همانند مناطق دیگر اینجا را نیز چور و چپاول کنند، زمانیکه که افراد مسلح جدیت مولوی محمد جان صاحب را دیدند ، از انجا رفتند و بدین ترتیب مولوی محمد جان صاحب با جرئت و غیرت خود از سرمایهء ملی و بیت المال حفاظت نمود.

مصاحبت دائمی با قائد و رهبر جهادی خویش حقانی صاحب حفظه الله:

خداوند متعالی علاوه بر سعادت و خوشبختی ها ی دیگری که به شهید مولوی صاحب محمد جان عطاء نموده بود، دوستی، رفاقت و مصاحبت با رهبر جهادی خویش مولوی جلال الدین حقانی صاحب حفظه الله نیز نصیبش بود.
نامبرده بعد از فتوحات خوست و گردیز در تمام جلسه های دیگر او به حیث امین السر ایشان شرکت داشت.
در کابل و در زمان جنگهای تنظیمی ایشان با حقانی صاحب همکار و همراه بود که برای آوردن صلح و اتحاد بین تنظیمهای جنگسالار (بین ربانی، سیاف و حکمتیار) توسط حقانی صاحب به پیش برده می شد.

همچنین در تمام مجالس و نشست هایی که حقانی صاحب با بعضی از رهبران کشورهای عربی انجام می داد، حاضر بود.
بخاطر اینکه مولوی محمد جان صاحب شخص قابل اعتمادی برای حقانی صاحب بود، در تمام مجالس و پروگرامهایی که خود حقانی صاحب شرکت می نمود شرکت داشت، و بدین ترتیب حقانی صاحب میخواست که ایشان نیز بحیث یک شخصیت با تجربه در عرصه های جهادی و سیاسی گردد.

و از برکت همین تربیهء نیک و صالح حقانی صاحب بود که مولوی محمد جان صاحب نیز استعداد و توانائی زیادی در عرصهء اصلاح اختلافات مجاهدین و مسلمانان و در بین اقوام زون جنوبی کشور ایفاء نمودو از برکت تلاشهای دوامدار ایشان مردم و اقوام متنازع همانند برادر در کنار یکدیگر زندگی می کردند.
مولوی صاحب محمد جان یکی از مصاحبت های خود با هیئت عربی و حقانی صاحب را چنین بیان نمود:
در اوایل سال 2001 میلادی هیئت بلندرتبهء عربی به ملاقات حقانی صاحب امده بود، و ریاست این مجلس را نیز یکی از مقامات بلند رتبهء خاندان حاکم عربی می نمود،
به هیئت اعزامی از سوی امریکائی ها دستور داده شده بود که بصورت غیر مستقیم از انها نمایندگی کنند، و بعضی از خواسته ها و مطالب امریکائی ها را با حقانی صاحب شریک سازند و از این طریق این خواسته ها را به مقام رهبری امارت برسانند.
خواست هیئت اعزامی این بود که در مورد مجاهدین عربی که قبلا اینجا امده اند ، امارات در موردشان تجدید نظر نماید.
حقانی صاحب با شنیدن گفته های این هیئت بسیار ناراحت گردیده و برایشان چنین گفت:
موقف امارت اسلامی در این مورد بر اصل شرعی بنا شده است و آن حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم است که صحابی جلیل القدر حضرت عمر رضی الله عنه چنین روایت کرده است:
عن ابن عمر - رضي الله عنهما - أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: " ألمسلم أخو المسلم، لا يظلمه ولا يسلمه من كان في حاجة أخيه: كان الله في حاجته، ومن فرج عن مسلم كربة فرج الله عنه بها كربة من كرب يوم القيامة، ومن ستر مسلماً ستره الله يوم القيامة" متفق عليه [379].
در مقابل مفهوم این حدیث مبارک به حیث اعضای یک کشور مسلمان شما چه نظر دارید که ما در چنین مواردی چگونه موقفی را انتخاب نمائیم؟
و اینچنین بود که هیئت اعزامی در مقابل سخنان حقانی صاحب بی جواب گردیده و مجلس خاتمه یافت.

شهید مولوی محمد جان صاحب در مجالس و نشست هایی که با حضور حقانی صاحب در مورد قضایای مربوط به کشور با شخصیت های جهادی و مقامات انجام میگرفت، شرکت میکرد، ایشان با دقت و سنجیده گی نتایج هر مجلس را بررسی میکرد و از آن معلومات و تجارب تازه بدست میاورد.

شمولیت و خدمات شهید در تحریک طالبان :

بعد از اختتام جهاد بر خلاف کمونیزم مولوی صاحب بار دیگر شروع به تعلیم دروس دینی نمود و هنگامی که تحریک اسلامی طالبان به دروازه های کابل رسیدند، شهید محمد جان به فراگیری حدیث نبوی در مدرسهء جامعة السلامیة در منطقهء زرگری در ضلعهء هنگو خیبر پشتونخوا مشغول بود. و از شیخ الحدیث حسین احمد مدنی صاحب (مرحوم شیخ بهره مند صاحب) احادیث را به اتمام رسانید و بعد از بازگشت به کشور در صفوف تحریک اسلامی خدمات جهادی خویش را شروع کرد.

مولوی محمد جان بعد از فراغت برای مدتی ناظم درسهء مشهور دینی در منطقهء متاچینه ولایت خوست بود و بعد از آن در صفوف جهادی امارت اسلامی شامل گردید که در زندگی جهادی خود در جنگ های شدید و فتوحات عظیمی همانند کابل و شمال شرکت داشت.ایشان در هنگام شرکت در جبهات جهادی در اکثر جنگها در مناطق شمال کشور شرکت داشت و بعد از فتح ولایت بلخ ، مدتی به حیث ولسوال ولسوالی بلخ اجراء وظیفه کرد و بعد از ان بحیث معاون ولایت لغمان نیز ایفائ وظیفه نموده است، و همچنین مدت زیادی در ولسوالی دولت شاه مصروف جهاد بود که در این منطقه مقاومت های تاریخی در مقابل دشمن انجام داد و بسیاری از حملات دشمن را شکست داده و انها را به عقب نشینی مجبور کرد.

در خطوط جنگی در شمال کابل نیز مولوی محمد جان سرپرستی مجاهدین حقانی صاحب را به عهده داشت و تا زمان تجاوز و حملهء کفار به رهبری امریکا بر حریم مقدس افغانستان سرپرستی این گروه از مجاهدین را بر عهده داشت.

جهاد بر خلاف ا مریکا :

بعد از سقوط پایتخت کابل شهید محمد جان همانند دیگر مجاهدین و طالبان به مامن اصلی خود یعنی ولسوالی قره باغ ولایت غزنی بازگشت ، در آنزمان که تجاوز و اشغال آمریکا تازه شروع گردیده بود، ایشان برای انتقال پیامهای قائد جهاد حقانی صاحب چندین بار بین ولایات پکتیا و قندهار سفرهایی داشت او با حقانی صاحب قائد جهاد عظیم بصورت مسلسل در رابطه و ارتباط بود و هدایات را از جناب ایشان دریافت می کرد و این پیام ها را بین رهبران امارت و حقانی صاحب رد و بدل می کرد.

مدتی بعد از سقوط یکساله افغانستان که اکثریت مناطق کشور به کنترول تفنگ سالاران در امدند، مولوی صاحب برای شروع مقاومت مسلحانه و جهاد دوستان و همسنگران خود را جمع نموده و پروگرام هایی برای آغاز جنگ و حملات ترتیب داد. یک روز بعد از این جلسهء محرمانه حقمل صاحب معاون شهید محمد جان از سوی تفنگ سالاران محلی گرفتار و دستگیر گردید اما مولوی صاحب با جرئت و شجاعت تمام به قرارگاه آنها رفته و حقمل صاحب را از دست انها رها نمود.

بعد از این حادثه مولوی صاحب از منطقهء خویش نزد حقانی صاحب رفت و در تشکیلات ایشان شامل گردیده و خدمات جهادی خویش را در ولایات پکتیا، پکتیکا و مناطق سرحدی ولایت خوست آغاز نمود.

مولوي طلحه و مولوي نوید که همراه شهید مولوی در یک سنگر بوده و حملات جهاد را با هم اجرا می کردند می گویند که : در سالهای اولیهء تجاوز و اشغال امریکا ما 25 نفر بودیم و محمد جان صاحب قومندن ما بود و در مناطق سرحدی پین و ببره خوله مراکز مخفیانه داشتیم ، و از اینجا بر مناطق مختلف ولایت خوست و قرارگاه های امریکائی ها عملیات چریکی انجام می دادیم، که از این جمله انها از عملیات ساکر بیست یاد می کنند که وقتا بوقتا بر مرکز هوائی صحرا باغ در خوست انجام می دادیم، همچنین افرادتحت قومندانی محمد جان صاحب بر مراکز امریکائی ها در مناطق ترخوبی، ژوره، کاریزگی، لواره نیز حملاتی را ترتیب و اجراء می کردند.

مولوی صاحب محمد جان از همان دوران تا زمان شهادت به حیث یک مجاهد خستگی ناپذیر و وفادار همراه با حقانی صاحب در زون جنوب شرق به خدمات جهادی خویش ادامه داد، نامبرده از افراد قابل اعتماد و بلندرتبهء حقانی صاحب شمرده می شد، و در کنار خدمات و مسئولیت های نظامی ، در امورات اداری، دعوت وارشاد نیز سهم فعالی داشت، و حتی در بسیاری از مجالس و نشست ها به نمایندگی حقانی صاحب شرکت می نمود، ایشان در سال 2011 میلادی فریضهء مقدس حج را نیز بجا آوردند.

شهید مولوی محمد جان صاحب علاوه بر اینکه در جبهات جهادی حقانی صاحب اجرائ وظیفه می کرد، در قره باغ غزنی نیز یک گروپ فعال مجاهدین را سرپرستی می نمود، که تاکنون این گروپ مشغول خدمات جهادی در منطقه است.

مولوی محمد جان صاحب در دوران خدمات جهادی خویش سه بار از سوی دشمن دستگیر گردیده است، که بار نخست برای مدت شش ماه و بار دوم به مدت دو ماه و سومین بار به مدت هژده ماه زندانی گردید.

مولوی محمد جان در این اواخر بحیث مسئول جهادی ولایت خوست تعیین گردید، نامبرده بتاریخ 20 نومبر سال 2013 میلادی مصادف با 17 محرم الحرام سال 1435 هـ ق زمانی به شهادت رسید که در یک مدرسه در قریهء تندورو در کنار رودخانهء کورمی در مناطق قبایلی در حال خواب بود که هدف حملهء طیارهء درون یا بی پیلوت قرار گرفت و به شهادت رسید. انا لله وانا الیه راجعون

جسد مبارک شهید مولوی محمد جان صاحب در قبرستان مجاهدین فدائی در شهر میرامشاه در وزیرستان شمالی به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد

از شهید نامبرده بشمول برادر خورد و مادر مهربانش، یک همسر و شش فرزند که نامهای پسرانش به ترتیب ذیل است: محمد رفیق، محمد، احمد و محمد عمر

دربارهء شخصیت مولوی محمدجان صاحب:
قبل از اینکه تاثرات دوستان نزدیک شهید مولوی محمدجان صاحب را در مورد شخصیت ایشان با شما شریک سازم، میخواهم خاطرهء خود در مورد نخستین و آخرین ملاقاتم با مولوی صاحب را با شما شریک سازم

چهار پنج سال قبل هنگامیکه در یک بمباران ظالمانهء اشغالگران آمریکائی تعدادی از افراد خانوادهء مولوی جلال الدین حقانی صاحب شهید گردیده بود، همراه با چندین تن از مجاهدین برای فاتحه خوانی شهداء رفتیم، وقتی به مکان مراسم فاتحه خوانی رفتیم، در مراسم فاتحه کسی از خانوادهء در انجا نبود، اما در مجلس یک جوان قوی اندام حضور داشت که از مهمانان میزبانی مینمود.

همراهانم او را برایم معرفی کردند، که او مولوی محمد جان صاحب است، و از دوستان بسیار نزدیک حقانی صاحب شمرده میشود. دوستانی که به سبب شهادت اعضای خانوادهء حقانی صاحب بسیار غمگنین و ناراحت بودند، لحظاتی بعدتر در نتیجهء وعظ و سخنرانی مولوی صاحب محمد جان چنان مطمئن شدند که غم و ناراحتی از همگان بدور شد.

مولوی صاحب در سخنان مختصر خود که توجهء تمام مجلس را بخود جلب کرد، فلسفهء شهادت را بیان نمود و فرمود: باید با این شهادت شکر خداوند متعال جل جلاله را بجا آوریم که برای حفاظت از دین الله تعالی ، تا این اندازه مجاهدین آماده برای قربانی داریم، ایشان افزودند، ما در نخست و در اوایل تجاوز و اشغال آمریکا به این اندازه که اکنون شهید داریم، مجاهدین نداشتیم، پس واضح و آشکار است که الله جل جلاله خون شهداء را ضایع نکرده بلکه از برکت همین خون شهداء صف جهد قوی گردیده و تعداد مجاهدین افزون شده است، در آن مجلس من دیدم که مولوی صاحب یک مجاهد مملو از ایمان ، با عزم و ارادهء مستحکم و شخصی متوکل علی الله است. که الله تعالی استعداد بزرگی در مقابله با حالات آزمون و امتحان داده بود.

مجاهدینی که با مولوی صاحب از نزدیک شناخت داشته و وقت گذرانده بودند، میگویند: خداوند متعال جل جلاله مولوی صاحب را با علم عالی، تقوی، دیانت، شجاعت و جرئت مزین نموده بود، و در هیچ شرایطی عزم و اراده اش گسستنی نبود.

معاون کمیسیون امور فرهنگی امارت اسلامی میگوید: من صرف چندین بار مولوی صاحب محمد جان را در بعضی از مجالس و نشست ها ملاقات کرده بودم که آثار و نشانه های هوشیاری، ذکاوت ، عزم واخلاص در او نمایان بود، ایشان در صفوف جهادی کردار عظیمی ایفاء می کرد. خداوند شهادت ایشان را قبول کند.

ملا فقیر محمد درویش ترانه خوان برجسته و شخصیت ممتاز و مجاهد امارت اسلامی در مورد مولوی صاحب محمد جان میگوید: مولوی صاحب که من از نزدیک با ایشان شناخت وتعارف داشتم، یک قومندان مخلص و مشفق جهادی بود، ایشان شخصی نرم مزاج و خوش اخلاق بود و اگر نصحیت مینمود و یا قهر میشد نیز با اخلاق نیکو مدارا می کرد، او با حقانی صاحب رفاقت و همراه طولانی در صفوف جهادی داشت و از دوستان بسیار نزدیک و قابل اعتماد حقانی صاحب بود.

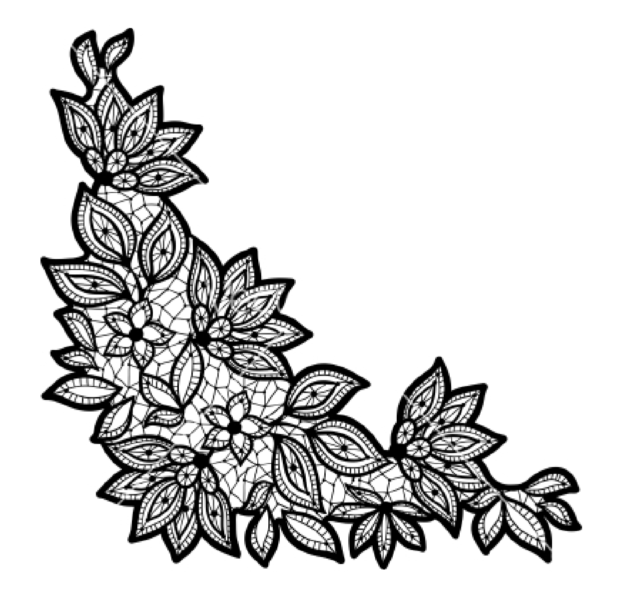
شهید مولوی محمد جان صاحب تا پایان زندگی راه جهاد را با حوصلهء عالی به اتمام رسانید، دوستانش میگویند که مولوی صاحب بسیار آرزومند شهادت بود و همیشه در دعا های خود طلب شهادت میکرد، چندی قبل که یکی از دوستان نزدیک او مولوی محمد سنگین فاتح در حملهء اشغالگران آمریکائی به شهادت رسید، مولوی صاحب محمد جان میگفت که نوبت شهادت من بود اما مولوی صاحب سنگین از من مقدم شد، که از اینجا میتوان شوق و اشتیاق شهادت در او را درک کرد.

مولوی صاحب در بین مجاهدین به خیرخواهی مشهور بود و از اختلاف و نزاع بسیار متنفر بود، ایشان همانگونه که در حل و فصل نزاع ها و جنجالهای ملکی و مردمی رول موثر داشت ، به تربیه و آموزش اخلاقی مجاهدین نیز بسیار متوجه بود.

حاجی محمد رحیم برادر شهید مولوی می گوید که: مولوی محمد جان صاحب علاوه بر شوق و اشتیاقی که به جهاد و مبارزهء برحق داشت به علوم دینی نیز بسیار علاقه مند بود، شهید یک مدرسه دینی بنام نصرت العلوم در ولسوالی قره باغ بنا نهاده است که در ان 55 تن بصورت لیله و صدها تن طالب العلمان دیگر بشکل نهار مشغول فراگیری و تعلیم دروس دینی هستند.

علی الرغم اینکه با شهادت مولوی صاحب ، ایشان جسما از میان ما رفته است، اما خاطرات زیبا و کارنامه های او در دلهای مجاهدین و برگ های تاریخ محفوظ است، علاوه بر آن شهید محمد جان به شکل صدقه یک گروپ از مجاهدین را پشت سر دارد که راه و هدف شهید را تعقیب نموده و مشغول فعالیتها و خدمات جهادی بر ضد اشغالگران هستند.

رحمه الله تعالی





دو و نیم دهه قبل از امروز بتاریخ بیست وششم ماه دلو سال 1367 هـ ش آخرین نظامیان شوروی در نتیجۀ جهاد مردم افغانستان این کشور را ترک گفتند، اتحاد شوروی آنروز روسیۀ امروزی نبود که متشکل از یک تبار اسلاو قدرت منطقوی تشکیل میدهد، بلکه شوروی آنروز یک ابر قدرت جهانی بود که سه بر چهار از خاک آسیا و اضافه از نصف خاک اروپا را تشکیل میداد .

شوروی آنروز از هرنگاه امپراطوری پرقدرت و انکشاف یافته بود، از لحاظ نظامی و علمی باغرب رقابت میکرد، زیاده از هرکشور بمب های اتومی و سلاح های ستراتیژیک در زرادخانۀ خود داشت، نخستین بار ساینسدانان شوروی توانستند انسان را به فضا بفرستند، از نگاه سیاسی و ایدیالوژیک اتحاد شوروی صاحب امتیاز مفکوره کمونیستی بود که در قرن بیستم نسبت به هر ایدیالوژی جذابیت بیشتر داشت ، سیستم اقتصادی روسها اقتصادکاپیتالیستی غرب با چالش جدی مواجه ساخته بود و در آن زمان بسطح جهانی سوسیالیزم شوروی انترناتیف سیستم اقتصادی غرب پنداشته میشد.

شوروی آنزمان همانند امریکای امروز به انبوهی از کشورهای جهان مساعدت های مالی و نظامی مینمود، افغانستان کشوری بود که مقداری زیادی از کمک های اتحاد شوروی دریافت میکرد، شورویها نه تنها در موارد ضرورت چون کسر بودیجه ،خشکسالی و حالات اضطراری با مردم افغانستان کمک مینمودند، بلکه برای رشد و انکشاف افغانستان همواره کمک های بلاعوض و قرضه های بدون سود ارائه میکردند.

افغانستان آن زمان کشوری بود برآمده از دوره استعمار ، که با فقر و عقب ماندگی دست و پنجه نرم میکرد، افغانستان بکمک های مالی،تخنیکی و انکشافی روسها توانست برای نخستین بار در جاده پیشرفت قدم بردارد، روسها درافغانستان راههای مواصلاتی ساختند،با حفر تونل سالنگ شمال افغانستان را با قلب کشور وصل نمودند،بندهای برق بناکردند، نختسین پوهنتون انجینیری بنام پول تخنیک تاسیس کردند و در تمام عرصه های انکشافی و خدماتی خدمات شایانی را انجام دادند .

چند روز پیش صحبتی داشتم با یک تن از مجاهدین ولایت هلمند، موصوف که در ولسوالی های جنوبی ولایت هلمند در مقابل روسها و کمونیستهای داخلی در جهاد اشتراک کرده بود گفت : وقتیکه ولسوالی نادعلی هلمند را فتح نمودیم فقط در یک کوپراتیف زراعتی سه و پنج تراکتورهای روسی و بسیاری از تجهیزات زراعتی بدست ما افتاد.

نادعلی تنها ولسوالی ای نبود که بکمک شورویها در آنجا کارهای انکشافی در عرصه زراعت جاری بودند بلکه در تمام کشور، روسها در انکشاف دهات ، زراعت و صنایع مصروف کارهای انکشافی بودند.

اما با این همه کمک های مالی ، نظامی و انکشافی چرا نیاکان و گذشتگان ما در برابر روسها دست به جنگ زدند و جواب دوستی هفتاد ساله شوروی را با تفنگ و راکت دادند ؟

این پرسشی است که شاید در اذهان نسل نوین ما خطور کند اما جواب قناعت بخش برایش نداشته باشند.

جواب مختصر پرسش متذکره این است که نیاکان ما نمی پذیرفتند در عوض انکشاف، پیشرفت و عمران مادی ، ویرانی، فقر و عقب ماندگی معنوی قبول کنند.

شوروی های کمک کننده برای ما پول تخنیک اعمار میکردند اما میخواستند در برابر این اعمار ، مسجد پل خشتی ما همچون مساجد تاریخی سمرقند و دوشنبه به حمام های گله یی تبدیل کنند .

روسها برای ما شاهرا میساختند اما در صدد بودند تامدرسه و خانقاه و مسجد این سرزمین مثل مقامهای متبرکه ماوراءالنهر بخاک یکسان کنند، روسها به معارف ما بورسهای تحصیلی میدادند تا به استفاده از آن محصلین افغان به شهرهای مسکو و سنت پیترزبورگ سفر نموده در مراکز علمی آن شهرها تحصیل نمایند، اما در مقابل این امکانات برای ما سفرهای حج و عمره بیهوده و غیراقتصادی تبلیغ نموده جوانان ما را از قبلۀ دینی و حقیقی خود منحرف میکردند .

خلاصه اینکه اگر دوستی و تعامل ما با روسها به همان منوال دوام میکرد امروز ما کشور اسلامی و ملت مسلمان نخواهیم داشت،جوانان ماشاید فقط همین قدر میدانستند که منسوب به اسلام هستند علاوه ازین از اسلام عملی و اعتقادی از چیزی خبر نمی داشتند.

ما بحیث انسانهای مکلف و متعهد دارای دو ارزش هستیم ، مادی و معنوی. ارزشها و ضروریات مادی ما از قبیل آب و اکسیجن ، خانه، مال، ثروت، خدمات و سایر اشیای مادی هستند که ما را در تداوم زندگی یاری میرسانند. این ارزشها برای زندگی کردن ضروری هستند اما غایه و مقصود خلقت ما نیستند .

غایه و مقصد والای زندگی ما، دین و دیانت داری هستند، ما میتوانیم از امکانات مادی برای کسب و حصول اهداف معنوی بهره بگیریم اما نمیتوانیم ارزشهای معنوی قربانی مادیات و لذات دنیاوی کنیم .

انگیزۀ جهاد نیاکان ما در مقابل شورویهای کمک کننده از تقابل خدمات مادی روسها با ارزشهای معنوی ما منشاء میگرفت و همین تقابل و تعاکس سبب شد تا دوستی هفتاد ساله این دو کشور بدشمنی و جنگ ده ساله تبدیل شود .

امروز ملت ما در مقابل امریکاییها در عین وضعیت قرار دارد، امریکاییها میگویند ما به افغانستان کمک میکنیم، پل و سرک تعمیر مینماییم اما ملت ما در مقابل امریکاییها دست به جهاد زده و در برابر شان قیام مسلحانه نموده است .

بعضی ها می پرسند چرا مجاهدین امریکاییها را نمیگذارند در این کشور بمانند تا کشور ما ترقی نمایند؟

اینها باید بفهمند که مساعدت های نمایشی امریکا بدون عوض و مجانی نیستند بلکه انبوهی از اهداف و امیال شوم کفری در پی دارند. امریکاییها به افغانستان سالانه پنج میلیارد دالر کمک میدهند اما در مقابل افغانها باید عملا و اعتقادا بجای اسلام محمدی به اسلام امریکایی تن دهند .

اسلام امریکایی یعنی اسلام نمایشی که مراکز تحقیقاتی امریکا همچون رند کارپوریشن ومؤسسه تحقیقاتی بروکینگز برای ممالک اسلامی دیزاین نموده که در آن از حاکمیت الهی، مرجعیت قرآن و سنت ، نفاذ شریعت، حدود، حجاب و سایر ارزشهای دینی خبری نیست .

ایالات متحده امریکا که خود را تک قدرت جهانی میپندارد در نظر دارد تا مثل سایر کشورها در افغانستان هم نظم نوین جهانی خود پیاده کند، این نظم استوار بر ارزشها و معیارهای غربی بالخصوص امریکایی هست که تمام ملت های تحت اشغال امریکا باید در تمام عرصه های زندگی از آن پیروی نمایند .

اگر اشغال و سلطه امریکا دوام یابد، نسل های آینده ما نخواهند توانست خط مشی زندگی خود در پرتو قرآن و سنت را تعین کنند، برای اینکه نسل های آینده خود را از خباثت کفر و گمراهی نجات دهیم همچون نیاکان ما برما لازم است تا در مقابل کفار امریکایی قدعلم نموده آنانرا از کشور اسلامی خود بزور تفنگ بکشیم .

نیاکان ما درمقابل خدمات و بازسازی واقعی روسها، شکست و سقوط معنوی خود نپذیرفتند و مشت دندان شکن بر پیکر کمک کنندگان دغل باز وارد نمودند اکنون ما در مقابل هیاهوی دروغین بازسازی و کمک امریکاییها اگر شکست و انحراف معنوی خود بپذیریم نسل های آینده ما را نخواهند بخشید.

زیرا که مفکوره و عقیده دینی یک امانت الهی است که باید از آن حفاظت نموده و به شکل مصؤن به نسلهای آینده برسانیم .

که د معدې له ناروغيو کړېږئ؛ لاندې خواړه مه هيروئ

ځينې مختلفو لاملونو له امله د انسان معده په ځينې ناروغيو لکه پړسوب، حساسيت، گيس او ځينې نور ناروغيو اخته کيدی شي.

د معدې اکثره ناروغۍ د ځينې باکتريا چې په خيټه کې د ناسور لامل هم گرځي له امله را منځ ته کيږي. ځينې وختونه د معدې ناروغۍ د ځينې زخمونو او يا ځينې نور حرام مشروباتو د استعمال په نتيجه کې را پيښيږي. د معدې ناروغۍ نښې په يو انسان کې نسبت بل انسان ته توپير لري او په ځينې کسانو کې هيڅ ډول نښه نه ښيي.

خو بيا هم کانگې کول، له ډوډۍ خوړلو وروسته د معدې پاسنۍ برخه کې پړسوب احساسول، په خيټه کې د دوه خوړو تر منځ او يا هم شپې لخوا د سوۍ احساس کول، هاضمې سيستم خرابوالی، زړه سوۍ، د خيټې درد او د اشتها له منځه تلل معدې د ناروغۍ له پيژندل شوو نښو څخه دی.

د معدې له ناروغيو څخه خلاصون لپاره کولی شئ لاندې طبيعي خواړه چې هيڅ ډول غير روغتيايي اثر نه لري استعمال کړئ.

ځمکني توتان :(strawberries)؛ دغه خواړه د انټي اکسيډنټ خواص لرلو په اساس زياته اندازه فينوليک (Phenolic)مرکبات لری. دغه خواړه د معدې مختلفو ناروغيو لپاره غوره درمل دی. دغه خواړه د معدې په مختلفو برخو کې د پړسوب مخه نيسي. د ۲۰۱۱ زيږيديز کال يوې څيړنې ثابته کړې چې د ځمکني توتانو ورځنۍ او دوامداره استعمال د معدې غشاء يا پرده له مختلفو زيانونو ژغوري.

طريقه:۱- د ځمکني توتانو وچې شوې پاڼې يوه کاچوغه په گرمو اوبو کې واچوئ. د پنځه دقيقو لپاره يي خيشت کړئ.

۲- دغه اوبه د ورځې دوه يا درې ځلي وڅښئ. تر هاغه دغه عمل ته ادامه ورکړئ چې د معدې ناروغي مو له منځه ولاړ شي.

۳- هره ورځ څو دانې تازه ځمکني توتان استعمال کړئ ځکه چې دغه خواړه مو د معدې له ناروغيو ژغوري.

زنجبيل :(Ginger)دغه خواړه د پړسوب او باکتريا ضد ډير قوی او پياوړی خواص لري چې له همدې امله معدې د ناروغيو مخه نيسي. دغه خواړه د پړسوب کمولو سربيره په انسان کې د مختلفو ناروغيو مخه نيسی او د معدې درد، گيس، هاضمې خرابوالی او ځينې نورو ناروغيو په مخنيوي کې ډيره مهمه ونډه لري.

طريقه:۱- د تازه زنجبيل ريښې په خوټيدونکي اوبو که واچوئ او د پنځه دقيقو لپاره يي اوبو کې خيشت پريږدئ. لږه اندازه شات ور اضافه کړئ او لږ لږ يي وڅښئ. دغه محلول د يوې اونۍ لپاره د ورځې دوه يا درې ځلي وڅښئ.

۲- نيمه کاچوغه د زنجبيل اوبه له شاتو سره گډ کړئ او له خواړه وړاندې د ورځې دوه ځلي د يوې اونۍ لپاره استعمال کړئ.

۳- د معدې له ناروغيو د مخنيوی لپاره بايد تازه زنجبيل وژوول شي او يا هم د زنجبيل گولۍ استعمال شي.

ويلنې :(Peppermint): دغه خواړه هم د پړسوب او باکتريا ضد خواص لري. د دغې خواړه پړسوب ضد خاصيت د معدې پړسوب له منځه وړي او له دې سربيره د خرابې هاضمې او د زړه سوۍ مخه نيسي.



طريقه:۱- د ويلني گولۍ له استعمالولو وړاندې له ډاکټر سره بايد مشوره وشي. د ورځې يوه، دوه يا درې گولی استعمالول بدن ته زيان نه رسوي. دغه گولی د زړه سوۍ مخه نيسي.

۲- د معدې ناروغيو څخه مخنيوی لپاره بايد تازه ويلنې وژوول شي او يا هم په سلاته، سوپ او نورو خوړو کې په زياته اندازه استعمال شي.

احمد تنویر

توهین به مقدسات؛ یعنی عبور از خط سرخ ...!

دشمنان اسلام از دیر باز در کنار سایر تهاجمات همه جانبهٔ شان، بارها به مقدسات مسلمانان نیز بی ادبی ها و گستاخی ها نموده اند که نشانگر عداوت و دشمنی نهانی آنان است، بزرگترین گستاخی را امریکا زمانی مرتکب شد که جنگ شوم خود علیه اسلام و مسلمانان در افغانستان را جنگ صلیب علیه اسلام عنوان کرد و از همین جهت در طول سالهای اشغالگری امریکا در افغانستان، دیده شد که امریکا به شمول سایر مظالم وحشتناک خود، بارها به مقدس ترین ارزشهای اسلامی زشت ترین گستاخی ها و هتاکی ها را روا داشته است، و یا اسباب اهانت به مسلمانان و دین مقدس اسلام را در افغانستان و جهان، فراهم کرده است.

هجو، هتاکی و یا توهین به اسلام و مقدسات مسلمانان از زمانه های دور توسط دشمنان جریان داشته است و لله الحمد در هر زمانی نیز کسانی بوده اند که با شهامت و غیرت مثال زدنی شان، مشت کوبنده در دهان بی ادبان کوبیده و با شجاعت غیرقابل وصف از کیان مقدس اسلام و ارزشهای اســــــــــــــلامی به خوبی دفاع نموده اند؛ و عادت همیشگی دشمنان بوده که در طول تاریخ به نوعی از انواع، دشمنی نهانی خود با اسلام و مسلمانان را ابراز نمایند.

جنگ دشمنان صلیبی در خاورمیانه و هدف قراردادن مسلمانان و سرزمین های اسلامی در دهه های اخیر جزو نقشه های دراز مدت کفار و دشمنان دین بوده و همچنان در تلاش هستند که بدون هیچ ربطی تمام جریان های استبکار ستیزی در جهان را با مسلمانان و دین شان مرتبط بدانند؛ آنها امروزه هزاران دهن کجی به اسلام و مسلمانان می کنند، آیا مگر تعبیر کردن جنگ افغانستان توسط امریکای جنایت کار به جنگ صلیب علیه اسلام توهین به اسلام و مسلمانان نبود؟

آیا مگر کشتار فاجعه آمیز و قتل ناحق و مظلومانهٔ هزاران مسلمان در افغانستان، منطقه و جهان توسط قوت های اشغالگر کفری توهین به اسلام و مسلمانان تلقی نمی شود؟

آیا مگر تداوم اشغالگری و حضور شوم استکبار در خاورمیانه به بهانه های واهی مبارزه علیه تروریزم و غیره به معنی صریح توهین به اسلام و میلیون ها مسلمان نیست؟

آیا مگر معرفی کردن چهرهٔ مسلمانان در جهان به عناوینی مثل: خطرناک، دهشت گرد، تروریست، بنیاد گرا، افراطی، تندرو و غیره به معنای واقعی اهانت و گستاخی به اسلام و مسلمانان نیست؟



متاسفانه دشمنان صلیبی از سکوت، همکاری و همراهی بعضی مسلمان نماها استفادۀ زیاد برده و با ساده پنداشتن بی آبرویی و ریختن خون ملیون ها مسلمان، خیره سرتر شده تا جایی که بر آن همه وحشت و دهشت بشری چشم فرو بسته و هتاکی ها و گستاخی های خود را در راستای آزادی بیان توجیه می کنند؛ اما اشک ریختن و فریاد زدن یک مسلمان، و واه محمداه گفتن آن را خلاف کور خوانده اند و بلکه مسلمانان با ریختن به سرک ها و جاده ها و تشکیل و راه اندازی تظاهراتی عظیم و خود جوش بعد از توهین مجدد مجلۀ چارلی ایبدو در فرانسه، در سرتاسر جهان و حتی کشورهای غربی و اروپایی و کشورهای اسلامی که تحت ظلم استکبار و اشغال صلیبی ها قرار دارند نشان دادند که گستاخی را تحمل کرده نمی توانند و دشمنان قسم خوردۀ مسلمانان باید خوب دانسته و این مسئله حیاتی را درک کرده باشند که توهین به مقدسات به معنی عبور از خط سرخ مسلمانان است و از آنجا که محبت و عشق به رسول الله صلی الله



علیه وسلم در رگ و ریشۀ مسلمانان جای دارد؛ هیچگاهی اینگونه اقدامات آنان بی پاسخ نمی ماند و اگر هرچه گستاخی های دشمنان فراتر رود یقینا عشق و شیفتگی مسلمانان و حساسیت آنها نسبت به دشمنان نیز سر به فلک ها خواهد زد.

ارزشهای انسانی دانسته و بخاطر جلوگیری از اقدامات دفاع جویانۀ مسلمانان از حریم انسانی و کیان مقدس اسلامی، دنیا را به جنگ مسلمانان فرا می خوانند و به اصطلاح حلقۀ اتحاد تشکیل می دهند!؟!

دشمنان اسلام اما در واقع با خودشان جهل و لج می کنند و با فریب بازی و نیرنگ مثل اجداد و نیاکان گمراه شان در طول تاریخ، گمان می برند که با ترسیم کاریکاتورهای توهین آمیز توسط مجله چارلی ایبدو و امثال آن، می توانند از محبت و عشق واقعی مسلمانان نسبت به رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی کم کنند و یا اینکه مسلمانان، ذلت گستاخی دشمنان را تحمل کرده می توانند؛ در حالیکه سخت اشتباه کرده و کاملا

چرا دشمنان قسم خوردۀ ما مسلمانان گمان می کنند با اهانت و گستاخی در شان محبوب ترین انسان روی زمین و آقای عزیز مومنین جناب رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - می توانند ذهنیت عمومی را نسبت به ایشان تغییر بدهند و یا جهانیان را نسبت به سردار جهان بدگمان بسازند؟



جهان کفر چرا در توجیه جرم و جنایت های خود به مسلمانان تهمت و افتراء می زنند و چرا بخاطر فرار از خراب کاری ها و فسادکاری های شان در سطح دنیا، به مقدسات مسلمین حمله کرده و دشمنی شان را اینگونه ابراز می دارند؟

بدون تردید دین مقدس اسلام و در راس آن جناب سرور کائنات صلی الله علیه وسلم دشمنان سرسختی در طول تاریخ داشته اند و در هر زمانی کسانی تلاش کرده اند تا به زعم غلط خویش به اسلام و یا مسلمانان ضربه بزنند و یا به دین آنان و مقدسات شان توهین نمایند تا بدینوسیله به اصطلاح محبت اسلام و دین در دلهای مومنین کمتر شده و رفته رفته دشمنان به آرزوهای شیطانی خویش که همانا نابودی مطلق اسلام است برسند؛ اما که لله الحمد هجمات دشمنان نه اینکه ذره ای از شهامت و غیرت مسلمانان در دفاع از اسلام و پیامبر محبوب صلی الله علیه وسلم کم نکرد بلکه آن حرکات سخیف دشمنان باعث شد تا مسلمانان بیشتر از گذشته به دین شان عشق ورزیده و با پیامبر محبوب شان صلی الله علیه وسلم وفادار بمانند.

امروزه یکی از دلائل عمدۀ دشمنان در خصومت و کینه توزی با مسلمانان همین احساسات پاک دینی مسلمانان نسبت به دین و ارزشهای اسلامی شان است و همین چیزهاست که دشمنان را بی نهایت رنج داده و آنان را وادار به یکسری اقدامات جنون آمیز می کند؛ و جالب اینکه اهانت و گستاخی را آزادی بیان و حق بشر می پندارند و اما دفاع از ارزشهای اسلامی و انسانی و دفاع از شرف و مجد مسلمانی و دفاع از ساحت مقدس پیامبر عظیم الشان اسلام - صلی الله علیه وسلم - را خشونت و افراطی گری می دانند و دنیا را به جنگ مسلمانان واقعی فرا می خوانند.

به هرحال، با اقدامات ایمان افروز مسلمانان و ناکامی تاریخی دشمنان یکبار دیگر حماسۀ های بی نظیری خلق شد که نشان از عشق و ارادت واقعی شیفتگان احمد عزیز صلی الله علیه وسلم را نشان می داد و اینکه دشمنان مصطفی صلی الله علیه وسلم مثل همیشه خوار و خفیف تر از آنند که بخواهند به سوی آن بزرگمرد تاریخ بشریت انگشت اعتراض دراز نمایند و هر که گستاخی کند اسباب نیستی و نابودی خود را به دست خود فراهم آورده است و گرنه رسول الله صلی الله علیه وسلم عزیز تر از آنست که دشمنانش بخواهند با گستاخی و بی ادبی، شان رفیع آن هستی پاک را به اصطلاح تنزل بدهند.



افغانستان در ماه جنوری ۲۰۱۵ میلادی

تهیه و ترتیب از : احمد فارسی

ملاحظه:

در این نوشته تنها به رویدادها، تلفات و خساراتی اشاره صورت میگیرد که دشمن به آن اعتراف کرده است، تلفات و خسارات دقیق را میتوان در سایت الاماره و سایت های دیگر خبری مطالعه کرد.

اولین ماه سال ۲۰۱۵ میلادی نیز همچو سال های گذشته شاهد دست آوردها، موفقیت ها و پیروزی های پیهم مجاهدین بود. در جریان این ماه ناکامی و زبونی دشمن نسبت به سالهای گذشته ثابت گردید. عملیات مجاهدین سرعت بیشتر گرفت و دشمن داخلی و خارجی متحمل خسارات و تلفات شدیدی گردیدند. در میدان سیاسی نیز شکست آشکار در صف دشمن رونما گردید. تفصیل اینهمه قضایا را میتوان تحت عناوین ذیل مطالعه کرد:

تلفات دشمن اشغالگر:

دشمن اشغالگر از آغاز اشغال تا کنون متحمل تلفات شدید شده است اما همیشه در تلاش بوده است تا حقیقت را پنهان کرده و به مراتب کمتر از آن اعتراف کند که افراد آن در نبرد علیه مسلمان در افغانستان کشته میشوند.

در این اواخر نسبت فرار و پناه بردن اشغالگران به سوراخ های متعدد تلفات آنان کمتر شده است اما باز هم اشغالگران از بیان حقیقت ابا ورزیده اند. رویدادهای ذیل و کشته شدن سه قراردادی امریکایی به تاریخ 30 جنوری توسط یک پولیس نفوذی در میدان هوایی کابل نشاندهنده این حقیقت است که تعداد تلفات اشغالگران خیلی زیاد از آنست که به آن اعتراف صورت می گیرد.

در سال 2014 میلادی دشمن به کشته 75 تن از افراد خود اعتراف کرد که 55 تن آن امریکایی و 6 تن آن نظامیان انگلیسی می باشند. تعداد کل تلفات اعتراف شده در جریان سالهای اشغال به 3485 تن می رسد. دشمن اشغالگر از دادن آمار تلفات خویش در ماه جنوری سال 2015 ابا ورزیده است اما حقایق بیان شده در ذیل نشان میدهد که حد اقل 15 تن از افراد اشغالگر در جریان این ماه کشته شده اند.

تلفات در صف دشمن داخلی:

چنانچه در گذشته ها متذکر شده ایم، دشمن داخلی در این اواخر متحمل تلفات بیشتر گردیده و به شکل متداوم مورد حملات مجاهدین قرار می گیرند. تعداد دقیق کشته شدگان افراد منسوب به دشمن در دست نیست اما راپورهای گذشته نشان می دهد که حد اقل روزانه 10 تن از افراد دشمن در جریان جنگ علیه مجاهدین کشته میشوند. در ذیل به بعضی از وقایع کشته شدگان در صف دشمن اشاره صورت می گیرد:

به روز یکشنبه 4 جنوری قوماندان اربکی ها در ولسوالی برکی برک ولایت لوگر طی حملات مجاهدین با سه تن از محافظین خود کشته شد. در همین روز آمر جنایی ولسوالی قره باغ ولایت غزنی و دو قوماندان اربکی در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز نیز مورد هدف مجاهدین قرار گرفته و جان باختند.

به تعقیب آن به روز چهارشنبه 7 جنوری یک قاضی در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار کشته شد. به فردای آن یک قوماندان اربکی در ولسوالی گیلان ولایت غزنی به جهنم واصل گردید.

به تاریخ 12 جنوری یک پولیس نفوذی در صف دشمن بشمول قوماندان امنیهء ولسوالی نوزداد ولایت هلمند، مدیر احصائیه، مدیر کشف پولیس و عده یی دیگر از افراد بلند رتبهء این ولسوالی را به قتل رسانید. در این حمله مدیر امنیت این ولسوالی نیز شدیدا زخم برداشت. در همین روز ولایت خوست نیز شاهد کشته شدن آمر تعلیم و تربیه قوماندانی امنیهء این ولایت بود.

به روز سه شنبه 13 جنوری قوماندان اربکی ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند نیز کشته شد. به تعقیب آن تاریخ 16 جنوری شاهد کشته شدن قوماندان امنیهء ولسوالی المار ولایت فاریاب بودیم.

به روز شنبه 24 جنوری یک قوماندان پولیس در مرکز ولایت هلمند نیز توسط افراد ناشناس کشته شد. به تعقیب آن به تاریخ 26 این ماه یک قاضی محکمه ابتدایی کابل نیز مورد هدف قرار گرفته و جان باخت.

به روز سه شنبه 13 جنوری قوماندان اربکی ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند نیز کشته شد. به تعقیب آن تاریخ 16 جنوری شاهد کشته شدن قوماندان امنیهء ولسوالی المار ولایت فاریاب بودیم.

به روز شنبه 24 جنوری یک قوماندان پولیس در مرکز ولایت هلمند نیز توسط افراد ناشناس کشته شد. به تعقیب آن به تاریخ 26 این ماه یک قاضی محکمه ابتدایی کابل نیز مورد هدف قرار گرفته و جان باخت.

به روز سه شنبه 27 جنوری دو قوماندان و 13 عسکر دشمن طی یک درگیری با مجاهدین در ولسوالی قیصار ولایت فاریاب کشته شدند. دو روز بعد از این حادثه مدیر جنایی قوماندان امنیهء ولایت لغمان همراه با 16 تن از افراد خود کشته شد.

و بالاخره به روز شنبه 31 جنوری یک قوماندان محلی در ولایت هرات همراه با چندین تن از افراد خویش مورد هجوم مجاهدین قرار گرفته و کشته شد.

عملیات خیبر:

عملیات پیروزمندانه و دندان شکن مجاهدین همچو گذشته ها با تمام نیرو و قوت خویش ادامه داشت و در جریان این ماه دهها عملیات بالای دشمنان صورت گرفت که طی آن دشمن متحمل تلفات و خسارات بیشماری گردید. در اینجا به بعضی از این عملیات اشاره صورت میگیرد:

روز شنبه مصادف با 3 جنوری شاهد عملیات وسیع مجاهدین در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز بود که طی آن به اعتراف دشمن عده زیادی از افراد و پولیس دشمن کشته و زخمی شدند. بیشترین ولسوالی ها و مناطق این ولایت تحت تصرف مجاهدین قرار دارد.

دو روز بعد از این حادثه شاهراه جلال آباد تورخم در ولایت ننگرهار شاهد حملات نیرومند مجاهدین علیه اشغالگران خارجی بود که طی آن شش تن از اشغالگران خارجی کشته شده و دو عراده موتر آنان کاملا تباه گردید. در همین روز یک حمله دیگر در ناحیهء نهم شهر کابل بالای اشغالگران صورت گرفت که طی آن نیز دشمن متحمل تلفات و خسارات گردید.

به روز چهارشنبه 7 جنوری اکادمی پولیس در ولایت خوست مورد هجوم مجاهدین فدایی قرار گرفت. در این حمله تعداد زیادی از کارمندان و منسوبین پولیس این ولایت کشته و زخمی شدند.

به روز پنجشنبه 22 جنوری شهر لشکرگاه ولایت هلمند شاهد حملات فدایی مجاهدین بود. این حملات که بر قطار پولیس نظم عامه صورت گرفت باعث کشته شدن تعداد زیادی از افراد مذکور گردید. سه روز بعد از آن و به تاریخ 25 جنوری شهر کابل یکبار دیگر شاهد حملات بر اشغالگران خارجی بود. این بار اشغالگران در ناحیهء پانزدهم شهر مورد هجوم مرگبار مجاهدین قرار گرفتند.

تلفات و آزار و اذیت ملکی:

با گذشت زمان و ظهور شکست در صف دشمن، تلفات ملکی نیز افزایش یافته است. مردم بیچاره و مظلوم نه تنها مورد ظلم و ستم اشغالگران خارجی قرار می گیرند بلکه اردوی اجیر و پولیس مرتزقه نیز در این راستا از باداران خارجی خود به عقب نمانده اند. در جریان این ماه دهها واقعه ظلم و ستم بر افراد ملکی و بیگناه صورت گرفت که مختصرا به بیان بعضی از این وقایع می پردازیم:

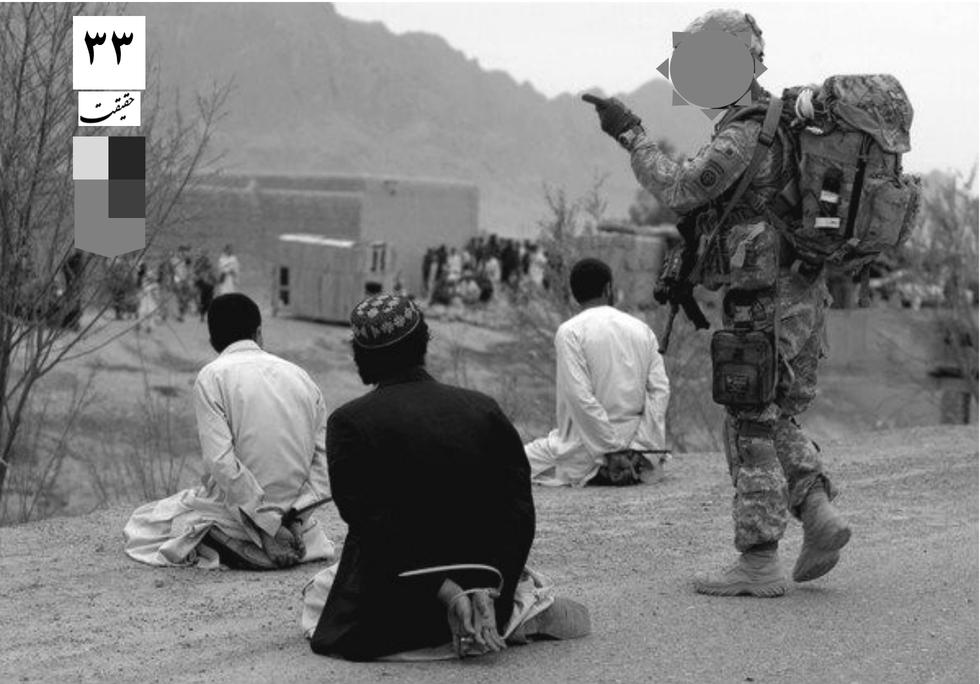
به روز یکشنبه 4 جنوری اشغالگران خارجی طی حملات طیاره را بی سرنشین بر ولایت های کاپیسا و خوست حد اقل 12 تن از افراد ملکی و بیگناه را به شهادت رسانیدند.

دو روز بعد از این حادثه مردم ولایت هلمند از کشته شدن سه تن در ولسوالی نوزاد این ولایت خبر دادند.

از سوی دیگر مطبوعات از کشته شدن یک زندانی در زندان پل چرخی خبر می دهند. این زندانی به روز سه شنبه 13 جنوری تاب شکنجه را نیاورده و به شهادت رسید.

در آخرین روز سال گذشته اجیران داخلی ضمن یک توطئه علیه مجاهدین دست به جنایت دیگری زدند. در این روز اردوی اجیر یک محفل عروسی را مورد هجوم راکتی قرار دادند که طی آن بشمول عروس بیشتر از 30 تن به شهادت رسیده و تعداد مشابهی زخمی شدند.





رئیس شورای ولایتی هلمند طی ملاقات با خبرنگاران به تاریخ اول ماه جنوری این حادثه را دستوری خوانده و گفت که این حملات از چهار پوستهء مختلف در یک وقت بر این محفل صورت گرفته است که آشکارا نشاندهنده توطئه و دستوری بودن آن است. ادارهء اجیر با این نوع سیاست به ارزش خون مسلمانان در گذشته ها نیز خواسته است تا با ایجاد چنین فتنه ها مردم را علیه مجاهدین بدگمان سازد مگر لله الحمد این دسیسه ها همیشه افشا شده و باعث شرمندگی بیشتر بردگان امریکایی شده است.

به روز شنبه 17 جنوری اشغالگران خارجی طی یک حملهء هوایی در ولایت ننگرهار سه تن را بشمول یک طفل به شهادت رسانیدند. متعاقبا به تاریخ 19 جنوری طی بمباری اشغالگران بر ولسوالی خوگیانی این ولایت 5 تن را که شامل کودکان و زنان می باشند به شهادت رسانیدند.

راپور های منتشره به تاریخ 25 جنوری نشاندهنده ظلم و تعدی دیگری بر مردم بیچاره ولسوالی یحیی خیل ولایت پکتیکا بود. در این روز اربکی ها این ولسوالی دو صد خانواده را در حالی از خانه های شان خارج کردند که برف و سردی زندگی را در داخل خانه ها نیز دشوار ساخته بود.

به سلسله تلفات ملکی راپورها از کشته شدن پنج عضو یک خانواده در ولسوالی بگرام ولایت پروان حکایت دارد. این افراد پس از آن توسط پولیس به قتل می رسند که از نامزدی دختر خود با قاتل ابا ورزیده اند.

تفصیل رویدادهای کشتار افراد ملکی، آزار، اذیت و زندانی ساختن شانرا میتوان در راپور تلفات ملکی منتشره سایت امارت اسلامی مطالعه کرد.

اظهار نفرت و انزجار:

ظلم، ستم و شکنجهء اشغالگران و اجیران داخلی باعث نفرت و انزجار مردمی گردیده و این سلسله از آغاز اشغال تا کنون جریان دارد. این اظهارات توأم با عکس العمل ها بوده است که گاهگاهی باعث به اصطلاح حملات خودی شده و باعث کشته شدن افراد بلند رتبه در صف دشمن نیز گردیده است. اکثرا مردم بیچاره رنج و غصهء خودرا به شکل براه اندازی تظاهرات بیان میدارند. در پایان به بعضی از این رویدادها توجه تانرا معطوف می داریم:

به روز پنجشنبه اول جنوری صدها تن از هموطنان ما در مرکز ولایت هلمند علیه اردوی اجیر تظاهرات کرده و از ادارهء اجیر خواستند تا عاملین رویداد ولسوالی سنگین را که باعث کشته شدن 30 تن در محفل عروسی گردیدند مجازات نمایند.

از سوی دیگر ادارهء اجیر از چندین ماه به اینسو جنگ ناکام و بی نتیجه ای را در ولسوالی دانگام ولایت کنر آغاز کرده است که باعث رنجانیدن مردم ملکی و بیچاره گردیده است. در این جنگ ادارهء اجیر متحمل تلفات و خسارات شدیدی شده اما انتقام اینهمه را از مردم بیچاره می گیرد به این لحاظ به روز پنجشنبه اول جنوری مردم این ولسوالی طی تظاهرات از ادارهء اجیر خواهان پایان دادن به این جنگ بی نتیجه و ناکام شدند.

به روز سه شنبه مورخهء 6 جنوری صدها تن در ولایت زابل علیه قوماندان امنیهء این ولایت دست به تظاهرات زدند.

به روز چهارشنبه 14 جنوری و به سلسلهء اظهار عکس العمل علیه اجیران داخلی مردم ولسوالی فرخار ولایت تخار بعد از این که از ظلم و ستم پولیس در این ولسوالی به ستوه آمدند علیه قوماندان امنیهء ولسوالی مذکور دست به تظاهرات زده و خواهان برطرفی وی گردیدند. یک روز قبل از این رویداد مردم لشکرگاه ولایت هلمند نیز علیه پولیس این ولایت که باعث کشتار دو تن از افراد ملکی در این ولایت شدند دست به تظاهرات زدند و خواهان مجازات عامین این کشتار گردیدند.

به روز شنبه 17 جنوری مردم ولسوالی دند ولایت کندهار طی تظاهراتی خواهان مجازات محافظان ولسوال این ولسوالی شدند. این محافظ ولسوال یک محاسن سفیدی را که دعوای حقوقی در این ولسوالی داشت تا سرحد مرگ لت و کوب کرده بود.

به تعقیب آن به روز دوشنبه 19 جنوری خانواده ها و دوستان زندانیان در محبس پلچرخی دست به تظاهرات زده و از ظلم و شکنجه دوستان و اقارب خویش در این زندان شکایت کردند. در حدود بیشتر از 500 تن که در این تظاهرات شرکت کرده بودند از رویهء مسئولین در بلاک نظامی این محبس شکایت کرده و آنرا غیر انسانی خواندند. یک روز قبل از این تظاهرات مردم ولایت تخار از ظلم و ستم رئیس امنیت این ولایت به ستوه آمده و خواهان برطرفی و محاکمه وی شدند.

به تاریخ 22 جنوری مصادف با روز پنجشنبه مردم ولسوالی نیش ولایت کندهار از ظلم و ستم پولیس این ولسوالی شکایت کرده و دست به تظاهرات زدند و به تعقیب آن به تاریخ 27 جنوری مردم لشکرگاه مرکز ولایت هلمند علیه فساد در این ولایت دست به تظاهرات زدند.

اعتراف به شکست:

سلسله اعترافات به شکست در جریان سالهای اخیر ادامه داشته است. در اولین روز ماه جنوری روسیه اعلان کرد که ایساف در آوردن ثبات در افغانستان ناکام مانده است. در همین روز وزیر دفاع اسبق کشور اشغالگر آلمان نیز به ناکامی ناتو در جنگ افغانستان اعتراف کرد. نمایندهء مردم خوست در پارلمان قلابی نیز در همین روز و در عکس العمل به کشتار 30 تن در محفل عروسی توسط اردوی اجیر گفت که ناتو نیز مانند شوروی در افغانستان ناکام بوده است.

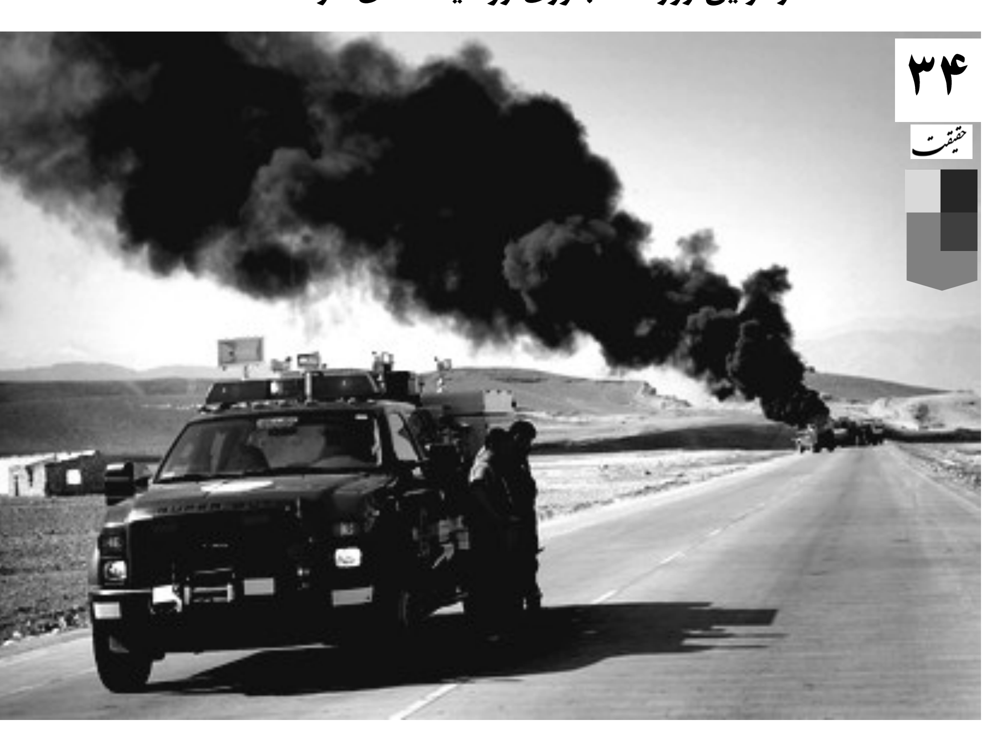
به تاریخ 5 جنوری مایک گودگل ژورنالست امریکایی در تحلیل سیاسی خود در تلویزیون ABC گفت که جنگ افغانستان از ابتدا قابل بُرد و کامیابی برای نیروهای امریکایی و اتحادیان آن نبود.

پیوستن به صف مجاهدین:

سلسله درک حقایق و پیوستن به صف مجاهدین نیز همچنان ادامه دارد. به تاریخ 21 ماه جنوری یک قریهء کامل اربکی ها در مرکز ولایت غور به مجاهدین تسلیم شدند. در جریان این ماه 169 تن از افراد منسوب به پولیس و اردوی اجیر به صف مجاهدین پیوسته اند. تفصیل و جزئیات این موضوع را میتوان در راپور ویژه کمیسیون جلب و جذب امارت اسلامی مطالعه کرد.

دست آورد شرکت سهامی عین و غین:

ادارهء مشترک اجیران از آغاز انتخابات تا کنون شعارهای فریبنده داده و مردم ساده لوح را در دام تزویر خود قرار دادند. آنان ادعا داشتند که به مجرد رسیدن به قدرت کشور را تجدید و نو آوری کرده و تمام مشکلات مردم را رفع می سازند اما واقعیت عکس آن ثابت شد که ادعا می گردد. از آغاز فعالیت این اداره تا کنون ادارات مختلف بشمول باداران شان اعتراف به فساد بیشتر شان می گردد. به همین سلسله به روز چهارشنبه 21 جنوری وزارت داخلهء ادارهء



جفای مدعی حمایت مسلمانان جهان:

کشور ترکیه که از یکسو داد از پشتیبانی و حمایت از مردم مظلوم جهان می زند از سوی دیگر در جنگ افغانستان از آغاز تا کنون نه تنها شانه به شانه با عساکر صلیب علیه مجاهدین قرار گرفته بلکه بارها فرماندهی این نیروها را نیز بدوش گرفته است. علاوه بر این جفا در حق مسلمانان افغانستان کشور ترکیه به روز سه شنبه 20 جنوری از افزایش عساکر خود در ماموریت جدید جنونی ناتو در افغانستان خبر داد. این در حالیست که مردم افغانستان توقع داشتند که ترکیه دیگر به اشتباهء خود پی برده و از هم کیشی کفار علیه اسلام دست بر میدارد.

حکایت کابینه:

حکایت کابینهء ادارهء سهامی عین و غین آنقدر پیچیده و سر در گم گردیده است که نه تنها افغان ها بلکه خارجی ها نیز از درک آنعاجز مانده و از پیگیری جریانات آن خسته شده اند.

بعد از تشکیل ادارهء سهامی بدست جان کری، مزدوران امریکایی که در رأس این شرکت قرار گرفته اند اعلان کردند تا کابینه خویش را تا سه هفته اعلان خواهند کرد اما بارها این تاریخ تمدید شد و بعد از گذشت بیشتر از شش ماه این کابینه پس از آنکه نماینده ملل متحد به تاریخ 8 با داکتر عبد الله ملاقات کرده و اوامر باداران خویش را برای وی ابلاغ کرد به تاریخ 12 جنوری اعلان گردید. در این کابینه 25 نفری بیشتر از 12 تن آن تابعیت دوگانه داشته و تعداد دیگر از آنان دارای اسناد جعلی و تقلبی می باشند. یکی از افراد شایستهء این کابینه در لست مجرمین بوده و تحت تعقیب پولیس بین المللی قرار دارد.

بعضی از اعضای پارلمان قلابی که مملوء از اعضای دارای دو تابعیت هست به فردای اعلان کابینه گفتند که بیشترین افراد پیشنهادی این کابینه غیر مسلکی و بی تجربه اند. علاوه بر این به روز چهارشنبه یک تعداد دیگری از اعضای کابینه مذکور گفتند که کابینهء پیشنهادی تماما مخالف با توقعات و انتظارات مردمی بوده است. این کابینه شامل کمونست هایی میباشد که توسط مدعیان جهاد و مجاهدین پیشنهاد شده و با مخالفت های عده یی دیگر از دین فروشان به نام اسلام و جهاد مواجه گردیدند. اسماعیل خان قوماندان وطن فروش و وزیر پیشین از عدم موجودیت به اصطلاح مجاهدین در کابینه اظهار نگرانی کرده است.

وزرای پیشنهادی به روز 20 جنوری به پارلمان معرفی شدند و به تاریخ 28 جنوری تنها 8 تن از آنان رأی اعتماد گرفتند و دیگران رد شدند.

ارمغان های دموکراسی:

دموکراسی نیز از تحفه های صلیبی و اشغال امریکایی بر کشور بوده است که تا کنون مردم ما از ارمغان های آن رنج می برند. تجاوز های جنسی، کفر گویی، ارتداد، زنا با محارم، بی حیایی و فحاشی از جمله ارمغان های دموکراسی بوده است. به همین سلسله به روز دوشنبه 12 جنوری مطبوعات از تجاوز جنسی یک شخص بر خواهر خود در ولایت جوزجان خبر دادند. دو روز بعد از این واقعه یک پولیس ولایت مذکور بالای یک طفل 6 ساله تجاوز جنسی کرد. پولیس مذکور دستگیر شده است اما تا کنون هیچ کسی با جرم های فوق الذکر مورد تعقیب قضایی شرعی قرار نگرفته است.

اماد نصاری از موقف برادران نصرانی خود دفاع کرد:

بعد از اینکه اشرف غنی داماد نصرانی ها بر کشور ظاهرا حاکم گردیده است بارها دین اسلام در این کشور مورد اهانت و تجاوز قرار گرفته است و وی یا اینکه در مقابل سکوت اختیار کرده است و یا با صدور بیانیه ای قضیه را خاموش ساخت. به همین سلسله به تاریخ 8 جنوری اشرف غنی حمله فدایان ساحت رسول الله صلی الله علیه وسلم را که بر دفتر مجله توهین کننده بر رسول الله صلی الله علیه وسلم در پاریس حمله آور شده و مرتکبین این جرم را به سزای شان رسانیده بود شدیدا تقبیح کرده و برادران نصرانی خودرا یکبار دیگر از وفاداری به دین خسران خویش مطمئن ساخت.

خائن ملی:

افغانستان در یک و نیم دهه اخیر شاهد قهرمان های زیادی بوده است که کسی را قهرمان ملی، و کسی را قهرمان دموکراسی و آزادی و غیره نامیدند. اینک اینبار عده یی خواستند تا لقب خائن ملی را نیز نثار یکی از وطن فروشان کنند. به تاریخ 7 جنوری بعضی از اعضای پارلمان قلابی ادارهء سهامی کابل اشرف غنی را بخاطر تاخیر در معرفی کابینه به این پارلمان به خیانت ملی متهم کردند و بر این اتهام امضا کردند.

په افغانستان کي

د امریکایي ښکیلاک جنایتونو ته

لنډه کتنه

میوند سادات - لیکوال او شنونکی

پر افغانستان دامریکا او ملګرو یرغل یې افغان ولس او افغانستان ته خورا درانه ځاني، مالي،عقیدوي، فکري،او کلتوري زیانونه واړول . امریکایانو »دتروریزم ضدجګړې «په نوم افغانستان کي ملکي او دولتي بنسټونه دبرید هدف وګرځول، حتی ملکي هوايې ډګرونه،روغتونونه، راډیویې ستیشنونه،ښوونځي اومدرسې یې هم معاف!! نه کړې او په یو مخیزه توګه یې په دولتي ودانیو اوعام المنفعه تاسیساتوړانده بمونه او راکټونه واورول .

یرغلګرو ځواکونودداخلي مزدورانو په ملاتړ پر افغانستان دوحشیانه حملې له پیل څخه تر اوسه پوري – چي څه باندي دیارلس کاله تېر شوي– په شپنیو چاپو او ورځنیو حملو کي په سلهاوو زره افغانان شهیدان، ټپیان،بندیان او په مختلفو بهانو په یو ډول او بل ډول شکنجه اودخپلو کورونو پرېښودلو ته اړ ایستل . دخلګو کورونه، باغونه،فصلونه او دوکانونه یې په بلدوزرونو اوبمونو کنډ وکپر اودباردو په لمبو کي وسوځول .

اشغالګرو دافغانانود جسماني ځور ونو سره څنګ کي دهغوی د معنویاتو ژوبلولو اود مقدساتودتوهین لړۍ هم خورا ګرمه وساتله، دفکري انحراف په موخه یې په مختلفو نومونوټولني او بنسټونه ایجاد کړل، تنصیري او تبشیري موسیسو ته یې دفعالیت مراکز پرانستل ، دفرهنګي یرغل جوړښتونونه اوفعالین یې تیار اوسمبال کړل .دمخدراتو (کوکنارو ،هیروئینو او شرابو) کر،قاچاق او استعمال ته یې زمینه برابره کړه ، دسازو سرود ،فحشاء ونڅامحفلونه یې اغاز کړل او دارتداد او انحراف وسایل اواډې یې تکمیل او تمویل کړې او .....

یرغلګر او جنګي جنایتونه:

نیواکګروځواکونو په افغانستان کي ټول انساني حقوق، بشري نورمونه اوبین المللي قوانین تر پښو لاندي کړل، په توره بوره ، شاه کوټ ،هلمنداو..... کي یې کیمیایې او بیلوژیکي وسلې استعمال کړې،په کروز راکټونو او کلسټر بمونویې بشپړ– بشپړ کلي وران کړل اوپه ډله ییزه توګه یې ښځي ،ماشومان او بوډاګان شهیدان اوټپیان کړل .

اشغالګرو د مسلمانانو مقدس کتاب قران عظیم الشان په ځلونو وسوځاوه ،مسجدونو کې د بوټانو سره وګرځیدل، په سپیانو یې تلاشي کړل ،په فوټبال ګیند یې د توحید کلمه ولیکله او بیا یې ماشومانو ته د لوبو لپاره ډالۍ کړه او.....

یرغلګرو ځواکونو په وار- وار پر ودونو، ختمونو ،جنازو او مېلو خروار- خروار بمونه وغورځول، آن په یوه -یوه حمله کې یې په ارزګان، ننګرهار، نوریستان، کونړ، کندهار، هلمند، غزني ،میدان وردګ ،کندوز،هرات،پکتیا، لوګر، فراه او... ولایتونو کې په سلهاوو ولسي هیوادوال شهیدان او ټپیان کړل.

په ۲۰۱۱ز،کال کې د کابل څخه کندهار ته تللي حکومتي پلاوي په خپل څیړنیز راپور کې په ډاګه کړه چې د کندهار په پنجوایي،ژړۍ او ارغنداب ولسوالیو کې د یرغلګرو د امید په نوم عملیاتو کې ملکي خلګو ته سل ملیونه ډالره زیان رسیدلی دی، د امید په عملیاتو کې د انارو او انګورو ډېر زیات باغونه په لوی لاس اره او په بارودو لوله په شول.

د استرالیا ډیلي میل ورځپاني د ۲۰۱۱ز،د جنوري دیویشتمې نېټې په ګڼه کې خبرورکړ ، چې ایتلافي ځواکونو د کندهار ولایت د ارغنداب ولسوالۍ پریو کلي پنځه ویشت (۲۵) ټنه بمونه غورځولي دي چې له امله یې دغه کلی چې د ترکوپه کلاچه مسمی دی، په بشپړه توګه نړیدلی او له مځکې سره برابر شوی دی .ورځپاڼه لیکي :کله چې د جنرال ډیویډ فلاین تر قوماندې لاندې عسکرو پر طالبانو دوې پرله پسې شدیدې حملې ترسره کړې چې بالاخره ونه توانیدل پرمختګ وکړي ،خوپوځیان یې سخت وډاریدل ،نوپر کلي یې د بمبارقومانده ورکړه چې، په پایله کې یې یاد کلی په مکمله توګه وران او لوټې لوټې شو.

تردې وروسته د یرغلګرو ځواکونو د یوبل جنایت څخه هم پرده پورته شوه هغه دا چې د مزدور رژیم چارواکو یې اعتراف وکړ چې : سوله ساتو !! دوستانو یې د غزني ولایت د شنې سیمې »بند سرده «څلورزره ونې رېبلې دي ،حال دا چې عیني شاهدان وایې چې اشغالګرو د بند سرده تر څلورزره څو واره زیاتې ونې چپه کړې دي .

د هیواد په مختلفو ولایتونو کې د کندهار د دغه یاد شوي کلي او د غزني د بند سرده په څېر ځنګلونه، بڼونه او ابادې سیمې په امریکایي بمباریو کې ویجاړې شوې او د مځکې له مخه غیبې شوې دي .

اشغالګر،د بیان ازادي او عقیدوي ارتداد:

پر افغانستان د امریکایي ا ستعمار له یرغل سره د نیواکګرو تروزونو لاندې د ارتداد اوبې دینۍ ګڼ سازمانونه او فعالین افغانستان ته راغلل،دوی د تعلیمي ، فرهنګي اوبشري مرستو د موسیسو په نوم د ارتداد او لادینیت د پیلي کولو او خپرولو هڅې په کابل او ولایتونو کې پیل کړې،ددوی له دې کرغیړنو هڅو هغه وخت لا پرده پورته شوه چې د ۲۰۰۷ کال کې طالبانو په غزني کې د جنوبي کوریا ۲۳ تنه عیسوي مبلغین ونیول ،دوی پر خپل جرم رسمي اعتراف وکړاو په دې شرط خوشي شول چې له افغانستانه به کوریایي عسکر او مبلغین وځي او دلته به نور خپل فعالیت نه کوي.

په افغانستان کې د تنصیري او تبشیري ټولنو د فعالیت نتیجه وه چې افغانستان غونډي سنتي او شهید پروره خاوره کې د عبدالرحمن په نوم یو کس په ښکاره له اسلام څخه واوښت او د ارتداد اعلان یې وکړ، عبدالرحمن د کرزي رژیم ونیوا و د محکمې له خوا لومړی په اعدام او بیا په شل کاله بند محکوم شو، خوڅوورځې وروسته د کرزي په ځانګړي فرمان په دې نوم چې د عبدالرحمن د ماغي توازن برابر نه دی خوشي شو، نوموړی مرتد د خوشي کیدو سره سم د ایټالیې سفارت له خوا په خصوصي الوتکه کې ایټالیې ته ورسول شو او هلته یې فوق العاده اعزاز وشو.

بل کس پرویزکامبخش ځچي داسلام دسپېڅلي دين داحکامواوپه هغوکي يې و بنځوته دورکړل شووحقوقوپه اړه يوه توهين اميزه ګمراه کونکې مقاله ليکلې اوبيايې پر خلګوويشلې وه، کامخبش ته هم دستري محکمې له لوري داعدام اوبيا شل کاله حبس سزا واورل شوه.دکامبخش نيول کيدودکابل اداري پرضدپه نړيواله کچه خوراپراخ غبرګونونه راوپاورل اوډيرومدني اوبشري ټولنواونړيوالوسازمانونوله خوادکامبخش نيول دبيان دازادۍ سره مخالفت اوډيموکراسۍ داصولوخلاف يوعمل وبلل شواوټولوپه يوه خوله دکابل څخه دهغه دفوري خوشي کيدوغوښتنه وکړه .کامبخش هم ترڅه وخت بند تېرولووروسته دکرزي ديومحرم فرمان له مخې معاف اوله زندانه ازادکړل شو.

دريم کس غوث زلمی ځ چي دقران کريم داصلي (عربي) متن څخه پرته يې په دري ژبه دقران کريم تحريف شوې ژباړه چاپ اومفته توزيع کوله ، زلمي هم دخلګو دتېرايستلوپه موخه لومړی ونيول شواوسزا ورته واورل شوه اوبيا دبيان ازادۍ ته په احترام ازادشو، دغوث زلمي په نيول کيدوهم په افغانستان کي دښکېلو هيوادونواستازواوسفارتونواندېښنه څرګنده کړه اوداېې دبيان دازادۍ خلاف عمل وباله .دلوي څارنوالۍ يوې سرچينې رسنيوته وويل چي: دبهرينوسفارتونواوډژورنالستانودټولنودفشارله وجي کرزي دغوث زلمي دخوشي کيدوفرمان صادرکړ.

دپورته يادووشوکسانوسربيره علي نسب محقق،قاري مشتاق، پيمان ورځپاني او اوس ايکسپريس ورځپاڼي دتوحيد څخه انکاروکړاو داسلامي احکامو اوشعايرو دسپکاوي هڅې يې وکړې، خوپه يادوو شووکسانو او ورځپاڼوکي هيڅ چاته هم سزا ورنه کړل شوه ، ځکه يرغلګرځواکونه په مستقيمه او غير مستقيمه توګه دتنصيري اوتبشيري ټولنواو نورو ګمراه کونکو بنيادونوترشا ولاړ دي او هراړخيز ملاتړيې کوي .

ويل کيږي چي په تېره لسيزه کي په زرهاوو افغانان عيسويان شوي او باداران يې غواړي چي په راتلونکي کي يې په افغانستان کي ديو عيسوي اقليت په توګه مطرح اوتثبيت کړي .

نيواکګر، د شرابو، ترياکو او هيروئينو ترويج :

دطالبانو دواکمنۍ پرمهال دطالبانودمشر ملامحمد عمر مجاهدپه فرمان په افغانستان کي دکوکنارو کښت په يو مخيزه توګه بندشو ، خوديرغلګرو په راتګ سره دکوکنارو کرد هيواد په لر اوبر کي دومره پراخ شو چي په لومړي ځل په هغو سيموکي هم کوکنار وکرل شول چي مخکي دغه منحوس بوټي پکي ليدلی شوی هم نه



ځ.دراپورونو په حواله اوس دنړۍ ۹۰سلنه ترياک ديرغلګرو په شتون کي په افغانستان کي توليديږي .

همدا راز دنيواکګروله برکته !! په افغاني پاکه ټولنه کي هم دشرابو شرکتونه اوکارخانې فعالي شوې،چي په پايله کي يې ترافيکي وژونکي پيښې او اخلاقي فساد په بيساري ډول زيات شو . په تاسف سره دا وخت ددولتي احصائيو له مخې تر يو مليون ډير افغانان دمخدراتو معتاد دي چي نه يې دمخنيوي کوم پروګرام شته اونه يې هم ددرملني مراکز .

یرغلګر ،فکري او فرهنګي تجاوز :

یرغلګرو ځواکونو په تېره لسیزه کې دبرېښنایي او چاپي رسنیو او مدني ټولنو لارې د اسلامي ارزښتونو او افغاني دودونو دبې ارزښته کولو په موخه ډېري منډې تړرې وکړې ، ددوی له لوري تمویلېدونکې رسنۍ شپه او ورځ دهالیووډ او بالیووډ فحش سریالونه او ګمراه کونکي فلمونه دخلګو ننداري ته وړاندي کوي، په خبري او تحلیلي خپرونو کې یې هغه مسلمان چې په دین یې پوره عمل کړې وي افراطي او انتهاپسند بلل کیږي ، دین دوروسته پاته والي عمده عامل ګڼي او په سنت او افغاني دودیزو جامو او کلتور پسخند وهي .

په استعمارپلوه رسنیو ،غونډو او مشاعرو کې له یرغلګرو سره زموږ تاریخي جهادونه بې فایدې جنګونه بلل کیږي ، داحمدشاه بابا ، میرویس نیکه، وزیر اکبر خان ، ایوب خان ،محمدجانخان ، ملامشک عالم، ملالۍ اوغازي ادې کارنامې او حماسې لمانځل او یادول افراطیت ته کمپاین ګڼي او دافغان ولس روان فرض عین جهاد دګاونډیانو نیابتي جګړه نوموي . دیرغلګرو فکري او فرهنګي تجاوز ځیني پوچ مغزي نس ماران داسي لار ورکي کړل چي اوس خپل هرڅه ته دشک په سترګه ګوري او دغرب هره ناتراشه دپرمختګ راز ګڼي .

یوه اړینه یادونه :

لوستونکو ته بهتره معلومه ده چي صلیبي ترویستي ټلوالي پر افغانستان نه یوازي پوځي یرغل کړې ،بلکي سربېره پردې یې عقیدوي – فکري او فرهنګي تجاوز خورا اندېښنې وړ دی ؛ځکه چي پوځي تېری دمادي اسبابو په مټ تریوې محدودي زمانې پوري پایښت کولای شي ،خوبرعکس عقیدوي ،فکري اوفرهنګي استعمار تر پېړیو پېړیو خپله بقاساتلای شي .دبېلګې په توګه لسیزي وړاندي دکمونیزم دپلي کونکي ځواک (وارسا)جنازه خاورته وسپارل شوه ؛خود کمونیزم ایډیالوژي او دمارکسیزم فلسفه اوس هم په نړۍ کې په دولتي او شخصي کچه ژوندۍ ده.

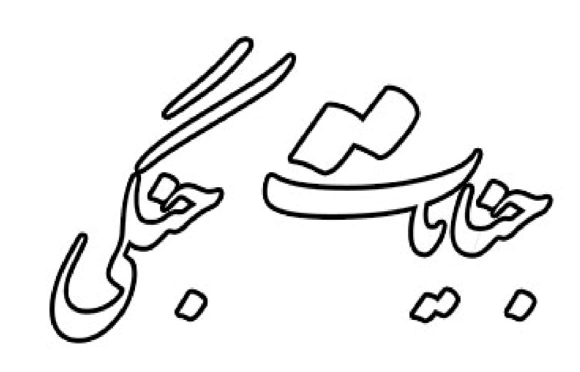
نو بناً په ګران هیوادافغانستان کي دصلیبي اشغالګرانو پرضد بایدپه هرمحاذکي مقابله وکړل شي .مخصوصاعلماءکرام ،پوهان اودرانه قلموال بایددې ټکي ته ډېر ځیر و اوسي او وخت پر وخت باید د خپلو ویناوو او لیکنو له لاري بیچاره هیوادوال په ځانګړې ډول ځوان کهول دصلیبي یرغلګرانو دتوطیو او دبیان دازادۍ په نوم یې دتنصیري او تبشیري ګمراه کونکو ټولنو له ناوړه عزایمو څخه خبرکړي او ددفاع لاري چاري یې ورته په ګوته کړي .ترڅو که خدای جل جلاله کول له یوې خوا خپل مسؤلیت اداکړل شي او له بلې خوا په راتلونکي کي د اسلام د دښمنانو شومي موخي شنډې او تباکونکي پلانونه یې خنثی شي .

خلاصه :

دامریکا په مشرۍ معاصر استعمارزموږ دګران هیواد په ګډون دنړۍ په نورو برخو کې هم داسي جنایتونه تکرار کړي چي ژبه یې په بیانولو او قلم یې په لیکلو پسې نه رسیږي، لنډه داچي معاصر مهذب استعمار دخپلواکو ولسونو ازادي په خوراوحشت سره سلب کړه، مځکي یې غصب کړې،په انفرادي او ډله ییزه توګه یې قتل عامونه ترسره کړل، انساني حقونه یې تر پښو لاندي کړل او بین المللي او بین الدولي مقررات یې په پرله پسې ډول نقض کړل . یرغلګران چي په راس کي یې



دامریکا متحده ایالات راځي اوس که په خوله هر څومره او هر ډول دانسان دوستۍ ،بشري حقونو، مساوات، عدالت او قانونیت ناري ووهي ووهي څوک به یې ونه مني، ځکه دوی د عمل په ډګر کي جنګي جنایتکاران، قاتلان ،دبشري حقونو ناقضین، مفسدین، ظالمان ،غاصبان او دروا غجنان ثابت شول.



خوانندگان گرامی همچنانکه می دانید در طول دوازده سال گذشته به این سو، دشمن اشغالگر بطور روز مره بازار قتل ، کشتار و توهین به مقدسات ملت آزاد افغانستان را گرم ساخته است و با تبلیغات مذبوحانه در صدد مخفی کردن این جنایات است و با تمام قدرت مالی و تبلیغاتی و سیاسی خویش مجاهدین را متهم به این جنایت می کند ، بناء ما تلاش کردیم تا گوشه ای از این جنایات را که در طول ماه های فبروری و مارچ توسط این جنایت کاران صورت گرفته است از رسانه های آزاد گرد آوری نموده و خدمت شما تقدیم کنیم تا حقیقت آنچه در افغانستان به وقوع می پیوندند برای همه آشکار شده و چهرۀ مکروه و زشت این مدعیان حقوق بشر برای همه واضح و عیان شود .

در ماه دسمبر ۲۰۱٤م و جنوری ۲۰۱۵م

سید سعید

بتاریخ اول دسمبر سال 2014 میلادی عساکر اشغالگر به همکاری نظامیان افغان در هنگام چاپه بر منطقهء وزیر در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار دو فرد ملکی را شهید کرده و هشتاد 80 تن از افراد ملکی را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ سوم دسمبر در منطقهء شپچان ولسوالی جرم ولایت بدخشان عساکر داخلی دو نوجوان را دستگیر و به شهادت رساندند.

بتاریخ چهارم دسمبر عساکر اجیر داخلی و اشغالگران خارجی در منطقهء مملی ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار در هنگام چاپه چهار 4 فرد ملکی را شهید کرده و ده 10 تن دیگر را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ چهارم دسمبر ملیشه های اربکی در منطقهء کوتالی ولسوالی علیشنگ ولایت لغمان دو فرد ملکی را از موتر پیاده کرده و یکتن از آنان را شهید و دیگر را زخمی کردند.

بتاریخ چهارم دسمبر در مربوطات ولسوالی یمگان ولایت بدخشان ملیشه های اربکی یک ریش سفید منطقه را شهید کردند.

بتاریخ ششم دسمبر اشغالگران خارجی در امتداد سرک میدان هوائی و شهر قندهار دو فرد ملکی که در حال عبور از سرک بودند را شهید کردند.

بتاریخ هشتم دسمبر در ساحهء جوی کنج ولسوالی بالا مرغاب ولایت بادغیس عساکر داخلی بعد از جنگ و درگیری با طالبان شش تن از باشندگان منطقه بشمول یک ریش سفید و یک کودک 10 ساله را دستگیر و زندانی کرده که زندانیان مورد شکنجه و لت وکوب شدید قرار گرفتند.

بتاریخ نهم دسمبر در ساحهء قلعهء گز ولسوالی گرشک ولایت هلمند عساکر داخلی در حملهء هاوان که بر خانه اصابت کرد ، دو تن از دوکانداران شهید گردیده و یکتن دیگر زخمی گردید.

بتاریخ دهم دسمبر اشغالگران خارجی بر میدان والیبال که جوانان در ان مشغول بازی بودند در قریهء جمبت خیل منطقهء دره سیدان ولسوالی سیاه گرد ولایت پروان بمباری کردند که در نتیجه پنج 5 تن از جوانان بنامهای بورجان، وثیق، خیرالله، اسماء الله، و علی گل شهید شدند.

بتاریخ چهاردهم دسمبر در منطقهء باغکی ولسوالی خاکریز ولایت قندهار در نتیجهء فیر مرمی هاوان که بر مناطق مسکونی اصابت کرد، دو تن از باشندگان ملکی به شهادت رسیدند.

بتاریخ بیست و یکم دسمبر در قریهء غبرگون ولسوالی شلگر ولایت غزنی ملیشه های اربکی ، اعضای خانوادهء حاجی اسحاق را بزور از منزلشان بیرون کرده و در آن پوسته ایجاد کردند.

بتاریخ بیست و یکم دسمبر در قریهء خسر ولسوالی نرخ ولایت میدان وردگ عساکر اجیر داخلی بر مردم ملکی در قریه فیر نمودند که در نتیجه یک زن و یک کودک به شهادت رسیدند.

بتاریخ بیست و یکم دسمبر در قریهء شیله ولسوالی گیرو ولایت غـــزنی ملیشه های اربکی یکتن از باشندگان قریه بنام عبدالحمید را از منزلش بزور بیرون کرده و به شهادت رساندند.



بتاریخ بیست و سوم دسمبر در ساحهء بروتیان ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا در نتیجهء حملهء هاوان عساکر اجیر داخلی یک 1زن و سه3 کودک شهید گردیده و سه3 زن و چهار4 کودک زخمی شدند.

بتاریخ بیست و سوم دسمبر در قریه جمجو ولسوالی خوشامند ولایت پکتیکا عساکر پولیس یک ریش سفید بنام حاجی سید را به شهادت رساندند.

بتاریخ بیست و ششم دسمبر اشغالگران خارجی بر یک منزل دو طبقه در منطقهء آبجوش ولسوالی برکی برک ولایت لوگر بمباری کردند که در نتیجه پنج 5 تن از هموطنان ملکی شهید گردیده و پنج 5 تن دیگر زخمی شدند. این واقعه همراه با کشته و زخمی های این رویداد را مقامات اجیر نیز تائید کرده اند.

بتاریخ بیست و ششم دسمبر در قریهء گودلو ولسوالی یحیی خیل ولایت پکتیا ملیشه های اربکی یک مدرسهء دینی (نجم المدارس) را به همراه منازل استادان مدارسه تخریب کردند، به گفته ء شاهدان عینی اربکی ها بعد از حمله بر مدرسه تمام اجناس و اساس مدرسه را به پوسته انتقال دادند و بعد از ان مدرسه را تخریب کردند، اربکی ها همچنین مهتمم مدرسه (مولوی محمد یعقوب آخندزاده) و دیگر استادان را تهدید کرده اند که اگر منطقه را ترک نکنند، او را خواهند کُشت.

بتاریخ بیست و هشتم دسمبر عساکر اجیر داخلی در ساحهء گرماوک ولسوالی میوند ولایت قندهار بر یک منزل مسکونی حملهء راکتی انجام دادند که در نتیجه سه 3 کودک در ان به شهادت رسیدند.

بتاریخ بیست و هشتم دسمبر در ساحهء عمر خیل ولسوالی نرخ ولایت میدان وردگ در نتیجهء فیر مرمی های هاوان عساکر داخلی که بر ساحهء مسکونی اصابت کرد، دو فرد ملکی شهید گردیده و پنج 5 تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ بیست و نهم دسمبر در ساحهء تنگی در منطقهء پای ناوه در مربوطات مرکز شهر ترینکوت در ولایت ارزگان عساکر داخلی دو کودک خردسال که عمرشان در حدود 13 سال بودند را به شهادت رساندند، طبق گفته های شاهدان عینی این دو کودک دو هفته پیش از سوی عساکر پولیس دستگیر و زندانی شده بودند که بعد از دو هفته اجسادشان در منطقه یافت شده است.

بتاریخ بیست و نهم دسمبر در قریهء حاجی پیر محمد در منطقهء قلعهء گز ولسوالی گرشک ولایت هلمند عساکر داخلی توسط هیلی کوپتر نظامی یک زن و دو 2 کودک را به شهادت رساندند و یک کودک ویک زن دیگر در این رویداد زخمی گردید.

بتاریخ سی ام دسمبر در ساحهء توغی ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند عساکر داخلی یک فرد ملکی بنام قدرت الله ولد حاجی محمد را که در حال رفتن به مسجد برای ادای نماز بود به شهادت رساندند.

بتاریخ سی و یکم دسمبر در ساحهء عربای ولسوالی خوشتیپه ولایت جوزجان عساکر اجیر داخلی بعد از جنگ با طالبان دو کودک که در ان ساحه در حال بازی بودند را به شهادت رساندند.

بتاریخ سی و یکم دسمبر در ساحهء باینزی منطقهء ساروان قلعه ولسوالی سنگین ولایت هلمند در نتیجهء فیر مرمی های هاوان عساکر اردو که بر منزل محمد آکا اصابت نمود، بیش از صد تن از زنان و کودکان به شهادت رسیدند، این حمله در حالی صورت گرفته است که زنان و کودکان برای انجام مراسم عروسی در خانهء محمد آکا جمع شده بودند و عساکر اجیر قصدا منزل ایشان را هدف گرفتند که بیش از پنجاه 50 تن که اکثریتشان زنان و کودکان بودند شهید گردیده و بیشت از صد 100 تن دیگر زخمی شدند.

مردم این ولسوالی برای اظهار نفرت و انزجار از این وحشت عساکر اردو و پولیس به مرکز شهر لشکر گاه امده و مظاهره ء بزگری را ترتیب دادند، مظاهره کنندگان میگفتند که تا زمان مجازات عساکر مجرم به تظاهرات خود ادامه خواهند داد.

بتاریخ چهارم ماه جنوری سال 2015 میلادی در منطقهء کوره تاج مربوط مرکز ولایت کاپیسا خانهء سه تن از باشندگان منطقه بنام های میرزا محمد، آغاگل و برادر آغا گل از سوی وکیل پارلمان (حبیب افغان) سوزانده شد.

بتاریخ ششم جنوری در منطقهء شوریک ولسوالی مانوگی ولایت کنر در حملهء درون(بی پیلوت) اشغالگران خارجی دو تن از افراد ملکی (سلطان سید و پسر-ش) به شهادت رسیدند.

بتاریخ ششم جنوری در منطقهء کاریز شغزو در ولسوالی نوزاد ولایت هلمند مرمی هاوان عساکر اجیر داخلی بر خانهء محمد صادق اکا اصابت نمود که در نتیجهء انفجار آن یک کودک شهید و سه زن و یک کودک دیگر زخمی شدند.



بتاریخ ششم جنوری در ساحهء خلج ولسوالی گیزاب ولایت دایکندی در فیرهای مرمی های هاوان از سوی عساکر اجیر داخلی یک دختر یازده ساله به شهادت رسید.

بتاریخ نهم جنوری اشغالگران خارجی به همکاری اجیران داخلی در مناطق زمرخیل ، مورگی ، لند خیل، لتی قلعه و قلعهء شور لالا حمله کردند، در این حمله و چاپه اشغالگران دو فرد ملکی را شهید نموده و سه صد تن را دستگیر کردند، بعد از جملهء افراد دستگیر شده ، پنجاه تن از جوانان را با خود برده و زندانی کردند، و دیگران را بعد از شکنجه و لت و کوب آزاد کردند، طبق گفته های شاهدان عینی نیروهای مشترک در هنگام تلاشی خانه ها اجناس قیمتی و پول نقد را نیز دزدیده و برده اند.

بتاریخ دهم جنوری اربکی ها در قریهء بلو خیل در نزدیکی شهر شرنه مرکز ولایت پکتیکا یک فرد ملکی را شهید کردند.

بتاریخ دوازدهم جنوری در مربوطات ولسوالی صبری ولایت خوست عساکر داخلی در فیر مرمی های هاوان سه دختر نوجوان را زخمی کردند.

بتاریخ دوازدهم جنوری باشندگان ولسوالی گرزوان ولایت فاریاب از رفتار نادرست و زشت اربکی ها شکایت کردند، مردم میگفتند که ملیشه های اربکی در ساحات مختلف ولسوالی مردم بیگناه را کشته، شکنجه و لت می کنند و اموالشان را دزدی می کنند، آنها از حکومت میخواستند که یا باید آنان را از شر اربکی ها نجات دهند و یا بر علیه آنان قیام خواهند کرد.

بتاریخ چهاردهم جنوری در قریهء غبرگون ولسوالی شلگر ولایت غزنی ملیشه های اربکی یک کودک یازده ساله بنام فدامحمد ولد خیال محمد را از خانه اش بیرون کرده و در جلو مسجد قریه به شهادت رساندند.

بتاریخ شانزدهم جنوری در ساحهء سیاو ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار ملیشه های منفور اربکی یک فرد ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ هفدهم جنوری در حملهء بی پیلوت طیارهء اشغالگران خارجی در ساحهء چنگور ولسوالی لعل پور ولایت ننگرهار سه فرد ملکی به شهادت رسیدند.

بتاریخ هفدهم جنوری در ساحهء مارو ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار در فیر مرمی های هاوان عساکر داخلی سه فرد ملکی زخمی شدند.



بتاریخ هجدهم جنوری در بازار ولسوالی یحی خیل ولایت پکتیکا اربکی ها یک دکاندار بنام شهاب الدین ولد جلا الدین را در دوکان خود به شهادت رساندند.

بتاریخ نوزدهم جنوری در ساحهء میرزاخیل وزیر ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار نیروهای اشغالگر بمبار کردند، در این بمباران اشغالگران دو زن ، یک کودک و مرد به شهادت رسیدند.

بتاریخ بیست و ششم جنوری در ساحهء گورتیپه ولسوالی خواجه غار ولایت تخار عساکر داخلی در هنگام عملیات یک فرد ملکی را شهید و یکتن دیگر را زخمی کردند.

بتاریخ بیست و ششم جنوری در ساحهء مسکین آباد ولسوالی شیندند ولایت هرات عساکر محلی یک هموطن ملکی را شهید کردند.

بتاریخ بیست و ششم جنوری در ساحات حصار شاهی، قلعهء باند، تتنگ عساکر داخلی یکصد و پنجاه تن از هموطنان بشمول ریش سفیدان و جوانان را تا عصر در یک حولی زندانی کردند و بعد از آن لت و کوب کردند، همچنین عساکر از خانه ها و اشخاص پول نقد، زیورات و اجناس قیمتی را دزدیده و از منطقه خارج شدند.

بتاریخ بیست و هشتم جنوری در منطقهء خواجه خدر اوشیوان ولسوالی بالا بلوک ولایت فراه عساکر داخلی در فیر و حملات توپخانه ای ده تن از هموطنان ملکی زخمی شدند.

بتاریخ سی و یکم جنوری در منطقهء قابل بای ولایت کابل عساکر پولیس حملات و فیرهای مستقیم بر مظاهره کنندگان که بر ضد گستاخی مجلهء چارلی ابدو فرانسه تظاهرات کرده بودند، انجام دادند که در نتیجه سه تن از مظاهره کنندگان شهید و سه تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ سی و یکم جنوری در قریهء علم خیل ولسوالی شلگر ولایت غزنی اربکی ها بر خانهء یکی از باشندگان قریهء مذکور بنام غلام سخی چاپه انداختند، و در هنگام تلاشی زیان مالی برایشان وارد کردند و در آخر برادر کوچکتر او بنام عبدالله را از خانه بیرون کرده و شهید نمودند.

مراجع :

(راديوی بي بي سي ،ازادي ، آژانس اسلامی افغان ، پژواک ،ویب سایت خبریال ،لراوبر، نن ټکی اسیا-سایت خبری و بینوا)

قاری محمد یوسف احمدی
سخنگوی امارت اسلامی افغانستان

نگاه مختصر به وضعیت جنگ و موفقیت های مجاهدین در هلمند

ولایت هلمند که قبرستان عساکر دشمن است، از یک هفته بدینسو اداره مزدور کابل یکبار دیگر تلاش در ناآرام کردن ولایت مذکور دارد، که در این راستا اوباش ها و عساکر بی بند و بار خود را از ولایات دیگر نیز گرد آورده است، که اگر بتوانند در مقابل مجاهدین مقاومت کنند، اما لله الحمد از روز نخست تا به امروز در استقامت های مختلف ولایت مذکور دشمنان خارجی و داخلی زور و قوت خود را آزمایش نمودند اما کمترین دست آوری کسب نکردند که اکنون تنها بر تبلیغات دروغین تکیه نموده اند، و تلاش می کنند که از این راه به جاریان خود مورال بدهند، این کار ناممکن است زیرا عساکر آمده به میادین جنگ وضعیت را از نزدیک مشاهده و تجربه می کنند و قدم به قدم خطوط مقدم جبهات برایشان به تنور آتش تبدیل شده است و نعره های تکبیر مجاهدین، حملهء مرگبار بر دلهایشان وارد می کند و به هر سو که حرکت می کنند، با انفجار مهیب و بزرگ مواجه شده و به جهنم واصل میشوند.

آنها در شروع با مقاومت شدید در لوی ماندهء باباجی در ولسوالی گرشگ مواجه شدند و پلان آنان در آزار و اذیت نمودن مردمان ملکی و باشندگان محل نیز خنثی گردید و با از دست دادن عراده تانک از منطقه فرار کردند.

همچنین در ساحهء کمپرک عراده تانک دیگر در حملهء کمین حریق شدند و در نتیجه با استقبال هیلی کوپترهای دیگر به مرکز ولسوالی سنگین رسیدند، وقتی مجاهدین ترس و بینظمی آنان را مشاهده کردند، نتیجتا تمام منطقه را به ساحهء جنگ برایشان تبدیل کردند و همزمان با رسیدن آنان در ساحهء چرخکیان و چوک مرکز مجید کاروان های آنان را تحت حملات کوبنده و مرگبار قرار دادند و عساکر مزدور دیگر را در منطقهء پان کیلی زیر باران مرمی و آتش گرفتند ، تانک زرعی شان طعمهء حریق گردید و با تحمل تلفات و خسارات دشمن تصمیم گرفت تا ساحهء جنگ را عوض کنند اما الحمد لله قبل از اینکه بتوانند خود را به منزل مقصود برسانند در منطقهء شورشورک ولسوالی ناوه از سوی مجاهدین بر آنان حملهء ناگهانی صورت گرفت که بشمول هلاکت قوموندان بدنام ضیاء الحق تعداد کثیری از عساکر دشمن کشته شدند و همچنین در ساحهء خواجه بابا/خلج یک موتر ینجر و چندین عسکر از بین رفتند. علاوتا در استقامت دبری در منطقهء ساروان قلعه نیز زیر حملات مجاهدین قرار گرفتند که در این جنگ قوموندان وکیل که مشهور به آکا بود کشته شد.

در منطقهء استیشن نیز یک تانک و در ساحهء خانان یک تانک دیگر هدف قرار گرفته و از بین رفت. همچنین در زیدانان نیز بر عساکر حملات صورت گرفت و در منطقهء شکر شیلی / آتن تلیفون نیز دشمن مورد حملهء مجاهدین قرار گرفت، که یک تانک دشمن تخریب گردیده و حملات و انفجار بر عساکر صورت گرفت که عساکر زیادی به قتل رسیدند.

در ماندهء وزیر نهر سراج بر عساکر تازه نفس حملاتی صورت گرفت که میخواستند خود را به خطوط مقدم جنگ برسانند که در نتیجه دو موتر کاماز و عسکر سوار در ان کشته شدند و در تاغز و قلعهء نو خانشین نیز یک تانک و یک رینجر تخریب گردیده و جلو دشمن از پیش روی گرفته شد.

در ساحهء آسمانیان در ولسوالی موسی قلعه نیز آنگروه از عسکری که میخواستند به کمک همکاران شکست خوردهء خود بروند ، زیر باران آتش مجاهدین قرار گرفتند و مجبور به عقب نشینی شدندو علاوه بر این در ساحهء حمام حاجی نظام الدین در بازار سنگین و عیدگاه بر دشمن تهاجمات در اماتیک صورت گرفت و هم در ساحهء شکر شیلی دشمن زیر حمله آورده شد که رحمان گل معاون کندک سوم سخت زخمی گردید و در قلعهء مختار در مرکز لشکرگاه، جزتامهای دشمن تحت حملات مجاهدین قرار گرفت.

در ساحهء چوغکی در قلعهء گز ولسوالی گرشک با استفاده از تاریکی شب بر عساکر پیاده حملات مرگبار صورت گرفت که مجبور به فرار توسط هیلی کوپترها از صحنه شدند که بعد از آن بر منطقه بمباران شدید انجام دادند که در نتیجه زن و کودک زخمی شده اند، دشمن که دیگر توان جنگ و پیشروی را در این مناطق از دست داد، با تغییر مسیر بصورت مجموعی به طرف مارجه حرکت و سوق الجیش کردند.

در ولسوالی مارجه در ساحات تریخ ناور، چهار راهی وکیل وزیر، ساحهء سیمیتی، بلاک حاجی محمد اکا، پمپ، ساحهء یازده و در تورخیلان سیستانی جنگ های خونینی و مرگباری با دشمن صورت گرفت که تا اکنون نیز ادامه دارد و تاکنون تانک دشمن و عسکر مزدور و قوماندان عبدالمالک بلوچ نیز کشته شدند و تعداد کثیر دیگر از دشمن زخمی شدند.

امروز صبح نیز در ساحهء متری چوغک در ولسوالی سنگین نیز یک تانک دشمن توسط انفجار ماین از بین رفت و عساکر سوار در ان کشته شدند.

ما امیدواریم که به نصرت خداوند متعال همانند گذشته اینبار نیز دشمن شکست سنگین و شرمساری را متحمل گردیده و خواهد گردید، ان شاء الله دشمن شکست خواهد خورد و موفقیت و پیروزی از آن داعیان غیور اسلام خواهد بود. (وماذلک علی الله بعزیز)

در سال ۲۰۱۴ میلادی ۳۵۴۵ تن از منسوبین ادارۀ کابل به امارت اسلامي پیوستند

امارت اسلامی افغانستان به منظور بیرون کردن اشغالگران



وحشی و ایجاد نظام اسلامی و ملی در جریان مقاومت جاری در کنار فعالیت های سیاسی، فرهنگی، تعلیمی تلاش های جلب و جذب و دعوت و ارشاد را نیز گسترش داده است، مجاهدین غیور امارت اسلامی همانند سالهای گذشته ، علاوه بر دست آوردهای بزرگی در عرصهء نظامی، سیاسی، مطبوعاتی و فرهنگی در میدان دعوت و ارشاد نیز کامیابی ها و موفقیت های شایان ذکری را حاصل نموده است، در جریان هر ماه از سال 2014 میلادی در ولسوالی ها و ولایات مختلف کشور در نتیجهء تلاش های کمیسیون دعوت و ارشاد و همکاری مجاهدین منطقه صد ها تن از اراکین و منسوبین ادارهء کابل از صفوف رژیم مزدور جدا گردیده و به آغوش امارت اسلامی مراجعه می کنند.

عالیقدر امیر المومنین حفظه الله زعیم امارت اسلامی افغانستان در پیام های عید به کرات به افغان هایی که مشغول وظیفه با ادارهء کابل هستند ، اعلام داشته است که از حمایت و همکاری با اشغالگران و رژیم مزدور و دست نشاندهء انان دست بردارد و به آغوش ملت رجوع کنید، افغانان بیدار و هوشیار به این درخواست آمیر المومنین لبیک گفته و وظایف خویش در رژیم دست نشانده را رها کردند، تعدادی به زندگی شخصی خویش مصروف شدند و تعدادی نیز بخاطر دفاع از اسلام و کشور به سنگرهای جهاد و روی آوردند.

در جریان سال گذشتهء 2014 میلادی کمیسیون جلب و جذب ، دعوت و ارشاد امارت اسلامی و همکاری مجاهدین امارت اسلامی در شرق، غرب ، شمال و جنوب کشور در مجموع سه هزار و پنجصد و چهل و پنج (3545) تن هموطنان با احساس بعد از درک حقائق از حمایت اشغالگران و همکاری با رژیم دست نشانده دست برداشته و به صفوف مجاهدین امارت اسلامی پیوستند.

هموطنان یکجا شده با امارت اسلامی همراه خود سلاحهای مختلف النوع سنگین و سبک ، وسایل، مخابره، وسایط نقلیه و مهمات کثیری نزد مجاهدین آوردند.

تفاصیل و شهرت کامل اشخاصی که در جریان سال گذشته به صفوف مجاهدین پیوسته اند را میتوانید در راپور ماهوار در ویب سایت امارت اسلامی مشاهده کنید.

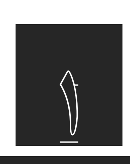
منسوبینی که از رژیم منفور کابل جدا شده به مسئولین امارت اسلامی متعهد شده اند که دیگر با دشمنان خارجي و داخلی دین و وطن خود هیچگونه رابطه ای نخواهند داشت، و بعد از این با ملت مظلوم و مجاهدین همکاری خواهند کرد، تا به نصرت الله جل جلاله هرچه زودتر از سرزمین مقدس و پر افتخار ما بستر گستردهء کفر، فسق، اشغال، فحشاء و گمراهی برچیپده شود و حاکمیت کامل اسلامی طبق خواسته و رضای ملت مسلمان ایجاد گردد که تمام افغان ها در ان مشمول باشند.

مسئولین امارت اسلامی بالخصوص ریاست کمیسیون دعوت و ارشاد، جلب و جذب برای این هموطنان ما خوش آمدید گفته، انعامات و جوائزی تقدیمشان نمود و از این اقدام اسلامی و نیک آنها ستایش و قدردانی به عمل آورد.

دکتور محمد یاسر



اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی



قسمت ۱

مقدمه:

الحمد لله حمدا طيبا مباركا فيه، كما ينبغى لجلال وجهه وعظيم سلطانه، نحمده ونستعينه ونستهديه، ونسأله أن يجنبنا الزلل فى القول والعمل ونصلي ونسلم على رسوله خير الخلق وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهديه إلى يوم الدين.

أما بعد:

امام بخاری رحمه الله در صحیح خود تحت عنوان کتاب الإیمان از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت می کند که وی از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که فرمود: »إِنَّ الحَلاَلَ بَيِّنٌ، وإِنَّ الحَرامَ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهما مُشْتَبِهاتٌ لاَ يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاس، فَمَن اتَّقى الشُّبُهات، اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وعِرْضِه، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشبُهات، وقَعَ فِي الحَرام، كالرَّاعي يرْعى حَوْلَ الحِمى يُوشكُ أَنْ يَرْتَع فِيه، أَلاَ وإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى ، أَلاَ وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمه، أَلاَ وإِنَّ فِي الجسَد مُضغَةً إذا صلَحَت صَلَحَ الجسَدُ كُلُّه، وَإِذا فَسَدَتْ فَسدَ الجَسَدُ كُلُّه: أَلاَ وَهِي القَلْبُ.«

ترجمه: "همانا حلال واضح است و حرام واضح است و در میان آن دو امور مشتبهی وجود دارد که بسیاری مردم آن را نمی دانند پس آنکه از مشتبهات بپرهیزد برای دین و آبروی خود پاکی جسته است و آنکه به مشتبهات آلوده شود، در حرام افتاده است، مانند شبانی که در اطراف چراگاه ممنوعه می چراند نزدیک است که گوسفندان در آن وارد شوند - و آگاه باشید که هر پادشاهی - چراگاهی ممنوع - دارد - و چراگاه ممنوعهء خدا چیزهائی ست که حرام نموده است - آگاه باشید که در جسم پارهء گوشتی است که اگر اصلاح شود، همهء جسد اصلاح میگردد و اگر فاسد گردد تمام جسم فاسد می گردد و بدانید که آن قلب است".

معاملات در عصر حاضر خیلی زیاد و متنوع است، در میان آن چنانچه حلال واضح و آشکار است حرام واضح و آشکار نیز وجود دارد، مگر در میان "مشتبهات" نیز وجود دارند. بجا آوردن حلال و اجتناب از حرامی که واضح و آشکار است کار ساده و آسان است و مسلمان راهی بجز اینکه به حلال تمسک بجوید و از حرام اجتناب کند اختیار دیگری ندارد مگر مشکل اساسی در مسایل مشتبه است، چنانچه در حدیث شریف ذکر شد بیشترین مردم آنرا نمیدانند.

اکنون وظیفه و مسئولیت علمای معاصر است که تحقیق عمیق کنند و حکم این چنین مشتبهات را در شریعت واضح گردانند واگر جانب حلال و حرام آنرا درک کرده نتوانستند اعلان کنند که این قضیه از فهم و درک آنان بالاتر بوده و در زمرهء "مشتبهات" باقی میماند.

مسئولیت و وظیفه فرد مسلمان نیز اینست تا خودرا از مشتبهات بدور نگهدارد و تنها به آنچه حلال بودن و حرام بودن آن واضح است عمل کند.

در عصر حاضر تمام معاملات، داد و ستد و مسایل مالی بشکل علمی آن بطور عموم زیر عنوان اقتصاد مطالعه و بررسی میگردد و از نگاه دین اسلام اقتصاد به دو بخش اسلامی و غیر اسلامی تقسیم میگردد. ما بخاطر روشن ساختن موضوع و وضاحت بیشتر بغرض استفادهء سالم مسلمانان از مسائل اقتصادی به توضیح اقتصاد اسلامی می پردازیم.

تعریف اقتصاد اسلامی:

اقتصاد در لغت به معنای میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کار است . در آیه »وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ «نیز به همین معنی اشاره شده است.

اقتصاد علمی است که از چگونگی مدیریت و استفاده از موارد اقتصادی کمیاب برای انتاج آنچه از مال و خدمات برای اشباع حاجات انسانی صورت میگرد بحث میکند.

و اقتصاد اسلامی مجموعهء از مبادئ و اصولی است که فعالیت های اقتصادی دولت را که در قرآن، سنت و مصادر دیگر شرعی ذکر گردیده است و تطبیق آن با در نظرداشت حالات زمان و مکان ممکن میباشد اداره میکند.

مجموعهء از اصول عام است که از مصادر شرعی استخراج میگردد و برای بنای اقتصادی که بر اساس این اصول در هر عصر مطابق حالات زمان و مکان برپا میگردد استفاده میگردد.

از این تعریف ها معلوم میشود که اصول و مبادئ اقتصاد اسلامی که در مصادر شریعت وارد شده است تغییر و تبدیل را نمی پذیرد و برای هر زمان و مکان بدون در نظرداشت تغییر حالات قابل اعتبار میباشد.

اهمیت اقتصاد در اسلام:

اسلام به عنوان یک دین شامل و کامل همه جوانب زندگی را در بر گرفته و هر جانبی را مناسب به حال آن مهم دانسته است. اقتصاد نیز در اسلام جایگاه خاص خودرا دارد. اسلام نه تنها مخالف رهبانیت و غار نشینی بوده است بلکه فعالیت های اقتصادی و مالی را گاهی مستحن و بسا اوقات واجب قرار میدهد. کسب رزق حلال را فریضه میداند مگر بر خلاف اقتصاد های غیر اسلامی رفاهیت و زندگی پر آسایش را مسئله بنیادی و مقصد و هدف زندگی انسان نمیداند.

بناء اگر مال انسان را بسوی هدف نبیلی که شریعت آنرا نشاندهی کرده است رهنمایی می کند اسلام آن مال را "فضل الله"، "خیر"، "زینة"، "سکن" وغیره یاد کرده است مگر اگر وی را بسوی بیراهه بکشاند و از هدف اصلی زندگی اسلامی به دور برد پس آن را "متاع الغرور"، "فتنه" و "عدو" می نامد.

اسلام اصول کلی یی را برای زندگی انسانی وضع کرده است که نمایانگر جایگاه اقتصاد در اسلام است، مثلا وقتی خداوند متعال می فرماید:]وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ[، بخورید، بنوشید و اسراف نکنید، یک قاعدهء عام اقتصادی را بنا گذاشته است که انسان را مامور به زندگی مطابق به معاییر انسانی کرده و از اسراف و تبذیر و اموری که مفاد آن به جامعه بشری بر نمیگردد منع می کند.

به همین شکل وقتی شرع در آمد شخص مسلمان را به سه حصه تقسیم می کند که یک حصه آن را به مصرف برساند، حصه دوم را صدقه و خیرات کند و حصهء سوم را برای فردای خود پس انداز کند، چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: »رحم الله امرأ اكتسب طيبًا، وأنفق قصدًا، وقدم فضلا ليوم فقره وحاجته«، ترجمه: »خداوند بر آن شخصی رحم کند که کسب حلال کرد و شکل میانه روی در مصرف را اختیار کرد و ما زاد آنرا برای روز تنگدستی و حاجت از پیش فرستاد «در حقیقت یک قاعده کلی دیگر اقتصادی را بجا می گذارد که اگر به آن عمل صورت گیرد بزرگترین مشکلات جامعه حل میگردد.

علاوه بر این عدم تسلیم دهی مال به سفهاء، مجانین و اطفال در شرع و تشویق و ترغیب بر پرداخت زکات، خیرات و صدقات به فقراء و مساکین و اینکه مال تنها در دست اغنیا قرار نگیرد نیز دلیل بر قایل بودن اهمیت بر موضوع اقتصادی می باشد. و بنا بر همین دلایل که امثال آن به صدها در قرآن کریم و سنت مطهره به نظر میرسد فقهای اسلام ابواب خاص و طویلی را در بارهء مال، کیفیت و چگونگی تصرف، و شروط و ضوابط آن در کتاب ها ذکر نموده و به تفصیل کامل این موضوعات را بحث و بررسی کرده اند.

هدف اقتصاد در اسلام:

هدف مال و یا ثروت که اساس هر اقتصاد میباشد در اسلام تماما با اهداف اقتصادهای غیر اسلامی در مغایرت قرار دارد. اسلام مساوات اقتصادی در مجتمع نمیخواهد زیرا تقاضای مساوات مغایر با فطرت و قانون الهی است، انسانان نه مساوی خلق شده اند و نه مساویانه در مجتمع سهم دارند تا اقتصاد مساویانه نیز در میان آنان قایم گردد بلکه اسلام خواهان عدالت است، هر کس به تناسب صلاحیت و نیازمندی اش میتواند در رشد اقتصادی سهم بگیرد و مستفید نیز گردد. بناء اهداف اقتصاد اسلامی را میتوان در سه عنوان ذیل خلاصه کرد:

هدف اول- قیام و برپایی نظام فطری و عملی: آنجا که هر انسان بر اساس صلاحیت ها و توانایی های خود، بدون جبر و تشدد، ظلم و ستم، رزق حلال بدست بیاورد و مانع و عایقی این راه را برایش دشوار نسازد، خداوند متعال می فرماید:]نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيّاً[، ترجمه: »ما معیشت آنان را در زندگی دنیا بین آنان تقسیم کرده‌ایم. و در مرتبت برخی از آنان را بر برخی دیگر برتر گردانده‌ایم تا برخی از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرد.«

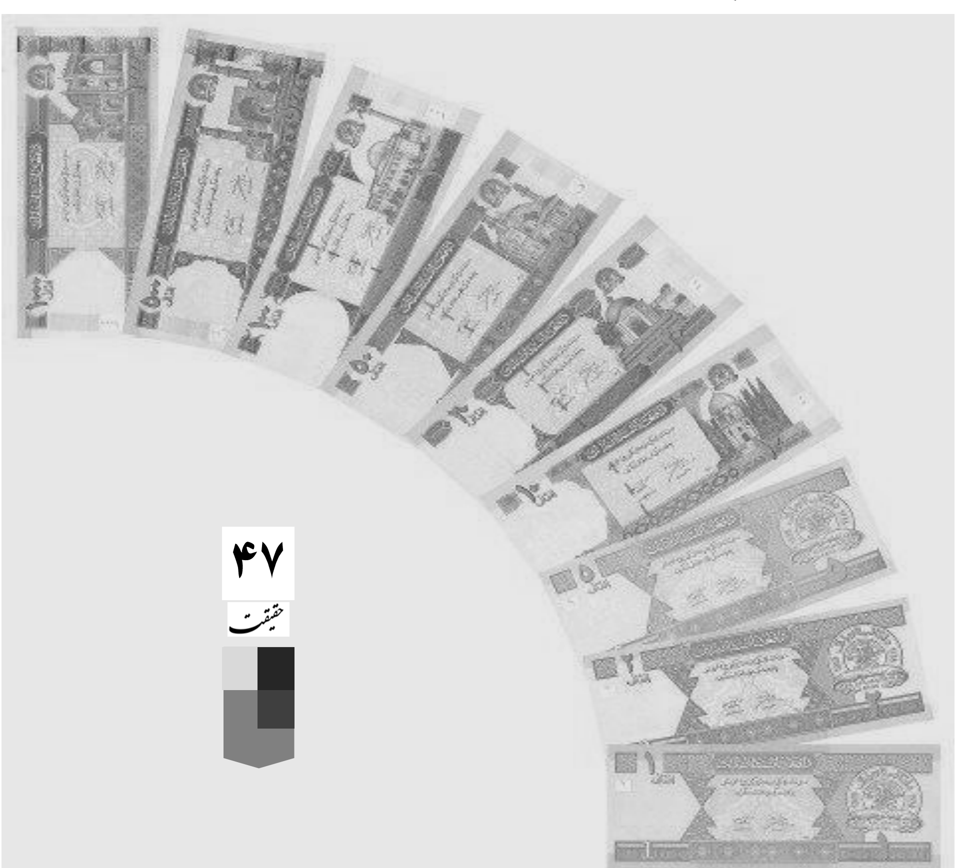
هدف دوم- رسانیدن حق به حقدار: استحقاق در اسلام با نظام های دیگر اقتصادی فرق دارد. بر اساس اقتصاد های غیر اسلامی تنها اشتراک در تولید میتواند وسیلهء استحقاق گردد مگر در اسلام چون مالک حقیقی مال خداوند متعال می باشد مستحق نیز کسی است که خداوند متعال آنرا مستحق قرار داده باشد نه تنها تولید کنندگان، پس فقراء، مساکین، ایتام و غیره گروههای مستحق حقدار این مال اند، چنانچه خداوند متعال می فرماید:]وفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ[، ترجمه: »و در اموالشان برای سائل و بینوا حقّی است.«

معاملات در عصر حاضر خیلی زیاد و متنوع است، در میان آن چنانچه حلال واضح و آشکار است حرام واضح و آشکار نیز وجود دارد، مگر در میان "مشتبهات" نیز وجود دارند. بجا آوردن حلال و اجتناب از حرامی که واضح و آشکار است کار ساده و آسان است و مسلمان راهی بجز اینکه به حلال تمسک بجوید و از حرام اجتناب کند اختیار دیگری ندارد مگر مشکل اساسی در مسایل مشتبه است، چنانچه در حدیث شریف ذکر شد بیشترین مردم آنرا نمیدانند.

اکنون وظیفه و مسئولیت علمای معاصر است که تحقیق عمیق کنند و حکم این چنین مشتبهات را در شریعت واضح گردانند واگر جانب حلال و حرام آنرا درک کرده نتوانستند اعلان کنند که این قضیه از فهم و درک آنان بالاتر بوده و در زمرهء "مشتبهات" باقی میماند.

هدف سوم – مخالفت با ذخیره اندوزی مال: مال نباید در دست چند فرد معین ذخیره گردد بلکه باید هر چی بیشتر در دستهای مختلف و میان افراد مختلف در طبقات مختلف گردش پیدا کند تا بدینوسیله تفاوت میان امیر و فقیر تا جاییکه فطرتا ممکن است کم گردد، خداوند متعال می فرماید:]كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ[، ترجمه: »تا بین توانگران تان دستگردان نباشد.«

ادامه دارد ....



صلح ؛ زیر چتر قانون مرکب از فرامین و فرمایشات امریکا

حمید حقیقی

خوانندگان محترم ! شما درین اواخر از رسانه های خبری شنیده باشید،که امریکا و متحدینش با دولت نامنهاد وحدت ملی از یکطرف پیشنهاد صلح را با مجاهدین امارت اسلامی افغانستان میکنند و از طرف دیگر شرط پیروی مجاهدین را از قانون اساسی وضع کرده اند.

کدام قانون اساسی؟ قانون اساسی ایکه در حقیقت فرامین و فرمایشات امریکا ومتحدینش بوده که البته توسط چند نفر افراد فروخته شده تسوید و تصویب گردید.بناء ضرورت مبرمی پیدا است تا پیرامون مورد،ماخد،معنی و چگونگی قانون اساسی مختصرا بحث نماییم.

قانون اساسی یعنی چه؟

متن فوق از دو کلمه مرکب میباشد. قانون و اساسی. قانون عبارت از امرکلی است که برجزءیات خود تطبیق میگردد. و اساسی منسوب بسوی اساس به معنای بنیاد ، مجموع مرکب بمعنای امرکلی بنیادی است که همه امور یک مملکت را بنیادبوده و همه اتباع ملت در پیروی ازان مکلف اند، چون هر مادهٔ قانون اساسی مشتمل بر امورکلی میباشد بناء مورد اطلاق قانون قرارگرفت .

قسمیکه از معنای قانون اساسی استنباط میشودقانون اساسی باید برچنین ماخذ و اساس استوار باشد که همه افرادملت از فرد اول گرفته تا آخرین فرد در پیروی ازآن به طریقهٔ وجوب مکلفیت خود را احساس کنند وآن ماخذ و اساس نیست مگر کتاب الله و سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم است.

مثلیکه ذات پاک الله جل جلاله در آیهٔ هفتم سورهٔ الحشر- می فرماید: وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا... الخ ترجمه. آنچه بدهدشمارا پیغمبر پس بگیرید آنرا وآنچه منع کند شمارا ازآن پس بگذارید و بترسید از خدا بتحقیق عذاب خداوند سخت است .

و همچنان در آیهٔ 44 سورهٔ مائده می فرماید: وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ الایه . ترجمه و هرکه حکم نکند مطابق آنچه فروفرستاده الله تعالی پس آن گروه ایشانند کافران.

و نیزدر ایات بعدی شماره 45 و 47 درسورهٔ مزبور بآنانیکه حکم نکنند بماانزل الله ستمگاران و بدکاران گفته شده است .

و در آیت 48 سورۀ فوق الذکرپروردگار عالم به پیغمبرش ارشاد میفرماید : وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا... الخ

ترجمه و فرو فرستادیم به سوی تو کتاب را براستی باوردارنده مرآنرا که پیش از وی بوده از کتاب و نگهبان بروی پس حکم کن میان ایشان به آنچه فرو فرستاده است خدا پیروی مکن خواهش ایشانرا اعراض کنان ازآنچه آمده به تو از حکم راست برای هرگروهی از شما مقرر ساخته ایم شریعتی و راهی.

و در آیت 153 سورۀ الانعام آمده . وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ .ترجمه : و هرآیینه این راه منست راه راست پس پیروی کنید آن راه را و مکنید پیروی راه های دیگررا که این راه هاجدا گرداند شما را از راه خدا.

و همچنان در آیۀ 31 سورۀ آل عمران فرموده است : قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . ترجمه : بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی کنید مرا تا دوست دارد شمارا خدا و بیامرزد بشما گناهان شما و خدا آمرزنده و مهربان است .

و عن ابی عمرو جریربن عبدالله قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من سن فی الاسلام سنة حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها بعده، من غیر ان ینقض من اجورهم شیء. و من سن فی الاسلام سنة سیئة کان علیه وزرها ووزر من عمل بها من بعده، من غیر أن ینقص من اوزارهم شیء. رواه مسلم . و نیز پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: عن مالک بن انس مرسلا ترکت فیکم امرین لن تضلوا ما تمسکتم بهما کتاب الله و سنت رسوله . رواه فی الموطا.

نظر به دلایل فوق مسلمانان باید در جمیع امور خودیعنی امورات فردی،اجتماعی،فامیلی و .... از قرآن عظیم الشان ،سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و شریعت غرای محمدی به تمام معنی مواظب باشد که تا هیچ کار او مخالف آنها قرارنگیر واگر قرارگیرد البته مصداق وعیدات خداوند جل جلاله قرار میگیرد.

برمیگردیم به اصل مقصد در قدم اول بایم گفت بر هیچ کسی خفی نباد که قانون اساسی در یک مملکت زاده استقلال آن مملکت است، ملکی که همچو افغانستان امروز از نعمت استقلال و حریت برخوردار نیست پس برکدام اساس قانون اساسی برایش تصویب شد؟ و اگر تصویب شد پس لازم است که تحت شعاع فرامین و فرمایشات قوای اشغالگر تصویب گردد، مثلیکه بچشم سر دیدم که رئیس نامنهاد دور اول دولت حامد کرزی درحالی جهت کسب اقتدار از مرز افغانستان داخل می شود که همچو عروسک نامزاد با سازوهل طیارات مجهز و اشک بم های نیمه اتم و راکتهای دوربرد خود را بالای مردم بی دفاع و بیچارۀ این سرزمین ریختانده. افسوس بحال این رئیس دولت .

آیا قانون اساسی اینگونه دولت وارد شده فشرده فرامین و فرمایشات امریکانخواهد بود ؟ مردم مؤمن افغان ! قضاوت بدست شما. کسیکه بخاطر چاکری یهود و نصارا و اقامۀ نظام سیکولرزمی غربی دهها هزار هموطن مسلمان اعم از مردو زن ، طفل و کهن سال بی دفاع و نظام خالص اسلامی خود را در قدم اول طعمۀ بمباردمان شبانه روزی اشغالگران غربی گردانید از شاشجاع و ببرک کارمل پست تر نخواهد بود ؟

اطفال افغان در مهد شان از زخمهای سرطانی جنگ افغان شوروی هنوز صحت نیافته بود که حامدکرزی،ربانی، سیاف، فهیم ، عبدالله ، دوستم،محقق و ... با باداران غربی خود شمشیر ظلم و استبداد را بالای سرشان کشیده و زخمهای شانرا تازه تر ساخت آیا قانونیکه بدست همچو خائنین تسوید و تصویب شده باشد مورد پذیرش تان قرار خواهد گرفت ؟

قانونیکه از اسلام استقلال و تمامیت ارضی حرف می زند ولی در حقیقت نه تنها که به اسلام ، استقلال و تمامیت ارضی هیچ نوع گرایشی ندارد بلکه دروازه های مسدود تبلیغات مسیحیت و یهودیت را باز نمود .قانونیکه وکلاء جهت تصویب آن در بازار آزاد به دالر خرید و فروش می شدند.

در قدم دوم تذکر بایم داد که اگر فرضا دولت امروزی افغانستان مستقل ،اسلامی و دارای تمامیت ارضی باشد پس باید قانونی را دارا باشد که صدفیصد با اسلام ،قرآن و سنت ضمن توضیح و تشریح فقه حنفی موافق باشد نه قانونیکه مادۀ اول آن که افغانستان دولت جمهوری اسلامی مستقل واحد و غیرقابل تجزیه می باشد و نیز بند اول مادۀ دوم آن که دین افغانستان اسلام است و جملۀ اول ماده سوم آن که در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند نافذ شود که مخالف دین مقدس اسلام باشد مناقض اند با مادۀ هفتم که دولت افغانستان منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن الحاق گردیده و اعلامیۀ جهانی حقوق بشر را رعایت می کند .
و همچنان مواد اول الذکر مناقض است با مادۀ پنجاه و هفتم که دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان طبق قانون تضمین میکند، این اشخاص درحدود قوانین بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.
این تناقض ناشی از تناقض بین قانون الهی و قوانین موضوعی و خود ساخته بشری است بطور مثال دین مقدس اسلام به اساس ارشادات قران عظیم الشان حکم میکند کسیکه مرتکب جنایت دزدی گردد دستش قطع شود و هچنان کسیکه بالان زن پاکدامن قذف بگوید به اساس فرموده آیۀ شماره 4 سورۀ النور که :والذین یرمون المحصنت... الخ شریعت غرای محمدی میفرماید که هشتاد دره زده شود و هیچگاه شهادت شان قبول نشود وایشانند فاسقان .
و نیز زناکار را دین مبین اسلام به اساس آیۀ 2 سورۀ النور که : الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مأة جلدة... الخ جزای صد دره تعین نموده. و همچنان قاتل ناحق را به اساس آیۀ 178 سورۀ البقرة جزای قصاص یعنی کشته شدن قاتل در عوض مقتول فرموده و شرابخور را بنا به حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که : ومن شرب الخمر فاجلدوه و اجماع صحابه برای آن جزای دره زده تعین فرموده .
اما بالمقابل قوانین و نورمهای بین المللی و سازمانهای نامنهاد حقوق بشر حدود شرعی را ممنوع قرار داده و شراب خوری را هیچ جرم نمی پندارند که البته تفصیل آن به طوالت می انجامد.
و همچنان اسلام درجامعۀ برای زنان یک قسم حقوق وضع نموده و برای مردان دیگر قسم که البته عادلانه بوده باتفاوتی بین مردان و زنان. ولی قوانین بین المللی و حقوق بشر- مساوات مطلق را ادعاء میکنند که البته این مفکوره را تفاوت فطری زن و مرد به صراحت رد میکند و همچنان شریعت غرای محمدی و فقه حنفی به هیچ قانونی از قوانین خودساخته بشر محدود نمی گردند بلکه قوانین بشری به شریعت و فقه بایند محدود گردید.
خلاصه اینکه قانون تصویب شدۀ فعلی جوابگوی نیازمندیهای یک جامعۀ اسلامی طبق اساسات دین مبین اسلام و شریعت غرای محمدی شده نمی تواند و نه قانون اساسی یک ملت اسلامی بوده بلکه مجموعۀ از فرامین اشغالگران غرب میباشد، زیراکه دین مقدس اسلام یک جامعۀ اسلامی را به پیروی کامل از منشوری می فرماید که ماخذ آن تنها و تنها قرآن عظیم الشان احادیث پیغمبر علیه الصلوة والسلام و سایر اصول شرع باشد تا در جامعۀ اسلامی بیحث منشور واجب العمل ازآن اتباع گردد تا در وقایع روزمره بخلاف شریعت غرای محمدی حکم صورت نگیرد آیات متذکره همین پدیده را اکیدا ارشاد می کنند .
خوانندگان محترم بیندیشید! که إحکام از روی همچو قانون ترویج بی دینی نخواهد بود؟
آیا إحکام مذکور فیصلۀ مخالف قرآن عظیم الشان و شریعت غرای محمدی نخواهد بود؟
آیا عمل به این قانون بنده را مورد وعیدات خداوندی قرار نخواهد داد؟
و نیز پیروی ازین قانون سرکشی از اوامر فوق الهی نخواهد بود ؟
همچنان فیصله به این قانون تحمیل رأی بشر بر بشر نخواهد بود ؟
پس به صراحت بایم گفت که فرد اول یک مملکت اسلامی باید مؤمن،حر،مستقل و متشرع بوده و امورات مربوطۀ خود را در پرتو قانونی پیش برد که مستنبط از قرآن عظیم الشان و سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و سایر اصول شریعت باشد و بس .
بناء بنظر بنده صلح و مذاکرات مجاهدین امارت اسلامی در موجودیت اشغالگران و یا زیرچتر قانون موجوده به هیچ وجه مجاز نخواهد بود .



ګل و ګلزار

عبدالستار سعید

څو که سراسر ګل و ګلزار یمه
بیا هم لا د ډېرو په زړه بار یمه

آفرین د زړه په سر کې مات غشیه
ستا له برکته ویښ بیدار یمه

ستوری یمه لمر ته هرکلی وایم
زه د خپل قاتل په انتظار یمه

څوک راته یوڅه او څوک بل څه وایي
خدایزده چې منصور یمه که دار یمه

چا ویل چې دګل سترګو کې ګل یمه
خار یمه د خار د لارې خار یمه

هېر مې نه کړې ګوره درنه هېر نه شم
ستا دنیمه خوا هېلو مزار یمه

تیر یم دازل له کمان وتی یم
دروم دابد زړه ته په لار یمه

ما د مدینې شراب نوش کړي دي
چا ویل سعیده چې خمار یمه ؟

سعادت کامران

راز

حاجب ودربانِ درِبارفرنگ
دیدخودرادرقبای هفت رنگ

موشک ازموشي درآمدگربه شد
میربایدجانْعقلش تیره شد

رگ رگش عفریت شددیوانه وار
هرچه برلب بودگفتش نابکار

خویشکام ناکام میهاندچرا؟
دهخدامیخواهدازغیرِخدا

دست بردارازطلب درکوبکو
دُرِیکتاازصدف خارج مجو

جزبه توبه مي نشایدکس دیگر
راه جوید ! ورنه درآیدبه سر

این عمراین مردسالارودلیر
توتیایي چشم هربرناوپیر

همچومرگ استاده باشددرکمین
نی ازومُقدِم گریزدني مهین

(خضر)و(الیاس) ازپیش تقدیرکرد
دشمنش بی فکرو بي تدبیرکرد

راز موفقیت زدرویشیش جو
دشمنش ناکام گشت از رزم او



ای جوانان عجم!

علامه اقبال لاهوری (رح)

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
ای جوانان عجم جان من و جان شما

غوطه ها زد در ضمیر زندگی اندیشه ام
تا بدست آورده ام افکار پنهان شما

مهر و مه دیدم نگاهم برتر از پروین گذشت
ریختم طرح حرم در کافرستان شما

تا سنانش تیز تر گردد فرو پیچیدمش
شعله ئی آشفته بود اندر بیابان شما

فکر رنگینم کند نذر تهی دستان شرق
پاره لعلی که دارم از بدخشان شما

میرسد مردی که زنجیر غلامان بشکند
دیده ام از روزن دیوار زندان شما

حلقه گرد من زنید ای پیکران آب و گل
آتشی در سینه دارم از نیاکان شما

غزل

بشیر احمد وصال

سورګلابه پر خزان مي پيرزو نه وې
خوږه ژونده پر هجران مي پيرزو نه وې

دوخت ورونه دي چي جوړ درته ليوان شوو
يوسف مخيه پر کنعان مي پيرزو نه وې

اي تاريخ کي ځليدليه رڼه ستوريه !
پر دې خړ غوندي اسمان مي پيرزو نه وې

وخت دي اخلي رانه تا غوندي تاجونه
چي په دغه درست جهان مي پيرزو نه وې

اي ثاني صلاح الدين دوخت خالده
په دې تورو حشي زندان مي پيرزونه وې

نور دي زيري دوصال په وصال وشه
په دې اوږد عمر خفګان مي پيرزو نه وې

بزم ادب




خواهر مسلمانم غمگین مباش!

نویسنده: راشده صالحی

غمگین مباش! چرا که الله متعال تو را با اسلام گرامی داشته، و بواسطه‌ی ایمان بزرگی بخشیده است و تو را یار و همراه مرد قرار داده است. الله تعالی می‌فرماید:

{إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً} [الأحزاب: ۳۵]

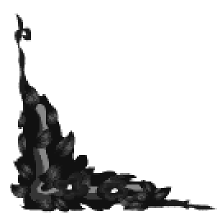
(مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که الله را فراوان یاد مکنند، الله برای [همه] آنان آمرزش و پاداش بزرگی فراهم ساخته است)

فقط این نیست؛ بلکه به تو منزلتی بس والا بخشیده هنگامی که تو و زنان نیکوکار، عبادت گزار، فرمانبردار، ومؤمن راستینی مانند تو را به أمهات المؤمنین منتسب نموده است.

غمگین مباش! درحالی که اسلام با قرار دادن تو به عنوان دختری پاکدامن، خواهری گرامی، همسری مورد اطمینان، مادری مهربان و با شفقت و مادر بزرگی با وقار، انصاف را در مورد تو رعایت نموده است.

و بدان که اگر در تربیت فرزندان امانتداری را رعایت ننموده و حافظ کیان خانواده نباشی این مقام والا و جایگاه ویژه زیبنده‌ی تو نخواهد بود. بنابراین در نگهداری از این امانت بزرگ کوتاهی نکن، و به پاداش الله جل جلاله در برابر این تلاش و وقت گذاری چشم ببند؛ زیرا او سبحانه و تعالی پاداش عمل هیچ عملگری چه زن و چه مرد را تباه نخواهد کرد.

غمگین مباش! در حالیکه به حجاب شرعی خویش، که پوشاننده‌ی آنچه که خداوند به پوشیدن آن امر نموده می‌باشد، چنگ زده‌ای؛ زیرا در این حجاب عزت و کرامتی نهفته است که شیرینی آن را فقط کسی خواهد چشید که به الله به عنوان پروردگار، به اسلام به عنوان دین و به سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم به عنوان پیامبر و فرستاده‌ی خداوند ایمان آورده باشد.غمگین مباش! هنگامی که تو کانون خانه را گرم نگه داشته‌ای، بر واجبات پایبندی داری و آنچه از عبادات و طاعات که الله تعالی بر تو فرض نموده را بجا می‌آوری؛ وبدان که اختلاط نکردن با هرزگان و سست عنصران نعمتی بس عظیم بوده که هیچ قیمتی نمی‌توان بر آن گذاشت؛ چرا که در دوری از آنان آرامش حال، راحتی فکر، سلامت روح و روان و دوری از گناهان نهفته است.



HAQIQAT

Islamic, Political, Cultural & Jihadi Bimonthly Magazine



